



فصلنامه علمی تخصصی مطالعات مهدوی

سال دهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

مدیر مسئول: حجة الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان

سرمدیر: سعید توسلی خواه

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه: حسین علی جباری

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

حجت حیدری چراتی / فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت
حسن ملایی / فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق تربیت مرکز تخصصی مهدویت
سعید توسلی خواه / دکتری مدرسی معارف اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت
سید مجتبی معنوی / فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا
علی مصلحی / فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت
مسلم کامیاب / فاضل حوزوی و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا

همکاران این شماره: محمد امین بالادستیان، محمد براری

آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاثیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴
کدپستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdavimag@gmail.com

پایگاه اینترنتی: www.mahdimag.ir

آدرس کانال‌های ما در شبکه‌های مجازی ای‌تا، سروش و گپ: @mahdaviatmag

راهنمایی تدوین مقاله

مقاله های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۸. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/ تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
 ۲. کلید واژه ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
 - ۴,۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
 - ۴,۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
 - ۴,۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
 - ۴,۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.
 ۵. جمع بندی یا نتیجه گیری:

- جمع بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می باشد. به گونه ای که مسئله و ادله و جواب ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می شود.

- نتیجه مقاله بیانگر یافته های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره های خبری موجز بیان می شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می شود، لذا می بایست از ذکر بیان مسئله، جمع بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

عراجمات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۱، ۶ کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۲، ۶ مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۳، ۶ صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷، ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه های ذیل آورده شود:

۱، ۷، کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۲، ۷، مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۳، ۷، صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۴، ۷، نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفا دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه های ارسال مقاله

۱. حضوری: مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. غیر حضوری (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۱، ۲. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲، ۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۳، ۲. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۴، ۲. از طریق فضای مجازی به آدرس: mahdaviatmag@

فهرست مطالب

راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت ۵
محمد براری

بررسی فقه‌الحديثی کارکردهای امام مهدی عجل الله فرجه در روایت اخذ میثاق از انبیای الهی .. ۲۵
محمد امین بالادستیان، محمد غلامی

تأملی جامع از مفهوم انتظار فرج و جایگاه آن در اندیشه اسلامی ۴۵
حسین علی جباری

نقش انتظار در تحقق ارزش‌های امنیت اجتماعی ۶۱
محمود کریمی

بررسی ملاقات با امام زمان عجل الله فرجه در عصر غیبت کبری (با عنایت بر آخرین توقیع امام
زمان عجل الله فرجه) ۸۷
لیلا مرادی

تبیین موضوعات روایات مهدوی عجل الله فرجه از اصحاب معصومین علیهم السلام در کتب روایی
مهدوی عجل الله فرجه ۱۰۳
سید مهدی جلال زاده میبدی

پیوست‌ها ۱۲۹

راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت

محمد براری^۱

چکیده

سوء برداشت و مطامع دنیوی، همواره باورها و اعتقادات یک جامعه را تهدید کرده، آن را به سوی انحرافات می‌کشاند. از این‌رو، ضروری است برای مواجهه و مقابله با آنها راهکارهایی اندیشید تا جامعه را در برابر آنها مصون سازی کرد.

در مصون سازی آموزه مهدویت در تقابل با جریان‌های انحرافی، این سه راهکار مهم، آثار فراوانی خواهد داشت:

الف) راهکار فرهنگی: این راهکار بر سه عرصه پژوهش، آموزش و تبلیغ که مترتب بر هم هستند، استوار است. هدف از این راهکار، نهادینه کردن مفاهیم و معارف صحیح در سطح جامعه است، به گونه‌ای که محلی برای فعالیت‌های جریان‌های انحرافی وجود نداشته باشد.

ب) راهکار سیاسی: در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، فعالیت‌هایی توسط حکومت اسلامی در این مسیر انجام می‌گیرد.

ج) راهکار اقتصادی: دولت اسلامی و اصناف و تشکل‌های اقتصادی در راستای هم‌برای زدودن انحرافات در حوزه مهدویت به کمک مراکز فرهنگی و علمی می‌آیند.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، مهدویت.

۱. دانش آموخته سطح ۴ مهدویت گرایش قرآن و حدیث مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل:

مقدمه

برداشت‌ها و تفسیرهای غلط از دین در کنار طمع‌ها و سوء استفاده‌ها از فضای اعتقادی و دینی، موجب پیدایش افکار انحرافی می‌گردد که اگر برخورد صحیح و مناسبی با آن انجام نگیرد، موجب ایجاد جریان و در نهایت فرقه انحرافی در درون جامعه دینی می‌گردد که طیف وسیعی از جامعه را درگیر خود کرده و در نهایت با رشد و قدرت گرفتن آنها، سبب تحریف دین و دور شدن جامعه از مسیر تعالیم و معارف صحیح آن می‌گردد.

از این رو، در وهله اول بر تمام کسانی که از دین پیروی می‌کنند ضروری است ضمن مراقبت از آن، با تعمیق بخشیدن به اعتقادات خویش، از شکل‌گیری هرگونه تفکرات و ایده‌های انحرافی در درون خود جلوگیری کنند.

از طرفی دیگر، کسانی که به نوعی نسبت به حفظ معارف دینی و اعتقادات جامعه، مسئولیت دارند، مقابله با جریان‌های انحرافی از مهم‌ترین مسئولیت‌های آنان به حساب می‌آید. از این رو، باید ضمن از بین بردن هر گونه بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری، مسائل فرهنگی پیرامون را به دقت بررسی و رصد کنند و برنامه جامعی در تقابل با آنها تدوین کرده، اجرایی سازند.

بدیهی است با پی‌ریزی و عملیاتی کردن برنامه‌ای جامع با نظرداشت همه جوانب می‌توان در از بین رفتن یا کم اثر کردن تفکرات و جریان‌های انحرافی، نقش به‌سزایی ایفا کرد.

هر چند تفکرات و جریان‌های انحرافی از مقوله و سنخ فرهنگی هستند و مهم‌ترین عرصه تقابل با آنان در همین عرصه معرفی می‌گردد، ولی با توجه به میزان نفوذ و رسوخی که در یک جامعه پیدا می‌کنند می‌توانند حوزه‌های اقتصاد، سیاست و ... که جلوه‌گاه عرصه‌های دیگر زندگی انسانی هستند را درگیر کنند. بنابراین، در طراحی و تدوین برنامه و راهکار جامع برای مقابله با تفکرات و جریان‌های انحرافی، تمام عرصه‌های فوق باید مورد توجه قرار گرفته، برای هر کدام راهکار جداگانه‌ای طراحی کرد.

مهدویت هم به عنوان یک تفکر و اعتقاد از این قاعده مستثنا نیست و همواره در معرض انحرافات از سوی کژاندیشان و بازیگران عرصه طمع و سودجویی بوده و هست. از این رو، نیازمند طرح و راهکاری همه‌جانبه برای مقابله با این تفکرات و جریان‌ها خواهد بود.

در مسئله مورد بحث، پایان‌نامه‌ای با عنوان *زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر* در جمع‌بندی مباحث خود به راهکارهایی اشاره داشته است،^۱ اما راهکارهای مطرح شده از جانب ایشان به صورت کلی و بدون تفکیک حوزه‌های مختلف انجام گرفته و منابع دیگر هم به صورت گذرا به این مسئله پرداخته‌اند.^۲

نوشتار حاضر می‌کوشد با توجه به حوزه‌ها و عرصه‌های مختلفی که برای تقابل با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت وجود دارد برای هر حوزه، راهکارهای درخور و مناسبی ارائه کند که بتواند در مجموع، برنامه‌ای جامع در تقابل با تفکرات و جریان‌های انحرافی مهدوی به شمار آید. از آنجا که راهکارهای ارائه شده، مخصوص مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت نیست، بلکه شامل مقابله با هر نوع جریان‌های انحرافی در هر حوزه‌ای می‌شود، در بسیاری از موارد، متن پیش‌رو به صورت کلی، راهکارها را ارائه کرده است.

راهکارهای مقابله با جریان‌های انحرافی مهدویت

در مقابله با این جریان‌ها سه راهکار مهم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد که در ادامه به تفصیل به این سه راهکار خواهیم پرداخت:

راهکار فرهنگی

از آنجا که سنخ انحرافات در حوزه اعتقاد، از جنس فرهنگ است، اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکاری که در تقابل با آنها باید انجام گیرد، راه کار فرهنگی است. تایلر فرهنگ را این گونه معرفی می‌کند:

«فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است متضمن معلومات، معتقدات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمامی تمایلات و قابلیت‌ها و عادات مکتسبه که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع، حاصل می‌نماید».^۳

هر چند تعریف تایلر، حکایت از گستردگی مفهوم فرهنگ دارد، ولی به نوعی می‌توان گفت از تمام مواردی که زیر مجموعه فرهنگ شمرده می‌شود، باورها و اعتقادات، زیر بنای دیگر موارد به حساب می‌آید؛ به این معنا که موارد دیگر مانند آداب و رسوم و قوانین و هنر و ... متأثر از باورها و اعتقادات هستند و برآمده از نوع اعتقاد و باوری است که در جامعه ریشه دوانیده است.

۱. کامیاب، *زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر*، ص ۱۴۷-۱۵۱.

۲. محمدی اشتهاردی، *بابی‌گری و بهایی‌گری*، ص ۸۹ - ۹۱.

۳. منصور، *فرهنگ استقلال*، ص ۹ و ۱۰.

از این رو، در راهکار فرهنگی، بیشترین تمرکز باید بر این دو محور، صورت پذیرد و به دنبال نهادینه‌سازی مفاهیم بلند در باورها و اعتقادات بود.

در مهدویت هم به عنوان یک اعتقاد و باور، برای نهادینه‌سازی معارف و مفاهیم آن و جلوگیری از انحراف‌های پیرامون آن و مقابله با جریان‌های انحرافی، مهم‌ترین راهکار، از سنخ فرهنگی خواهد بود.

برای راهکار فرهنگی در هر حوزه‌ای از جمله مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت، سه عرصه که مترتب بر هم هستند از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌رود:

الف) پژوهش

ب) آموزش

ج) تبلیغ

الف) پژوهش

از اولین و حیاتی‌ترین مراحل برای کار فرهنگی، مرحله پژوهش است. داده‌های پژوهشی و نتایج برآمده از آن به جهت دقت و بررسی‌های عالمانه‌ای که روی آنها صورت می‌گیرد، با کم‌ترین خطا و اشتباه و انحراف همراه خواهد بود.

برای مقابله با جریان‌های انحرافی عرصه مهدویت، سه کار مهم در مرحله پژوهش باید صورت بپذیرد:

۱. رصد و شناسایی

پژوهش به جهت هزینه‌های مالی و زمانی که دارد، در انتخاب مسائل و موارد مورد پژوهش باید اولویت‌سنجی شود مواردی که در اولویت بالاتری قرار دارند، روی آنها پژوهش صورت بپذیرد. برای رسیدن به این مهم، ابتدا باید مقوله‌های پیرامون حوزه مورد بحث را مورد بررسی و دقت قرار داد و به تعبیر دیگر باید مقوله‌های پیرامون را رصد کرده، آنها را شناسایی کرد. بدیهی است هرچه در مرحله رصد و شناسایی، دقت بیشتری صورت پذیرد نتیجه‌ای که در مراحل بعد به دست می‌آید به مراتب ارزشمندتر و در رسیدن به هدف مؤثرتر خواهد بود.

مقابله با جریان‌های انحرافی هم از این قاعده مستثنا نیست و نیازمند اولویت‌بندی در مباحث است و این کار با رصد و شناسایی در عرصه‌های زیر، به دست خواهد آمد:

- آموزه‌های بنیادین مهدویت، مانند: جایگاه امامت و ضرورت آن، نسب‌نامه امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه

غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه، ظهور و پدیده‌های دوران ظهور، شرایط ظهور، علائم حتمی ظهور و

- آموزه‌هایی که قابلیت سوء استفاده دارند، مانند: علائم ظهور، نیابت از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و مفهوم آن، امکان ارتباط و ملاقات با امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و

- ترفندهای مدعیان دروغین برای جذب و گسترش گروندگان به خود، مانند: خواب، رؤیا، ادعای ملاقات، زهد فروشی و

- بسترها و زمینه پیدایش جریان‌های انحرافی به ویژه جریان‌های مرتبط با مسئله مهدویت، مانند: فقر، جهل، هرج و مرج سیاسی، دین ستیزی و

- معیارهای تشخیص مدعیان دروغین از راستین، مانند: علائم ظهور حتمی به ویژه صیحه آسمانی، ادعای ارتباط با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، نقل خواب، سخنان مبهم و پیچیده و

- مضرات گرایش به جریان‌های انحرافی، مانند: از دست دادن دین و اعتقاد و به هدر رفتن جان و

با دقتی که در مقوله‌های فوق می‌توان انجام داد، عرصه‌های اولویت‌دار برای پژوهش را می‌توان استخراج کرد و با سرمایه‌گذاری زمانی و مالی در مسیر تقابل با جریان‌های انحرافی، می‌توان بهره‌های بهتری را برد.

۲. تبیین صحیح و منطقی

شناخت عاری از هرگونه پیرایه‌های وهم و خیال و مغالطه، گنجی است که موجبات واکسینه کردن یک شخص یا یک گروه یا یک جامعه در مقابل هرگونه سودجویی و منفعت‌طلبی سوء استفاده‌گران عرصه‌های مختلف می‌گردد و این مهم هم در باور مهدویت دارای کارایی بسیار بالایی است تا حدی که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را به عنوان راهی برای مصون ماندن از هر گونه انحراف در مورد امامت و امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ معرفی می‌کند و می‌فرماید: «اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَهُ» امامت را بشناس [پس] زمانی که امامت را شناختی ضرری به تو نخواهد رسید چه این امر مقدم گردد (و زودتر اتفاق بیفتد) و چه به تأخیر افتد.

در مقابل، برجیده‌شدن شناخت و معرفت صحیح از یک گروه یا جامعه ای، آن را در معرض منفعت‌طلبی‌ها و سوء استفاده‌های افراد یا جریان‌های منحرف، قرار می‌دهد؛ آنانی که در طول

تاریخ از ضعف شناخت و درک افراد، بیشترین استفاده‌ها را برده، جمع‌گیری را افزون بر استثمارشان، از مسیر اعتقادی صحیح جدایشان کرده‌اند. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که یکی از وضعیت‌هایی که به شکل‌گیری، رشد و قوت‌گرفتن انحرافات و تفکرات و جریان‌های انحرافی کمک می‌کند، نبود شناخت صحیح از معارف دینی و از جمله معارف مهدوی است.

ناگفته پیداست که شناخت صحیح و دقیق برای هر فرد و جامعه‌ای درگرو تبیین صحیح و منطقی و مستدل آن مطلب مورد بحث خواهد بود؛ به این معنا که برای رساندن سطح شناخت فرد یا جامعه به حد مطلوب و واکنش‌کردن آنان در مقابل هرگونه حمله‌های اعتقادی و دینی، ابتدا می‌بایست آن مطلب، مورد پژوهش علمی قرار گرفته، نظریات و احتمالات در بوته نقد و نظر قرار گیرد تا محصولاتی با قوت علمی و استحکام درونی بیشتر به جامعه تزریق گردد.

از این رو در تقابل با جریان‌های انحرافی مهدوی در ادامه مرحله پژوهش، مقولاتی که در عرصه‌های فوق، رصد و شناسایی شده‌اند، باید به دقت مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گرفته؛ با اسلوب و روش‌های منطقی و علمی به تبیین صحیح آن پرداخت.

برای نمونه در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، امکان نیابت خاصه نیست و کسانی که با مطرح کردن آن به صراحت یا در لفافه و به صورت تلویحی بر این نکته تکیه می‌کنند، در پی ارضای هواهای نفسانی و مطامع خود هستند یا متوهمانی هستند که تخیلات خود را به عنوان نکات و معارف ناب به خورد مستضعفان فکری جامعه می‌دهند.

وقتی در متون دینی خواب و رؤیا را مورد بررسی دقیق علمی قرار دهیم در می‌یابیم که در روایات اهل بیت علیهم السلام به خواب اهمیت داده‌اند، اما ورود آن را در حوزه اعتقاد و دین، بی‌پایه و اساس مطرح کرده و بر عظمت دین و جایگاه آن و پست‌بودن جایگاه خواب نسبت به اثبات دین تصریح می‌کنند. امام صادق علیه السلام از عمر بن اذینه در مورد آنچه عامه در اذان‌هایشان برخلاف اذان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گویند سؤال نمود. در پاسخ گفت آنان می‌گویند که ابی بن کعب آن را در خواب دیده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «كَذَّبُوا فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَغْرُ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ»^۱ دروغ می‌گویند. همانا دین خدا عزوجل ارجمندتر (و با عظمت‌تر) از آن است که در خواب دیده شود.

۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۲؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۲.

نکته‌ای که در اینجا مورد اهمیت است این است که امام علیه السلام حتی استناد فرع کوچکی از فروعات دین و فقره‌ای از فقرات اذان را به خواب مورد حمله قرار می‌دهد و با قاعده کلیه‌ای که ارائه می‌فرماید این کار را توبیخ می‌نماید. چگونه است کسانی مانند احمد بصری در ادعای مهدی بودن و احقیت خود که به امر اعتقادی گره خورده است، به خواب‌ها استناد می‌کند. و یا مانند جهیمان العتیبی که در اثبات مهدی بودن محمد قحطانی به خواب‌ها استناد کرده است.

۳. تألیف و ردیه‌نویسی

داده‌ها و نتایج پژوهشی که در زمینه‌های فوق به دست آمده است، به عنوان محتواهای علمی که بر رویشان بررسی‌های کارشناسانه صورت پذیرفته است، به شکلی باید به جامعه هدف منتقل گردد. انتقال محصول‌های پژوهشی به جامعه هدف به سه صورت امکان‌پذیر است: ۱. تألیف و ردیه‌نویسی؛ ۲. آموزش؛ ۳. تبلیغ. که در میان آنها تنها صورت اول است که جزو مراحل پژوهشی به حساب می‌آید، در این مرحله، داده‌های پژوهشی در قالب کتاب یا مقاله و جزوه در عرصه‌هایی که قبلاً ذکر شده است، به دو صورت ایجابی و سلبی به جامعه هدف منتقل می‌گردد. در شکل ایجابی به تبیین و توضیح مبانی و معارف مهدوی پرداخته می‌شود و در شکل سلبی به ردیه‌نویسی و رد و ابطال نظریه، تفکر، جریان و ... انحرافی پرداخته می‌شود. تألیف کتاب و مقاله افزون بر اینکه موجب حفظ و ماندگاری نتایج و محصول‌های پژوهشی می‌گردد، به سهم خود موجبات انتشار و گسترش مفاهیم و مطالب نگارشته شده، می‌گردد و با آموزش و تبلیغ مناسب می‌تواند در نهادینه سازی اعتقاد صحیح و معارف ناب در جامعه نقش به‌سزایی ایفا کند.

ب و ج) آموزش و تبلیغ

جامعه‌ای که مورد هدف جریان‌های انحرافی مهدوی و سردمداران آنها قرار دارند، اگر از لحاظ اندیشه و شناخت، به اندازه کافی، تأمین نشده باشد، و کاری برای ارتقای سطح بینش آن صورت نگیرد، به راحتی در دام‌های گروه‌های یاد شده قرار خواهد گرفت. از این رو لازم است، آنچه در پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها توسط کارشناسان با دقت‌های علمی، به ثمر نشست است، به نوعی با تغییر قالب زمخت و خشن علمی، با شیوه‌های مطلوب آموزشی و تبلیغی به سطح جامعه منتقل گردد و شرایط را برای ارتقای سطح علمی و شناختی افراد جامعه، فراهم سازد.

آموزش و تبلیغ به عنوان مهم‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم، وظیفه ارتقا و رشد علمی و فکری جامعه را هم برعهده دارند، رشدی که موجبات قدرت تجزیه و تحلیل در مسائل را به شخصی

که مورد تعلیم و آموزش قرار گرفته است را بدهد. شهید مطهری در بیانی، هدف از آموزش و پرورش را رشد فکری دادن به متعلم و جامعه معرفی می‌کند، و وظیفه معلم و استاد و حتی واعظی که خطابه را بر عهده دارد این‌گونه معرفی می‌کند: «تعلیم دهنده و مربی هر که هست (معلم است، استاد است، خطیب است، واعظ است) باید کوشش کند که [به متعلم و متربی] رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد»^۱. بنابراین جامعه‌ای بخواد در مقابل انحرافات و کژی‌ها مقاوم گردد و به نوعی در مقابل آنها واکنش پیدا کند، لازم‌هاش این است که قوت تجزیه و تحلیل و شناخت مردم آن جامعه به سر حد مطلوب برسد، حدی که ترفندها و شگردهای سردمداران تزویر و حيله و انحراف‌های آنان در افراد این جامعه و کسانی که تحت آموزش‌ها و تربیت‌های مورد نظر قرار گرفته‌اند، اثری نگذارد و یا آثار آن را به حداقل ممکن رساند.

آموزش‌ها و تبلیغ‌هایی که برای افراد جامعه هدف در فضای مهدوی، می‌توان انجام داد، باید در دو سطح و قالب انجام گیرد:

عمومی: مخاطب این نوع، عموم افراد جامعه هستند و در این آموزش‌ها و تبلیغ‌ها اغلب، به دنبال تبیین و توضیح‌هایی در زمینه‌های یاد شده، می‌باشند؛ به این معنا که در سطحی فهم‌پذیر برای عموم افراد جامعه و فارغ از هرگونه استدلال‌ها و براهین سنگین علمی، داده‌های پژوهشی عرصه‌های مختلف مباحث مهدویت را به جامعه منتقل می‌کنند.

تخصصی: مخاطب و جامعه هدف در آن، تحصیل کرده‌های حوزوی و دانشگاهی هستند و هدف از این نوع آموزش و تبلیغ، تربیت نیروهایی زبده و فعال در راستای تقویت سطح شناخت جامعه است؛ با آموزش‌ها و تبلیغات تخصصی در فضای معارف مهدوی، افرادی تربیت می‌شوند که به دلیل دریافت‌ها و سطح درک بالاتر، راهبری فضای جامعه به سوی معارف ناب مهدوی و دفاع از آن در مقابل هجمه‌ها و القائات جریان‌های انحرافی را بر دوش می‌کشند.

آنچه می‌تواند به پیشبرد اهداف در دو عرصه آموزش و تبلیغ، کمک کند این است که در هر دو از هر نوع ابزاری که برای بهتر محقق کردن اهداف مورد نظر، می‌تواند مثمر ثمر باشد، باید بهره برد، مانند: کلاس و کارگاه، خطابه‌های عمومی، هنر، رسانه و فضای مجازی.

نکته: هدف نهایی در دو عرصه آموزش و تبلیغ، تحکیم باورهای مهدوی و روشن‌ساختن ترفندها و شگردها و روش‌های مدعیان دروغین مهدویت و جریان‌های انحرافی مهدوی و نهادینه‌سازی آنها در سطح جامعه است؛ به این معنا که آن‌قدر در آموزش و تبلیغ باید وسیع و همه‌جانبه و بدون هرگونه سهل‌انگاری و وقفه عمل کرد که آنچه در پژوهش‌ها به آن رسیده

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۵۲۸.

شد، به گونه‌ای به جامعه تزریق گردد که جزو مسلمات و بدیهیات جامعه تلقی گردد و چنان در جامعه رسوخ یابد که احتمال هرگونه سوءاستفاده از جامعه دینی مهدوی را به صفر یا حداقل ممکن برساند. تأثیرگذاری فکر یا جریان انحرافی مهدوی در یک جامعه‌ای حکایت از آن دارد که معارف صحیح مهدوی و شناخت نسبت به جریان‌ها و ایده‌های منحرف در حوزه مهدویت، در آن جامعه، نهادینه نشده است؛ زیرا در جامعه‌ای که نکات بالا در آن نهادینه‌سازی شده باشد، در واقع راه‌های نفوذ به آن در جهات یادشده، بسته شده است و افراد آن در مقابل رسوخ هرگونه تفکرات و ایده‌های انحرافی واکنش داده‌اند. بنابراین، جایی برای عرض اندام هر نوع انحرافی در زمینه‌های عمل شده باقی نخواهد ماند.

راهکار سیاسی

بعد سیاسی یکی از ابعاد زندگی اجتماعی بشر است. «حقیقت سیاست همان تدبیر است گاه درباره یک گروه کوچک به کار می‌رود و گاه درباره یک کشور و این امر از دورترین زمان‌ها در جوامع انسانی وجود داشته و سیاستمداران، اعم از خوب و بد بر انسان‌ها حکومت می‌کردند.»^۱

امام خمینی رحمته الله علیه در تفسیر سوره حمد سیاست را این‌گونه معرفی می‌کند: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست» (امام خمینی، ص ۲۴۷). هر چند ایشان در ادامه از اختصاص این نوع سیاست به انبیا و اولیا و علمای بیدار اسلام سخن می‌گوید (همان).

همو در بیانی علاوه بر تذکر به بد معرفی کردن اسلام در نسبت میان اسلام و سیاست فرمود: «و الله اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند. سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد».^۲

با این بیان می‌توان دریافت که سیاست و تدبیر جامعه یکی از شئون مهم اسلام و در ضمن آن مهدویت، به شمار می‌آید، به ویژه که اسلام و به تبع آن مهدویت که به دنبال هدایت جامعه و حرکت جامعه انسانی به سوی تکامل می‌باشد.

۱. مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ج ۷، ص ۷۵۸.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۰.

حکومت اسلامی که نسبت به معتقدات و فرهنگ جامعه مسئولیت دارد، در تقابل با جریانات و فرقه‌های انحرافی ضروری است تدبیر و سیاست در دو عرصه داخلی و خارجی را مد نظر قرار دهد.

الف) سیاست داخلی

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی قوام رعیت و مردم تحت امر یک حکومت را در حسن سیاست معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۱) و در بیانی دیگر، ضعف در سیاست را آفتی برای حاکمان و زعیمان مطرح می‌نماید (همان، ص ۳۴۷). بدیهی است ضعف سیاست حاکمان در جامعه، آثار مخربی را برجای خواهد گذاشت. سیاست نیکو و حسن در گرو تدبیر و اداره نیکوی یک جامعه است، همان‌گونه که از امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره نقل شده است. (همان، ص ۳۳۱) حکومت اسلامی در عرصه سیاست داخلی که مربوط به حوزه تحت سیطره اوست، در ادای وظیفه‌ای که نسبت به برخورد و تقابل بهتر و اثرگذارتر با جریان‌های انحرافی و از جمله جریان‌های مربوط به حوزه مهدویت، باید در راستای تدبیر و اداره بهتر جامعه خود، موارد زیر را مورد توجه داشته باشد:

۱. وضع قوانین مانعه از ایجاد و گسترش جریان‌های انحرافی

خلأهای قانونی که بر آمده از نبود قانون یا قانون ناکارآمد است، راه را برای هر نوع سوء استفاده باز خواهد کرد. جریانات و تفکرهای انحرافی هم در بسیاری از موارد از این خلأهای قانونی استفاده کرده، خود را در یک جامعه احیا خواهند کرد. از این‌رو بر حکومت اسلامی لازم است که ضمن وضع قوانین کارآمد و پرکردن خلأهای قانونی، قوانینی را وضع کرده که از رشد و گسترش جریان‌های انحرافی جلوگیری کند و یا رشد این‌گونه جریان‌ها را به حداقل ممکن برساند.

۲. برنامه ریزی‌های کلان و خرد در جهت کاهش ایجاد و گسترش

جریان‌های انحرافی

اداره جامعه به شکل مطلوب، نیازمند مهندسی و طراحی مناسب است و رسیدن به جامعه مطلوب بدون برنامه ریزی مناسب و جامع به عنوان نقشه راه، امکان‌پذیر نیست. شهید مطهری رسیدن به نتیجه بهتر را در گرو برنامه ریزی صحیح معرفی کرده، می‌نویسد: «اصلاحات بدون

نقشه، بی‌ارزش و بی‌نتیجه است و هرچه که با برنامه‌ریزی و طراحی صحیح مقرون باشد بهتر می‌تواند نتیجه دهد.»^۱

حکومت اسلامی برای تقابل با جریان‌های انحرافی، می‌بایست در تدوین برنامه جامع، همت گمارد؛ برنامه‌ای که فعالیت‌های فوق‌راهنبری کند و به عنوان نقشه راه برای آنها به شمار رود. هر مقدار این برنامه‌ها از جامعیت بیشتری برخوردار باشد و در طراحی آنها دقت بیشتری صورت پذیرد، نتیجه‌ای که در رابطه با کاهش ایجاد و گسترش جریان‌های انحرافی به دست می‌آید، مطلوب‌تر خواهد بود. فعالیت‌های بدون برنامه یا با برنامه‌های ضعیف، از آسیب‌های جدی در رویکرد تقابل با انحرافات خواهد بود.

۳. ایجاد نهادهای فرهنگی

همانطور که در راهکار فرهنگی گذشت، در تقابل با جریان‌های انحرافی در هر عرصه، به ویژه عرصه مهدویت، اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکار از سنخ فرهنگی است. از این‌رو، برای رسیدن به نتایج بهتر، ضروری است، مراکزی به عنوان نهادهای فرهنگی، مراحلی که در راهکار فرهنگی بیان شد، بر عهده بگیرند و به عنوان بازوان فرهنگی حکومت اسلامی، در این راستا کمک و یاری رسانند. بنابراین حکومت اسلامی، در راستای وظیفه فرهنگی‌ای که دارد، برای رسیدن به نتایج مطلوب تر و انسجام‌بخشی بهتر به فعالیت‌های فرهنگی، در صورت نبود مراکز فرهنگی‌ای که عهده‌دار مقابله با جریان‌های انحرافی گردند، لازم است در تشکیل چنین مراکز و نهادهایی اقدام نماید، نهادهایی که به عنوان کارگروه‌های تخصصی با فعالیت‌های تحت برنامه منسجم و دقیق، در جهت مقابله با انحرافات به وظایف خود عمل کنند.

نکته‌ای که در این رابطه باید بدان توجه داشت این است که اگر مراکز و نهادهای مرتبط با کار فرهنگی مورد نظر در جامعه اسلامی وجود دارند و توانایی مقابله با جریان‌های انحرافی را دارند، تأسیس و ایجاد مرکزی به موازات نهاد موجود ضروری نیست و نتیجه تأسیس چنین مراکزی چیزی جز موازی‌کاری و به هدر رفتن بودجه نخواهد بود. از این‌رو، آنچه شایسته است مورد حمایت قرار دادن نهادهای مذکور توسط حکومت اسلامی است.

۴. تقویت نهادهای فرهنگی

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۸۰۹.

بعد از تشکیل مراکز و نهادهایی که می‌خواهند عهده‌دار کارهای فرهنگی جامعه در زمینه خاصی گردند، امر دیگری که نباید حکومت اسلامی از آن غفلت ورزد، حمایت‌های مناسب از اینگونه نهادهاست. مهم‌ترین محورهایی که باید حمایت‌های مطرح شده انجام گیرد، سه محور است:

الف) حمایت مالی: کار فرهنگی، اعم از پژوهش، آموزش و تبلیغ، هزینه‌بردار است، مشکلات مالی یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که مراکز فرهنگی را تهدید می‌کند. ناکافی بودن بودجه‌ها، موجب کند پیش‌رفتن بسیاری از پروژه‌های ضروری و با اهمیت و یا بر زمین ماندن آنها می‌گردد. این اتفاق سبب می‌شود جریان‌های انحرافی، زمان بیشتری را برای رسیدن به اهداف خود در اختیار داشته باشند.

بدیهی است بی توجهی حکومت اسلامی نسبت به بودجه‌های ضروری مراکز فرهنگی، موجبات تزلزل نهادهای فرهنگی و در نهایت کم‌اثر شدن فعالیت‌های فرهنگی نهادهای مزبور را فراهم خواهد کرد.

ب) قضایی و قانونی: جریان‌های انحرافی و گروه‌های وابسته به آن برای آنکه موجودیت خود را حفظ کنند از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید و از هر حربه‌ای استفاده می‌کنند تا فعالیت‌هایی علیه آنان انجام می‌شود را خاموش کنند حتی اگر از مسیر قانونی و قضایی باشد. بنابراین، ضروری است که در دو حوزه قانون و قضا تا جایی که ممکن است از سوی مسئولان حکومت اسلامی حمایت‌هایی صورت گیرد.

۵. نظارت دقیق

آیت الله جوادی آملی نظارت را جزو سه کار اصلی جامعه اسلامی بر شمرده، می‌نویسد: «در جامعه اسلامی، سه کار وجود دارد: یکی قانون‌گذاری، دوم اجرای قانون، و سوم نظارت بر حسن اجرای قانون و تطبیق کار با قانون؛ یعنی باید قوه‌ای باشد که اجرا و عمل به قانون را با قانون مقایسه کند که آیا درست عمل شده است یا خیر»^۱.

به عبارت دیگر می‌توان گفت نظارت دقیق، ضامن اجرای مناسب و صحیح قوانین وضع شده محسوب می‌گردد و بدون آن راهی برای بررسی میزان اجرای قوانین نیست و حتی نمی‌توان در مورد اجرای قانون هیچ‌گونه اظهار نظر نمود.

۱. جوادی آملی، نسیم اندیشه دفتر سوم، ص ۱۴۱.

افزون بر نظارت بر حسن اجرای قانون، نظارت بر تحرکات و تحولات اجتماعی که از جمله آن تحرکات جریان‌های انحرافی است، در محدوده عملکرد نظارتی دولت اسلامی هم قرار دارد که حسن نظارت در همه این موارد، سلامت جامعه را تضمین خواهد کرد.

۶. اعمال قدرت در برابر انحرافات

دیگر از مواردی که در حوزه سیاست داخلی باید بدان توجه داشت این است که در مواقعی باید نسبت به جریان‌های انحرافی شدت عمل و برخورد سخت داشت و سهل‌انگاری در این زمینه افزون بر ایجاد آزادی عمل به منحرفان، خسارت جبران ناپذیری را متوجه جامعه خواهد نمود.

۷. اراده جدی و مسئولیت‌پذیری در مقابله با انحرافات

دستیابی به اهداف و نتایج ترسیم‌شده در سیاست‌های کلان جامعه و قوانین وضع‌شده در صورتی امکان‌پذیر است که اراده جدی برای اجرایی کردن قوانین و رسیدن به اهداف مورد نظر وجود داشته باشد. نبود اراده جدی و وجود سهل‌انگاری در میان مسئولان جامعه، سرآغاز بروز و ظهور هرگونه آسیب‌ها و آفت‌های فرهنگی و اعتقادی در یک جامعه خواهد بود.

۸. هماهنگی و تعامل نهادها و ارگان‌های درگیر

هر پدیده اجتماعی که در یک جامعه ظهور پیدا کند نهادها و ارگان‌های مختلفی از سطوح مختلف یک جامعه را با خود درگیر خواهد نمود که هرکدام نسبت به آن پدیده اجتماعی مسئولیتی را بر عهده دارند و در بسیاری از موارد مسئولیت‌های ارگان‌ها و یا قوای متعددی مترتب بر یکدیگرند، مثلاً در مورد جریان‌های انحرافی، قوه مقننه مسئولیت وضع قوانین کامل و جامع را برعهده دارد که بتواند تحرکات جریان‌های انحرافی را به صفر یا به حداقل ممکن برساند و قوه مجریه هم مسئولیت حسن اجرای آن قوانین را برعهده دارد و نیز موظف به ارائه برنامه‌ها و طرح‌های مناسب در راستای جریان‌های انحرافی است، قوه قضاییه هم افزون بر وظیفه نظارت بر اجرای قوانین، برخورد با متخلفان و عوامل جریان‌های انحرافی را برعهده دارد.

اجرایی شدن سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده در راستای سلامت اعتقادی و فرهنگی جامعه، نیازمند تعامل و هماهنگی ارگان‌های مرتبط است. ناهماهنگی میان آنها و یا کوتاهی برخی دستگاه‌های

مرتبط، سبب به وجود آمدن خلأهایی خواهد شد که شرایط لازم برای ایجاد یا گسترش و اعلام موجودیت جریان‌های انحرافی را فراهم می‌کند.

سیاست خارجی

دومین عرصه از راهکار سیاسی مربوط به حوزه سیاست خارجی است که در فعالیت‌های خارج از حوزه حکومت، تعریف می‌شود. برای مقابله با جریان‌های انحرافی، به ویژه انحرافات در حوزه مهدویت در این عرصه چند کار حائز اهمیت است:

۱. رایزنی با کشورهای مورد هجوم جریان‌های انحرافی

یکی از عرصه‌های مهم در سیاست خارجی، رایزنی و ارتباطات با کشورهای دیگر است و این مهم در تقابل با جریان‌های انحرافی هم بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا ایده و جریان انحرافی اغلب در یک محدوده جغرافیایی باقی نمی‌ماند، بلکه در صورت قوت‌گرفتن، مرزهای دیگر را هم در خواهد نوردید و کشورهای دیگر را هم درگیر خود می‌کند. از این رو، لازم است میان کشورهایی که مورد هجوم این جریانات هستند یا خطر نفوذ انحرافاتشان به حوزه‌های آنان می‌رود، رایزنی‌های مناسبی صورت بپذیرد؛ رایزنی‌هایی که در راستای اتخاذ تصمیمات مناسب بین‌المللی برای تقابل و رویارویی با جریان‌های انحرافی بوده باشد.

۱) ۲. ایجاد ائتلاف بین‌المللی برای مقابله با جریان‌های یادشده

وقتی یک پدیده انحرافی چند کشور را مورد حمله قرار می‌دهد یکی از سیاست‌هایی که در جلوگیری از گسترش آنها می‌تواند اثر قابل توجهی داشته باشد، این است که کشورهایی که مورد هجوم جریان‌های انحرافی قرار گرفته‌اند، با هم ائتلافی تشکیل دهند و برنامه‌های مشترکی برای مقابله با آنها اجرایی کنند. این کار افزون بر اینکه تقابل با این جریانات را متوقف بر یک محدوده جغرافیایی خاص نمی‌کند، موجب می‌شود جریان‌های انحرافی برای فعالیت‌های خود، منطقه امنی را نیابند.

۲) ۳. رصد جریان‌های فرهنگی در خارج از کشور

از آنجا که جریان‌های فرهنگی، به منطقه جغرافیایی خاص محدود نیست، به میزان قدرتی که پیدا کند، منطقه‌های مختلف جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. بنابراین، برای جلوگیری از نفوذ هرگونه ایده‌های منحرف و ورود اندیشه‌های مخرب، ضروری است جریانات و تحرکات

را در خارج از مرزهای کشور، رصد کرد و قبل از ورود و آلوده کردن جامعه، آن را تحت نظر قرار داد. هرچه رصد و شناسایی این پدیده‌های انحرافی زودتر صورت پذیرد، هم شرایط برای مقابله با آنها مناسب‌تر خواهد بود و هم مصون نگه‌داشتن جامعه از آثار مخرب آنها بهتر انجام خواهد گرفت.

۳) ۴. واکاوی و بررسی نقش استعمار و استکبار در پیدایش و گرایش به جریان‌های انحرافی

تاریخ گواه آن است که در سیر تاریخ، همواره افرادی با اهداف استعماری و استعماری بودند که سود و منفعت خود را در تفرقه و چند دستگی مردم جامعه می‌دیدند و اتحاد و هم بستگی مردم را مانعی بزرگ در رسیدن به اهداف خود قلمداد می‌کردند.

قرآن کریم از اجرای این روش توسط فرعون خبر می‌دهد و می‌فرماید:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ؛^۱ همانا فرعون در زمین [مصر] اظهار برتری نمود و اهل آن را چند دسته کرد و طائفه‌ای از آنها را کو چک شمرد.»

علامه طباطبایی در تفسیر (وجعل أهلها شيعا) این‌گونه می‌نویسد:

«و اهل آن را چند دسته و چند فرقه مختلف قرار داد به طوری که بر چیزی اجتماع و اتفاق کلمه نداشتند و به همین خاطر قوت مقاومت آنان در برابر قدرت فرعون و قوت امتناع آنان از نفوذ اراده فرعون، ضعیف شد.»^۲

استعمار امروز که سر سفره همان‌ها نشسته است پا جا پای آنان گذارده و همین مسیر را می‌پیماید.

«هماره در طول تاریخ سرزمین‌های و پر از معادن و ذخایر شرق به ویژه منطقه خاور میانه و کشورهای اسلامی مورد توجه غرب و زمامداران غربی بوده است، اما اتحاد و همبستگی شرقی‌ها و بالخصوص مسلمانان مانع نفوذ آنها می‌شد و به دنبال راهی برای نفوذ و استقرار در این مناطق شدند. آنان در صدد بودند که با طرح نقشه‌های استعماری در لباس‌های مختلف،

۱. قصص، آیه ۴.

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶ ص ۸.

ولی غالباً محرمانه راه تسلط بر شرق و تسخیر مخازن شرق را بیابند و از این راه به هدف استعماری خود نایل آیند.

استعمار در تحلیل‌های خود چنین نتیجه گرفت که تا انسجام و همبستگی مسلمانان وجود دارد، نمی‌توان بر آنها سلطه یافت و نیز چنین یافت که عامل مهم انسجام و اتحاد آنها، دین است که پیوند آنها را با رئیس دین ناگسسته کرده و موجب بیداری و فشردگی شده است. یکی از شواهد زنده در این مورد، داستان حرمت تنباکو است. بنا بر این تصمیم گرفت همین انسجام و اتحاد را به وسیله مذهب‌سازی، متلاشی کند. با این طرح و ترفند، به میدان آمد.^۱

بنابراین بر حکومت اسلامی لازم و ضروری است که نسبت به رفتارها و برنامه‌ریزی‌های استکبار و استعمار بی تفاوت نبوده، تحرکات و رفتارهای آنان را زیر نظر قرار دهد تا در دام‌های پیچیده آنان گرفتار نیاید و در مسیر مقابله با جریان‌های انحرافی و از جمله در حوزه مهدویت، نقش استعمار و استکبار جهانی را از نظر دور ندارند و آن را مورد مذاقه و بررسی قرار دهند، زیرا اگر رابطه‌ای با استکبار جهانی یافت شود این حکایت از پیچیدگی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق آنان حکایت می‌کند؛ از این رو باید از هرگونه برخورد ساده‌انگارانه با پدیده‌های انحرافی دوری کنند.

راهکار اقتصادی

دیگر از عرصه‌هایی که در مسیر مقابله با جریان‌های انحرافی نباید از نظر دور داشت، اقتصاد است. اقتصاد از تأثیرگذارترین مسائل در زندگی انسان است که بسیاری از رفتارهای اجتماعی مردم یک جامعه را شکل می‌دهد. هر چند در راهکار اقتصادی برای تقابل و مواجهه با جریان‌های انحرافی، همه افراد یک جامعه مسئول‌اند و تا حدی که بتوانند باید در این زمینه همکاری لازم را انجام دهند، ولی دو گروه می‌توانند نقش مهم‌تری را ایفا کنند:

الف) دولت

ب) تشکل‌های اقتصادی

۱. محمدی اشتهاردی، بابی‌گری و بهایی‌گری، ص ۸۹ - ۹۱.

الف) دولت

دولت به عنوان نهاد حاکم بر جامعه که به منابع مالی و اقتصادی یک جامعه دسترسی دارد، افزون بر مخارج دیگری که دارد باید در راستای مقابله با جریان‌های انحرافی هم از لحاظ اقتصادی دارای برنامه باشد. بسیاری از پروژه‌های کلان در یک جامعه بدون حمایت مالی دولت، امکان‌پذیر نیست. در هر صورت، دولت در مسئله اقتصاد برای مقابله با جریان‌های انحرافی مناسب است در این زمینه‌ها تلاش‌های بیشتری داشته باشد.

۱. شناسایی و احصای عوامل اقتصادی ایجاد یا گسترش جریان‌های انحرافی

مشکلات اقتصادی در بسیاری از موارد، سرآغاز انحرافات در ایده و عقیده می‌گردد. مثلاً فقر و تنگنای مالی آن قدر در اندیشه و فکر انسان اثر گذار است که از رسول خدا ص نقل شده است که فرمود: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر موجب کفر انسان بگردد.»^۱ شیخ صدوق هم همین روایت را به طریق هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۲

از این رو، بر کارگروه اقتصادی دولت اسلامی لازم است در ابتدا عوامل اقتصادی‌ای که ایجاد جریان‌های انحرافی و یا گرایش به آنها را موجب می‌گردد را شناسایی و احصا نمایند؛ زیرا شناخت این عوامل، در جهت‌دهی به طرح‌ها و برنامه‌ها، بسیار اثرگذار خواهد بود.

۲. برنامه‌ریزی اقتصادی متناسب برای جلوگیری یا به حداقل رساندن ایجاد و گرایش به جریانات انحرافی

پس از مرحله شناسایی و احصای عوامل اقتصادی در تولد و رشد جریان‌های انحرافی، طبق داده‌هایی که به دست آمد، می‌بایست برنامه‌های اقتصادی مناسبی در راستای از بین بردن عوامل اقتصادی ایجاد و یا گسترش جریان‌های انحرافی، طراحی شود که از تولید یا رشد و گرایش به این‌گونه جریانات جلوگیری نماید یا آن را به حداقل ممکن برساند.

برای مثال در مقوله فقر باید در جهت افزایش توان مالی افراد اجتماع و تحقق عدالت اجتماعی، برنامه‌های دقیقی طراحی و توسط افراد توانمند اجرایی گردد.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. صدوق، *أمالی*، ص ۲۹۵.

۳. تقویت مالی نهادهای فرهنگی و علمی

همان‌گونه که در بحث سیاست داخلی از راهکار سیاسی مطالبی بیان شد و به جهت اهمیت آن در راهکار اقتصادی دوباره به آن اشاره می‌شود، نهادهای فرهنگی و علمی که در فرهنگ جامعه بسیار اثرگذار هستند باید از لحاظ مالی به توانمندی‌های مناسب برسند. هرچه این نهادها از لحاظ مالی و اقتصادی در شرایط بهتری باشند، پژوهش‌ها و آموزش‌ها و تبلیغ‌های آنها هم وضعیت بهتری را خواهند داشت، از جمله این نهادها، مراکز فرهنگی‌ای هستند که فعالیت‌های آنان در مسیر تقابل با جریان‌های انحرافی است.

۴. رایزنی با اصناف و تشکل‌های اقتصادی در بهره‌گیری نسبت به کارهای اقتصادی

از گروه‌هایی که در اقتصاد جامعه، نقش به‌سزایی دارند، اصناف و تشکل‌های اقتصادی جامعه است، دولت در مسیر کارهای اقتصادی جامعه می‌تواند از این اصناف به عنوان بازوی قدرتمند در جهت کارهای اقتصادی‌ای که برعهده دارد بهره‌برد، از این‌رو برای بهره‌گیری بهتر از این گروه‌ها، لازم است رایزنی‌ها و همکاری‌های مناسبی با این اصناف داشته باشد که از جمله مواردی که می‌توان از آنان بهره‌برد در مقوله مقابله با جریان‌های انحرافی است.

ب) اصناف و تشکل‌های اقتصادی

همان‌گونه که اشاره شد اصناف و تشکل‌های اقتصادی در اقتصاد جامعه اثرگذارند، این گروه افزون بر همکاری با دولت، خودشان هم در مسیرهای فرهنگی از جمله تقابل با گروه‌ها و جریان‌های انحرافی، می‌توانند کمک‌های مالی نمایند. این مهم در جایی اهمیت خود را نشان می‌دهد که دولت به جهت گستره فعالیت‌های مالی‌اش و یا بعضاً به خاطر محدودیت‌های مالی یا پاره‌ای ملاحظات، نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است در این زمینه، به‌خصوص ورود نماید. از این‌رو، حضور اصناف و تشکل‌های اقتصادی در جهت توانمندسازی مالی مراکز فرهنگی، نقش به‌سزایی را ایفا خواهند کرد.

نتیجه

در مسئله مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت باید راهکار جامعی را در پیش گرفت که در آن عرصه‌های مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرد اولاً: در این مسیر می‌تواند مثمر ثمر باشد

ثانیاً؛ غفلت از آنها موجب پدیداری و گسترش بیش از پیش این گونه جریان‌ها می‌گردد. از این رو، سه راهکار مهم و اساسی در این مسیر باید انجام گیرد:

الف) راهکار فرهنگی؛

ب) راهکار سیاسی؛

ج) راهکار اقتصادی.

هر کدام از آنها به زیرمجموعه‌های متعددی تقسیم می‌گردند. توجه به این راهکارها و رعایت دقیق زیرمجموعه‌های آن می‌تواند در کاهش چشمگیر پیدایش و گسترش جریان‌های انحرافی نقش به‌سزایی داشته باشد.

منابع

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **علل الشرائع**، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۶م.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **الأمالی**، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۳. امام خمینی، موسوی، سید روح الله، **تفسیر سوره حمد**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی مرکز کامپیوتری نور.
۴. امام خمینی، موسوی، سید روح الله، **صحیفه امام**، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی مرکز کامپیوتری نور.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، نسیم اندیشه دفتر سوم، مجموعه آثار آیت الله جوادی (نرم افزار اسراء)
۷. طباطبایی سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم ۱۴۱۷ ق.
۸. کامیاب، مسلم، **زمینه‌های پذیرش ادعای مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر**، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. محمدی اشتهاردی، محمد، **بابی‌گری و بهایی‌گری**، کتاب آشنا، قم، ۱۳۷۹ ش
۱۱. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، انتشارات صدرا، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام امام امیر المؤمنین ع**، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۳. منصوری، جواد، **فرهنگ استقلال**، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ ش.

بررسی فقه الحدیثی کارکردهای امام مهدی عجل الله فرجه در روایت اخذ میثاق از انبیای الهی

محمد امین بالادستیان^۱

محمد غلامی^۲

چکیده

در برخی روایات، برای آخرین حجت الهی، کارکردهایی در نظر گرفته شده است. البته تحقق موارد آن در آخرالزمان است. بنابراین باید، تک تک آنها، بررسی فقه الحدیثی شود.

روایت اخذ میثاق از انبیای الهی در کتاب «کافی» از جمله آنهاست که در آن پنج کارکرد برای امام مهدی عجل الله فرجه مشخص شده است: ۱. نصرت دین؛ ۲. غلبه حکومت الهی؛ ۳. انتقام از دشمنان؛ ۴. عبودیت همگانی؛ ۵. جایگاه امامت امام مهدی در رسیدن انبیا به مقام اولوالعزمی.

این نوشتار، با رویکرد حدیث پژوهانه، به بررسی سندی و دلالتی حدیث مربوط می‌پردازد. در سلسله سند، یک راوی مجهول وجود دارد که البته با تشکیل خانواده حدیثی، محتوای روایت تأیید می‌شود. پیام اصلی روایت، نصرت دین است که بقیه موارد اشاره شده در ادامه روایت، تفسیر همان پیام اصلی است.

واژگان کلیدی: حضرت مهدی، کارکرد مهدوی، نصرت دین، فقه الحدیث، انبیاء اولوالعزم

۱. عضو هیئت علمی مرکز تخصصی مهدویت.ایمیل: mabaladastian@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت.ایمیل: montazer.mohammad@gmail.com نویسنده

طرح مسئله

در فرهنگ اسلامی سخن از پیمان خداوند حکیم با انسان است. این میثاق الهی از جهات مختلف نیازمند دقت نظر است. کسانی که خداوند از آنان پیمان گرفته، زمان، مکان، محتوای آن و وعده‌هایی که در مورد اولیاءالله داده شده، همگی از عرصه‌هایی است که باید بر اساس آیات و روایات، مورد کنکاش قرار گیرد. از جمله، وعده‌هایی که خداوند درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه داده است. شناخت این امر ما را در شناخت جایگاه امامت و کارکردهای آن حضرت، رهنمون می‌سازد.

هدف اصلی ما، بررسی فقه الحدیثی روایتی از کتاب شریف کافی و دقت در موضوعات مهدوی آن است. این امر با تشکیل خانواده حدیثی امکان‌پذیر است.

ادبیات تحقیق

روش

این جستار، با روش تحلیلی - توصیفی در پی پاسخ به سؤال بالا می‌باشد. همچنین با تشکیل خانواده حدیث در پی روشن شدن موضوعات پنج‌گانه استخراج شده روایت (از قبیل یاری دین توسط حضرت، غلبه و سروری حکومت الهی به وسیله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، انتقام از متجاوزان، به مقام عبودیت رسیدن بشر و اقرار به مهدویت توسط انبیای اولوالعزم) می‌باشد. نیز، با رویکرد حدیث پژوهانه، به بررسی روایات مربوط به موضوعات مهدوی استفاده شده می‌پردازد.

پیشینه

گستره مطالعه، پیرامون موضوعات مهدوی، وسیع است، اما آنچه مورد توجه قرار گرفته است، کارکردهای در نظر گرفته شده برای امام مهدی در عالم ذر می‌باشد. در رابطه با عالم ذر، مقالات و کتب بسیاری نوشته شده است. (از جمله مقاله «عالم ذر در قرآن کریم»؛ سیدمحسن میرباقری و کتاب عالم ذر؛ محمدرضا اکبری) بنابراین، از تکرار توضیحات پیرامون خود عالم ذر خودداری می‌کنیم. اما آنچه این نگاشته را متمایز می‌کند، توجه به بُعد مهدوی آن عالم و کارکردهایی است که خداوند برای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه، در همان روز نخست، در نظر گرفته است، که در میان پژوهش‌ها جای آن خالی است.

متن حدیث

شیخ کلینی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيْثُ خَلَقَ الْخَلْقَ خَلَقَ مَاءً عَذْبًا وَ مَاءً مَالِحًا أَجَابًا فَاْمْتَزَجَ الْمَاءَانِ فَأَخَذَ طِينًا مِنْ أَدِيمِ الْأَرْضِ فَعَرَكَهُ عَرَكًا شَدِيدًا فَقَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ وَ هُمْ كَالذَّرِّ يَدْبُونَ إِلَيَّ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ وَ قَالَ لِأَصْحَابِ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ وَ لَا أَبَالِي ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ثُمَّ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ أَنْ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ أَنْ هَذَا عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالُوا بَلَى فَتَبَتَ لَهُمُ السُّبُوءُ وَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى أُولَى الْعِزْمِ أَنْبَى رِبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَأَهُ أَمْرِي وَ خِزَانُ عِلْمِي وَ أَنْ الْمَهْدِيَّ أَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِي وَ أَظْهَرَ بِهِ دَوْلَتِي وَ أَنْتَقِمَ بِهِ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُعْبَدُ بِهِ طَوْعًا وَ كَرْهًا قَالُوا أَفَرَرْنَا يَا رَبَّ وَ شَهِدْنَا وَ لَمْ يَجْحَدْ أَدَمُ وَ لَمْ يُقِرَّ فَتَبَتِ الْعَرِيْمَةُ لَهُوَ لِأَخْمَسَةِ فِي الْمَهْدِيَّ وَ لَمْ يَكُنْ لِأَدَمَ عِزْمٌ عَلَى الْإِقْرَارِ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى أَدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَى وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عِزْمًا قَالَ إِنَّمَا هُوَ فَتَرَكَ ثُمَّ نَارًا فَأُجِجَتْ قَالَ لِأَصْحَابِ الشَّمَالِ ادْخُلُوهَا فَهَابُوهَا وَ قَالَ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ادْخُلُوهَا فَدَخَلُوهَا فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ بَرْدًا وَ سَلَامًا فَقَالَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ يَا رَبَّ أَقَلْنَا فَقَالَ قَدْ أَقَلْتُمْ أَذْهَبُوا فَادْخُلُوا فَهَابُوهَا فَتَبَتِ الطَّاعَةُ وَ الْوَلَايَةُ وَ الْمَعْصِيَةُ^۱

همانا خدای تبارک و تعالی چون خواست مخلوق را بیافریند، نخست آبی گوارا و آبی شور و تلخ آفرید، و آن دو آب به هم آمیختند، سپس خاکی از صفحه زمین برگرفت و آن را به شدت مالش داد، آن گاه به اصحاب یمن که مانند مورچه می جنبیدند، فرمود: با سلامت به سوی بهشت بروید و به اصحاب شمال فرمود بروید: به سوی دوزخ و باکی هم ندارم، سپس فرمود: «مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا گواهی دهیم، تا در روز قیامت نگویند: ما از این بی خبر بودیم». سپس از پیغمبران پیمان گرفت و فرمود: مگر من پروردگار شما نیستم؟ و این محمد رسول من نیست و این علی امیر مؤمنان نمی باشد؟ گفتند: چرا آری. پس نبوت آنها پا بر جا شد و از پیغمبران اولوالعزم پیمان گرفت که من پروردگار شمایم و محمد رسولم و علی امیر مؤمنان و اوصیای بعد از او، والیان امر من و خزانه داران علم من و اینکه مهدی کسی است که به وسیله او دینم را نصرت دهم و دولت را آشکار کنم و از دشمنانم انتقام گیرم و بوسیله او خواهی نخواهی عبادت شوم. گفتند: پروردگارا! اقرار کردیم و گواهی دادیم، ولی آدم نه انکار کرد و نه اقرار نمود، پس مقام اولوالعزمی برای آن پنج تن از جهت مهدی ثابت شد و برای آدم عزمی

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸.

برای اقرار به آن یافت نشد (از این رو از پیغمبران اولوالعزم خارج گشت) این است گفتار خدای عز و جل: «و هر آینه از پیش با آدم عهدی کردیم، او فراموش کرد و برایش تصمیمی نیافتیم. سپس به آتشی دستور فرمود تا بر افروخت و به اصحاب شمال فرمود: به آن درآید، ایشان ترسیدند و به اصحاب یمین فرمود: در آید، آنها وارد شدند، آتش بر آنها سرد و سلامت شد، آن گاه اصحاب شمال گفتند: پروردگارا! از ما درگذر و تجدید کن، فرمود: تجدید کردم، بروید و داخل شوید، باز ترسیدند. در آنجا اطاعت و ولایت و معصیت ثابت گشت.

بررسی مصدری

کلینی (م ۳۲۹ق) این حدیث را در کتاب کافی کتاب الایمان و الکفر، باب آخر منه (طینه المؤمن و الکافر)^۱ با سند خود، از امام محمد باقر علیه السلام آورده است. در میان منابع متقدم، این روایت، فقط توسط محمد بن صفار (م ۲۰۹ق) در دو جای کتاب «بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام» آمده است.^۲ البته مرتبه دوم، بدون هیچ اشاره‌ای از سوی مؤلف، به صورت تقطیع شده می‌باشد.^۳ در میان منابع متأخر، تا ابتدای قرن ۸ هجری، اثری از این روایت یافت نشد، اما پس از آن، مورد عنایت علمای زیر قرار گرفت:

۱. حسن بن سلیمان^۴ و^۵ (م قرن ۸ق)؛

۲. استرآبادی^۶ (م ۹۴۰ق)؛

۳. محمدتقی مجلسی^۱ (م ۱۰۷۰ق)؛

۱. همان.

۲. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. شیخ کلینی این حدیث را از صفار نقل نمی‌کند، بلکه از استاد خود محمد بن یحیی نقل می‌کند. شاید این امر، ناشی از قابل قبول بودن درجه استاد، پیش کلینی باشد.

۴. حلی، المختصر، ص ۲۱۱. حسن انصاری در سایت خود (بررسی‌های تاریخی) می‌گوید: نام آن مناقب الاثمه است و هیچ ارتباطی با بحث حضور اهل بیت بر بالین مختصر ندارد.

۵. همو، مختصر البصائر، ص ۳۸۱ و ۴۰۳ یک بار از کلینی و بار دیگر از صفار. هرچند حتی این دو صفحه مورد اشاره می‌رساند که وی این روایت را از بصائر سعدبن عبدالله هم نیاورده است ... خود ایشان در مقدمه رساله الذر هم سند دیگری می‌آورد (همان، ص ۲۵).

۶. استرآبادی، تأویل آیات الظاهره، ص ۳۱۳.

۴. فیض کاشانی^۲ (م ۱۰۹۱ق)؛

۵. شیخ حر عاملی^۳ (م ۱۱۰۴ق)؛

۶. سید هاشم بحرانی^۴ (م ۱۱۰۷ق)؛

۷. علامه مجلسی^۵ (م ۱۱۱۰ق).

بنابراین، روایت تقریباً مورد قبول علما (به ویژه علمای سده‌های اخیر) قرار گرفته است. هر چند بعضی علما، حدیث را از کتاب *بصائر* که از لحاظ تاریخی، قدیمی‌تر از *کافی* است، نقل کرده‌اند و برخی دیگر نیز، آن را به شیخ صدوق و شیخ مفید استناد داده‌اند. نکته حائز اهمیت در این باره، این است که علما (به ویژه صاحبان تفاسیر) بیشتر به جنبه تفسیری این روایت پرداخته‌اند، بنابراین جنبه مهدوی آن مغفول مانده است.

بررسی اعتبار سنجی حدیث

روایت مزبور، طریق واحد دارد: طریق صفار^۶ (حدثنی أحمد بن محمد بن علی بن الحکم عن داود العجلی عن زرارۃ عن حمران عن ابي جعفر عليه السلام) بنابراین، طریق کلینی^۷ به آن برمی‌گردد، چرا که تنها نام محمد بن یحیی در روایت *کافی* اضافه و واسطه شده، که آن هم به خاطر فاصله بین دو مولف است.

۱. مجلسی، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج ۸، ص ۶۳۴. وی، این روایت را "کالصحیح فی الحسن" معرفی می‌کند.

۲. فیض کاشانی، *تفسیر الصافی*، ج ۳، ص ۳۲۴.

۳. حر عاملی، *الجواهر السنیه*، ص ۴۲۸؛ *اثبات الهداه بالنصوص*، ج ۲، ص ۳۳؛ *المعجزات*، ص ۱۴۱ و ۱۴۴.

۴. بحرانی، *مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر*، ج ۱، ص ۵۷؛ *البرهان*، ج ۲، ص ۶۰۷ و ج ۳، ص ۷۸۱.

۵. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۲۶، ص ۱۰۸ و ۲۷۹ و ۲۸۲ به نقل از *بصائر الدرجات* و ج ۶۴، ص ۱۱۴ به نقل از

کافی. البته در مجلدات مهدوی عليه السلام، بحار، نیامده است.

۶. صفار، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۷۰.

۷. کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۸.

البته در ذیل روایت بصائر همین روایت با سند دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است که سلسله سند آن، عبارت‌اند از: رواه (احمد بن محمد) أيضا عن علی بن الحکم عن هشام بن سالم عن رجل عن أبي عبدالله مثله.^۱ که با توجه به یکی بودن دو راوی نخست و متن مشابه دو روایت، به نظر می‌رسد اشتباهی صورت گرفته باشد، یا اینکه، این روایت (حتی به صورت مجهول، به‌خاطر لفظ «رجل» در سلسله سند) از امام صادق علیه‌السلام هم نقل شده باشد. هرچند با توجه به طریق دیگر صاحب بصائر و طریق کلینی (که در ادامه می‌آیند) نمی‌توان خدشه‌ای در اصل روایت، وارد کرد. بنابراین، فقط به نقل و بررسی سلسله سند دو کتاب نخست، بسنده می‌کنیم.

اندک مقایسه بین طریق بصائر و کافی وحدت سند را نتیجه می‌دهد، مگر اینکه نقل کلینی از استادش می‌باشد. بنابراین، روایان طریق کلینی مورد بررسی رجالی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

۱. محمد بن یحیی

ایشان، در طبقه استادان کلینی است.^۲ نجاشی از او به عنوان «شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة، عین و کثیر الحدیث» نام می‌برد.^۳

۲. احمد بن محمد

شیخ طوسی او را ثقة می‌داند.^۴ نجاشی هم از وی با تعابیر: «شیخ القمیین، وجههم و فقیههم» یاد می‌کند.^۵

۳. علی بن الحکم

علی بن حکم در کتب رجالی، مشترک بین سه نفر است که مرحوم خوئی به اتحاد آنها حکم می‌دهد^۱ و شیخ طوسی نیز آنها را ثقة و جلیل‌القدر معرفی می‌کند.^۲

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۷۱.

۲. عاملی، الدرایه فی علم مصطلح الحدیث، ص ۱۲۹.

۳. نجاشی، رجال، ص ۳۳۷.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۵۱.

۵. نجاشی، رجال، ص ۸۲.

۴. داود العجلی

از داود العجلی نامی در کتب متقدم رجالی نیست، ولی با این حال در کتب متأخر، از وی نشانی است. خوئی وی را مولی ابی المغراء معرفی میکند و حدیث مورد بحث را می‌آورد، ولی در مدح و ذمّش چیزی نمی‌گوید،^۳ ولی نمازی شاهرودی وی را مولی ابی المغیره و همین حدیث مورد بحث را مفید حسن عقیده و کمال وی می‌داند.^۴

۵. زراره و حمران

تفه‌بودن ایشان^۵ و برادرش^۶ مورد تأیید علمای رجالی است.

روایت فوق، به لحاظ سند، کمی متزلزل است، چرا که نام «داود عجلی» مورد تردید است. (البته طبق مبنای مرحوم نمازی مورد قبول است) همچنین با این مبنا که روایت در کتاب کافی (که از کتب اربعه و جوامع ثلاثه به شمار می‌آید) وجود دارد و دقت در ضبط متون مؤلف آن، به نوعی محتوای آن جبران می‌شود. علاوه، نقل استرآبادی و بحرانی از شیخ مفید و فیض کاشانی از صدوق (که هرچند به دست ما نرسید) نیز مؤید آن است. بنابراین، روایت مورد بحث، مورد توجه علما در طول قرون بوده است.

بررسی واژگان و ترکیبات

با هدف تبیین بخش مهدوی این روایت، لازم است برخی واژه‌های آن که نیازمند بررسی لغوی است استخراج و مورد کنکاش قرار گیرد:

۱. اَنْتَصِر

۱. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۴۱۱. از جمله شواهد، طریق صدوق در مشیخه را بیان می‌کند و می‌نویسد: و مما یوکد الاتحاد ان الصدوق ذکر فی المشیخه علی بن حکم و ذکر طریقه الیه و لم یصفه بالانباری او ابن الزبیر او الکوفی و هذا یکشف عن الاتحاد و الا کان علیه البیان.

۲. طوسی، فهرست کتب الشیعه، ص ۲۶۳.

۳. خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۱۴۲.

۴. نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال، ج ۳، ص ۳۶۰.

۵. طوسی، رجال، ص ۳۳۷.

۶. نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۲۶۷.

«ن ص ر» به معنای یاری رساندن مظلوم^۱ و آوردن و رساندن (اتیان و ایتاء) خیر است که اگر به باب «افتعال» برود، معنای «انتقام» می‌دهد.^۲ ابن منظور نیز معنای باب افتعال «ن ص ر» را همین می‌داند و برای آن، از قول حضرت نوح علیه السلام شاهد قرآنی می‌آورد: «أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرُ»^۳ کانه قال لِرَبِّهِ: انتقم منهم»^۴.

اما به نظر می‌رسد، هرگاه کلمه «انتصر» با «من» به کار رود به معنای انتقام است. ولی زمانی که با حرف اضافه «ل» متعدی شود، (مانند اینجا) به معنای آوردن و رساندن خیر می‌باشد.

۲. أَظْهَرَ

«ظ ه ر» در اصل، به معنای خلاف باطن است و آن را به معنای کشف و بروز نیز آورده‌اند.^۵ اگر به باب «افعال» برود، به معنای «تبیین» می‌شود.^۶ اما حمیری یک شاهد قرآنی می‌آورد که «أظهر» به معنای غلبه است، می‌گوید: «أظهره الله تعالى على عدوه: أي غلبه عليه، قال عز وجل: لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۷. ابن منظور، همین باب را به معنای «سروری و اعتلا» می‌داند و می‌گوید: «أظهر الله المسلمين على الكافرين، أي أعلاهم عليهم»^۸.

به هر روی، معنای دوم و سوم به همدیگر بر می‌گردند. بنابراین، هر سه معنای باب افعال «ظ ه ر» (یعنی تبیین، غلبه و سروری) در این روایت، برای تبیین معنا مناسب است، هر چند دو معنای اخیر، ارجح می‌باشد.

۳. دولت

۱. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۱۰۸.
۲. ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ج ۵، ص ۴۳۵.
۳. قمر، آیه ۱۰.
۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۰.
۵. ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ج ۳، ص ۴۷۱.
۶. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۷۳۱.
۷. حمیری، شمس العلوم؛ ج ۷، ص ۴۲۶۱.
۸. ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۵۲۶.

کلمه دولت در عربی، به معنای انتقالی است که همراه با تحول در کیفیت و حالت باشد.^۱ ابن منظور، دولت را انتقال از حال شدت و سختی به راحتی و آسایش می‌داند.^۲ «تاج العروس» می‌گوید: «دولت، یعنی انقلاب و دگرگونی (یا انتقال) زمان، از حالت سختی و ضرر به حالت غبطه و سرور».^۳ اما در اصطلاح روایات و فهم محدثین، دولت به معنای حکومت (به معنای امروزی) به کار رفته است.^۴

بنابراین، خداوند به وسیله امام مهدی علیه السلام، دولت خویش را بر حکومت‌های دیگر، غلبه و سروری می‌بخشد، به طوری که از حالت سختی و شدت، به راحتی و آسایش منتقل می‌شوند (ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی).

۴. طوعاً و کرهاً

طوع یعنی انقیاد و طاعت^۵ که نقیض آن «کُره» می‌شود.^۶ البته مصطفوی، سه قید در معنای «طوع» می‌آورد:

۱. انجام اوامر و احکام ۲. همراه با خضوع ۳. رغبت، که اگر قید اخیر نباشد، می‌شود «کُره».
 «طوع» نیز بر دو گونه انجام می‌شود: ۱. با رغبت و اختیار ۲. با تمایل و تسالم ذاتی (و اجباری). «کُره» نیز همین‌گونه است: ۱. چه با اکراه دیگری باشد ۲. چه بدون اکراه دیگری.^۷
 بنابراین، ابنای بشر، به وسیله حجت الهی، اوامر و احکام الهی را با خضوع انجام می‌دهند، خواه این عبد شدن، با رغبت باشد و خواه با اکراه دیگری.

۵. عزم و عزیمه

۱. مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، ص ۲۸۱.
 ۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۱، ص ۲۵۲.
 ۳. حسینی زبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱۴، ص ۲۴۵.
 ۴. کلینی، *کافی*، ج ۱۰، ص ۲۶۴: «قال المحقق الشعرانی فی هامش الوافی: «قوله: من متاع السلطان، السلطان: مصدر مرادف للدولة و الحكومة فی اصطلاحنا.» نیز، رک: صدوق، *الإمامه و التبصره من الحیره*، ص ۱۱؛ مفید، *الامالی*، ص ۳۱۰.
 ۵. ابن فارس، *معجم مقانیس اللغة*، ج ۳، ص ۴۳۱.
 ۶. همان؛ فراهیدی، *العین*، ج ۲، ص ۲۰۹؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۸، ص ۲۴۰.
 ۷. مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۷، ص ۱۳۷.

عزم، مرتبه شدیدی از قصد (یعنی قصد جازم) است.^۱ به گونه‌ای که باعث تحقق اراده عمل و ادامه آن می‌شود.^۲ البته ابن فارس و جوهری در این باره می‌گویند: کسی که عزم ندارد: یعنی کسی که مردد در کاری شود و مصمم در امری نباشد.^۳ راغب اصفهانی نیز در ذیل آیه ۱۱۵ طه می‌گوید: حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، محافظتی بر اجرای اوامر نداشت.^۴

موضوعات مهدوی حدیث

در این بخش، احادیث دیگری (با اصطلاح خانواده حدیث) که به فهم بیشتر متن (مهدوی) معیار، کمک می‌کند مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین کلمات علماء و دیگر قرائن نیز، به منصفه نمایش در می‌آید. همه اینها در قالب پنج موضوع مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

موضوع اول: یاری دین توسط امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ (انتصر به لدینی)

از وظایف ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که از سوی پروردگار تعیین شده، بحث یاری دین و رساندن آن به مردم است. در حدیث مزبور و دو روایت ذیل (که سند آن بررسی شده است) به‌طور صریح به انجام آن از سوی حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره شده است.

-الف) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «... أَخَذَ (الله) بِيَدِ فُلَانٍ الْقَائِمِ مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَمَاوَاتِي وَ يَا أَرْضِي بِهِذَا أَنْتَصِرُ لَهُذَا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛^۵ ... آن‌گاه (خداوند) دست قائم (از) میان آنها را گرفت و فرمود: ای فرشتگانم و ای آسمان‌ها و زمین! به سبب این، یاری می‌کنم. این جمله را سه بار فرمود.»

-ب) همچنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْتَصِرَ لِأَوْلِيَائِهِ أَنْتَصَرَ لَهُمْ

۱. ر.ک: فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۳۶۳؛ حمیری، شمس العلوم، ج ۷، ص ۴۵۱۹.

۲. صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۱، ص ۳۹۶: «در این تعریف، ثبت نیز خوابیده است. همان‌طور که صاحب المحيط نیز می‌آورد: کسی که عزم ندارد (لا يَثْبُتُ عَلَى أَمْرٍ يَعْزُمُ عَلَيْهِ) کسی است که ثبات و دوام ندارد بر کاری که با آن پیوند خورده و باید آن را انجام دهد.»

۳. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۰۸ و جوهری، الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۸۵.

۴. راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۶۵.

۵. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۳۴.

بِشِرَارِ خَلْقِهِ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْتَصِرَ لِنَفْسِهِ ائْتَصَرَ بِأَوْلِيَائِهِ...^۱ همانا زمانی که پروردگار بخواهد اولیای خویش را یاری کند، به وسیله شرتترین مخلوقات خویش، به آنان یاری می‌رساند و زمانی که بخواهد به (دین) خود، یاری برساند، به وسیله اولیای خود، یاری می‌کند...»

بنابراین، بحث یاری دین که یکی از وعده‌های الهی در عالم ذر بود، توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه انجام می‌شود.

موضوع دوم: غلبه و سروری حکومت الهی به وسیله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه (اظهر به دولتی) از جمله وعده‌های خداوند، تشکیل حکومت الهی است که در ادامه، منتهی به برتری آن بر دیگر حکومت‌های پیش از ظهور می‌شود. این امر که توسط بقیه‌الله‌الاعظم علیه‌السلام انجام می‌شود در روایات بررسی شده و سند ذیل، تأیید شده است.

الف) امام سجاد عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: «إِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ يَظْهَرُهُ اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ؛^۲ همانا خداوند، زمان قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه دین اسلام را بر تمامی ادیان، غلبه و سروری می‌دهد.»

ب) امام باقر عجل الله تعالی فرجه نیز در باره با این سخن خداوند «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ^۳ می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛^۴ هنگام قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه دولت و حکومت باطل، از بین می‌رود.»

ج) همچنین پدر بزرگوارشان امام صادق عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: «... فَلَا يَسَعُ وَلِيْنَا إِلَّا الْبَلَاءُ وَ الْخَوْفُ؛ وَ ذَلِكَ لِقَرَّةٍ عَيْنٍ لَهُ أَجَلٍ وَ عَاجِلٍ، أَمَّا الْعَاجِلُ فَيَقِرُّ اللَّهُ عَيْنَهُ بِوَلِيِّهِ، وَ إِظْهَارِ دَوْلَتِهِ وَ الْإِنْتِقَامِ مِنْ عَدُوِّهِ بِإِزَالَةِ دَوْلَتِهِ...^۵ ... ولی ما بین بلا و خوف می‌باشد؛ و این به

۱. راوندی، قصص الأنبياء عجل الله تعالی فرجه، ص ۲۱۸.

۲. موسسه معارف اسلامی، معجم الأحادیث الإمام المهدي، ج ۴، ص ۲۸۳.

۳. اسراء، آیه ۸۱

۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۸۸.

۵. عده‌ای از علما، اصول سته عشر، ص ۱۲۵.

خاطر چشم روشنی نزدیک و دور می‌باشد. اما در نزدیک، خداوند با اظهار دولت ولی خود و انتقام از دشمنانش با نابودی حکومتشان، چشم و لیش را روشن می‌گرداند...»
 (د- در بیتی منتسب به ایشان نیز آمده است: «لِكُلِّ أَنْاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا ... وَدَوْلَتَنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَنْظَهُرُ»^۱ هر سلسله را دولت و جاهی است به‌عالم ... در آخر دهر است، ز ما حکم مسلم.

بنابراین در آخرالزمان، حکومت باطل از بین می‌رود و حکومت حق توسط حضرت حجت علیه‌السلام تشکیل می‌شود و دین اسلام بر تمامی ادیان قبل از ظهور غلبه می‌کند.

موضوع سوم: انتقام از متجاوزان توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه (انتقم به من اعدائی) متجاوزان و دشمنان الهی در دنیا و آخرت، مورد عقاب قرار می‌گیرند. عذاب الهی در این دنیا، توسط اولیا و اوصیای الهی صورت می‌گیرد که به این مطلب، در روایات ذیل (که سند آنها بررسی شده) تأیید شده است.

(الف) آقا رسول الله صلی الله علیه و آله زمانی که به معراج رفتند، خداوند با نشان دادن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خطاب به ایشان فرمود: ... هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحَلِّلُ حَلَالِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ أَلْبَاحِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ ...^۲؛ این قائم کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند و به توسط او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و او راحت دوستان من است و او کسی است که دل شیعیانت را از ظالمان و منکران و کافران شفا می‌دهد ...»
 (ب) همچنین از طریق اهل سنت این روایت نقل شده است: «... وَ بِيَعْلَى وَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ وَ لَدِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي فِي دَارِ الدُّنْيَا ...»^۳ یا محمد! به عزت و جلالم قسم! اگر تو نبودی، آدم را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود، بهشت را خلق نمی‌کردم. چراکه به واسطه شما در روز قیامت به بندگانم ثواب و عقاب می‌دهم. و به واسطه امیرالمؤمنین و ائمه دیگر از فرزندانم، از دشمنانم در دنیا انتقام می‌گیرم...»

(ج) نقل صحیحی از امام حسین عجل الله تعالی فرجه است که می‌فرماید: «يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَيَنْتَقِمُ

۱. صدوق، الامالی، ص ۴۸۹.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳؛ نیز، ر.ک: رازی، کفایه الأثر، ص ۱۵۳.

۳. ابن طاوس، الیقین باختصاص مولانا علی عجل الله تعالی فرجه، ص ۴۲۷؛ با روایان اهل سنت.

- من الظالمین...؛^۱ خداوند قائم ما را ظاهر می‌گرداند تا از ظالمین انتقام بگیرد...»
- د- امام باقر علیه السلام نیز در پاسخ پرسش ابی حمزه ثمالی از علت نامیدن حضرت حجت به «قائم» با بیانی از صحنه کربلا از قول خداوند به ملائکه فرمود: «فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأَتَّقِمَنَّ مِنْهُمْ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ...؛^۲ ملائکه من! آرام باشید قسم به عزت و جلالم از قاتلین او انتقام خواهم گرفت اگر چه در زمان بعد باشد...»
- ه- پدر بزرگوار ایشان امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: چون کار امام حسین علیه السلام چنان شد که شد، فرشته‌ها به درگاه خدا شیون به گریه بلند کردند و عرض کردند: با حسین، برگزیده و زاده پیغمبرت چنین رفتار می‌شود؟ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ وَقَالَ بِهِذَا أَنْتَقِمُ لَهُذَا؛^۳ خدا نمونه قائم علیه السلام را به آنها نشان داد و فرمود: با این، برای این شهید، از آنها انتقام می‌ستانم.»
- و- امام صادق علیه السلام همچنین در تفسیر آیه «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ» به مفضل بن عمر فرمود: رَفَعَ التَّقِيَّةَ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ؛^۴ هنگامه قیام، تقیه برداشته می‌شود، چرا که از دشمنان خدا انتقام گرفته می‌شود.»
- ز- نائب حضرت حجت علیه السلام، عمری نیز می‌گوید: حضرت علیه السلام را در مستجار دیدم که دست بر جامه کعبه زده بود و می‌فرمود: اللَّهُمَّ أَنْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ؛^۵ خداوند! انتقام مرا از دشمنانت بگیر.»
- البته امر انتقام، منافاتی با رحمت بودن حضرت ندارد، چرا که می‌شود گفت: انتقام از دشمنان، بر اساس قدرت نرم است (اگرچه جنگ هم هست) مثل دو فتح بزرگ پیامبر (در مکه و یثرب؛ انی فتحت المدینه بالقرآن) بنابراین مثل پیامبر، رحمه العالمین است. نیز همانطور که امام صادق علیه السلام

۱. حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۹۶ با سند صحیح.

۲. صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۵، با سند صحیح.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۰۷.

۵. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ رک: طوسی، الغيبة، ص ۲۵۱، با سند صحیح.

در روایت لوح می‌فرماید: ثم اكمل ذلك بابنه رحمه للعالمين.^۱ ... و این رشته را به وجود پسر او «م ح م د» که رحمت برای جهانیان است کامل می‌کنم...»

موضوع چهارم: عبودیت بشر به وسیله امام مهدی علیه السلام (اعبد به طوعا و کرها) هدف خلقت انسان، طبق آیات شریف قرآن، عبودیت است. این امر، در سطح وسیع آن و در پهنای جهان، به وسیله امام عصر علیه السلام محقق می‌شود. در روایاتی که به این موضوع اشاره شده است (با بررسی سند) در پی می‌آید.

-الف) نبی اکرم صلی الله علیه و آله بعد از ذکر خروج دابّه و حوادث پس از آن می‌فرماید: «فلا جور و لا ظلم، و قد أسلم الأشیاء لرب العالمین طوعا و کرها، و المؤمنون طوعا و الکفار کرها، و السبع و الطیر کرها...»^۲ ... همه اشیا و مؤمنین، به پروردگار عالمیان، ایمان می‌آورند، از روی میل باشد یا اجبار...»

-ب) ... أمير المؤمنین علی علیه السلام نیز به امام حسن علیه السلام فرمود: «... حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُوراً وَ بُرْهَانًا...»^۳ ... همینطور خواهد بود تا اینکه خداوند در آخر الزمان؛ روزگار سخت و دشوار و جهل غالب مردم، مردی را مبعوث فرماید که او را توسط فرشتگانش تأیید و یارانش را حفظ نموده و با آیات و معجزات خود او را نصرت بخشد، و او را بر تمام اهل زمین غالب و چیره سازد، به نوعی که همه مطیع او شوند چه با میل چه با کراهت، او زمین را پر از قسط و عدل و نور و برهان نماید...»

-د) امام باقر علیه السلام با استشهاد آیه ۸۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «يكون لصاحب هذا الأمر غيبه في بعض هذه الشعاب ... لا تبقى أرض إلا نودي فيها- شهادة أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له- و أن محمدا رسول الله، و هو قوله: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ - طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۴ برای صاحب امر، غیبتی ست در بعضی امور ... نمیماند در روی زمین، مگر شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر. و

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲. ابن حماد، الفتن، ص ۴۴۷، با راویان اهل سنت.

۳. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱، با سند صحیح.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۰.

این، همان قول خداوند است در ...»

ه- امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ به پرسش ابن بکیر از تأویل این آیه می‌فرماید: «أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ ... فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمْرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ - وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ، وَ مَنْ لَمْ يَسْلَمْ ضَرْبَ عُنُقِهِ - حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحْدَ اللَّهِ ...»^۱ این آیه در باره قائم نازل شده، ... و اسلام را پیشنهاد می‌نماید هر کس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکاة بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر وی نیز واجب می‌کند و هر کس مسلمان نشد گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس باقی نماند...»

و- همچنین در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» می‌فرماید: «يَا مُفَضَّلُ لِيُرْفَعْ عَنِ الْمَلِكِ وَ الْأَدْبَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا، كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲ قسم به خدا! اختلاف از ملت‌ها و دین‌ها برداشته می‌شود و یک دین می‌ماند...» (در ادامه، دو آیه دیگر استشهد می‌آورد)

بنابراین می‌شود گفت: هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام فقط دین خالص اسلام باقی می‌ماند. دشمنان نیز (ولو با اکراه) داخل در دین می‌شوند. حتی می‌گویند: خداوند حضرت را با شمشیر ظاهر می‌کند تا اینکه حکم وی را بپذیرند و از ایشان اطاعت کنند و معتقد به مذهب اسلام شوند.^۳

موضوع پنجم: اقرار به مهدویت، شرط اولوالعزم شدن (فتبنت العزيمه لهؤلاء الخمسه في المهدي)

رسیدن انبياء به مقام اولوالعزمی دلایلی دارد. از جمله آنها پذیرش وعده‌های الهی در مورد امام مهدی علیه السلام از سوی آنهاست. در دو روایت زیر (که سند آنها بررسی شده) به آن تصریح شده است:

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۸.

۲. حلی، مختصر البصائر، ص ۴۳۶.

۳. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۸، ص ۲۱.

-الف) امام باقر علیه السلام درباره آیه «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» می‌فرماید: «... إِنَّمَا سُمِّيَ أَوْلُو الْعَزْمِ أَوْلَى الْعَزْمِ لِأَنَّهُ عَاهَدَ إِلَيْهِمْ فِي مُحَمَّدٍ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ سِيرَتِهِ وَ أَجْمَعَ عَزْمُهُمْ عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ؛^۱ پیغمبرانی که اولو العزم نامیده شدند، از این جهت است که خدا درباره محمد و اوصیای بعد از او، خصوصاً درباره حضرت مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَامُ و روش او به ایشان سفارش فرمود و آنها تصمیم خود را استوار کردند که مطلب چنین است و اعتراف نمودند.»

-ب) امام صادق علیه السلام نیز با استشهاد به آیه «مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ» می‌فرماید: «عَرَضُوا تِلْكَ الذَّرِيَّةَ عَلَيَّ جَدَّنَا رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا إِمَامٍ بَعْدَ إِمَامٍ إِلَىٰ مَهْدِيْنَا الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَمِيَّ جَدِّهِ وَ كُنِيَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ.^۲ خداوند، هنگام اخذ اقرار از بنی آدم، آن ذریه را به جد ما و ما تا امام مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَامُ دوازدهمین از امیرالمؤمنین که به نام و کنیه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، عرضه کرد.»

بنابراین به نظر می‌رسد رسیدن انبیا به مقام اولوالعزمی، یک سری شرایطی دارد که به یک مورد از آن در این روایت اشاره شده است و آن، اعتراف و اقرار به جایگاه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به ویژه امام مهدی وَعَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد.

اما عزم نداشتن و در نتیجه صاحب عزم نشدن حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را می‌توان به خاطر عدم اقرار زبانی وی دانست، نه اینکه مطلقاً (و حتی در دل) تصدیق نکرد.^۳ ملاصالح مازندرانی نیز می‌گوید: قلب حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ منکر این قضیه نشد، بلکه به زبان اقرار نکرد.^۴

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۲. خضیی، الهدایة الكبرى، ص ۴۲۸.

۳. مجلسی، مرآة العقول، ج ۷، ص ۲۳.

۴. مازندرانی، شرح الکافی، ج ۸، ص ۱۹.

نتیجه

با فرآیند فقه الحدیثی، پنج موضوع مهدوی علیه السلام از روایت، استخراج و مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه، از یک سو، وعده‌های الهی در مورد امام مهدی علیه السلام آمده است (به‌طوری که هدف الهی از خلق بشریت و بعث انبیا و اوصیا و ... از ابتدا مشخص می‌شود) و از سوی دیگر، کارکردهای حضرت، از همان روز نخست (الست) مشخص شده است. در نتیجه جایگاه حضرت، از همان زمان مشخص شده بود. به‌طوری که ذره‌ای سستی در آن موارد، آدم ابوالبشر را از رسیدن به مقام اولوالعزمی باز می‌دارد.

پیام اصلی روایت، نصرت دین است و بقیه موارد اشاره شده در ادامه روایت، تفسیر همان پیام اصلی است؛ یعنی اظهار دولت، انتقام از دشمنان و عبودیت همگانی، بیانی برای نصرت و یاری دین است. با توجه و دقت نظر در سیر عبارات مهدوی روایت، ابتدا آمدن «انتصار دین» در ابتدای وعده‌های الهی، روشن می‌شود که ابتدا باید قانونی دینی باشد، تا بعد از آن، حکومت و دولت، تشکیل شود و در ادامه، باید حکومتی باشد تا امکان انتقام فراهم شود. در آن حال، تجاوز از حدودی هم صورت نمی‌گیرد و در نتیجه عبادت خالصانه الهی تحقق می‌پذیرد.

منابع *قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۵ جلد، سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الامالی**، انتشارات کتابچی، ۱ جلد، ششم، تهران، ۱۳۷۶ش.
۳.، **الإمامة و التبصرة من الحيرة**، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۴.، **علل الشرايع**، کتابفروشی داوری، ۲ جلد، اول، قم، ۱۳۸۵ش.
۵.، **کمال الدین و تمام النعمه**، انتشارات اسلامی، ۲ جلد، دوم، تهران، ۱۳۹۵ش.
۶.، **من لا يحضره الفقيه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۴ جلد، دوم، قم، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن طاوس، علی بن موسی، **اليقين باختصاص مولانا علیّ علیها السلام بإمرة المؤمنین**، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، دارالکتاب، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۸. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، **معجم مقانیس اللغة**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۶ جلد، اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۹. استرآبادی، علی، **تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة**، مصحح: استاد ولی، حسین، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. اصفهانی راغب، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان، ۱ جلد، اول، ۱۴۱۲ق.
۱۱. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، مصحح: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثه، مؤسسه بعثه، ۵ جلد، اول، قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۲.، **مدينة معاجز الأئمة الإثني عشر**، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۸ جلد، اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، دار العلم للملایین، ۶ جلد، اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۴. حلّی، حسن بن سلیمان، **المختصر**، محقق: سید علی اشرف، مصادر الحدیث الشیعیه، ۱ جلد، قم، ۱۴۲۴ق.
۱۵.، **مختصر البصائر**، مصحح: مظفر، مشتاق، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۲۱ق.
۱۶. حمیری، نشوان بن سعید، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، محقق / مصحح: حسین بن عبد الله العمري - مطهر بن علی الاریانی - یوسف محمد عبد الله، دار الفکر المعاصر، ۱۲ جلد، اول، بیروت، ۱۴۲۰ق.

۱۷. خزاز رازی، علی بن محمد، **کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر**، محقق/مصحح: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، انتشارات بیدار، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۰۱ق.
۱۸. خصیبی، حسین بن حمدان، **الهدایه الکبری**، انتشارات البلاغ، ۱ جلد، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۱۹. راوندی، سعید بن هبه الله، **قصص الانبیاء علیهما السلام**، محقق/مصحح: عرفانیان یزدی، غلامرضا، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱ جلد، اول، مشهد، ۱۴۰۹ق.
۲۰. شاهرودی، شیخ علی نمازی، **مستدرکات علم رجال الحدیث**، اهم مصادر رجال الحدیث الشیعه، ۸ جلد، بی‌جا، ۱۴۱۲ق.
۲۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، **المحیط فی اللغة**، عالم الكتاب، ۱۰ جلد، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۲. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی‌الله‌علیهم**، مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱ جلد، دوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، نشر مرتضی، ۲ جلد، اول، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، **رجال الطوسی - الأبواب**، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱ جلد، سوم، قم، ۱۴۲۷ق.
۲۵. **الغیبه للحجة**، محقق/مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، دار المعارف الإسلامیة، ۱ جلد، ایران، ۱۴۱۱ق.
۲۶. **فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول**، مصحح: طباطبائی، عبدالعزیز، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱ جلد، قم، ۱۴۲۰ق.
۲۷. عاملی، زین الدین بن علی، **الدرایه (فی علم مصطلح الحدیث)** مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱ جلد، دوم، قم، ۱۳۶۷ش.
۲۸. عاملی، محمد بن حسن، **إثبات الهداه بالنصوص و المعجزات**، انتشارات اعلمی، ۵ جلد، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۲۹. **الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)** مترجم: کاظمی خلخالی، زین العابدین، انتشارات دهقان، ۱ جلد، سوم، تهران، ۱۳۸۰ش.
۳۰. عده ای از علماء، **الأصول الستة عشر**، محقق/مصحح: محمودی، ضیاء الدین و جلیلی، نعمت الله و غلامعلی، مهدی، مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، قم، ۱۴۲۳ق.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ **تفسیر العیاشی**، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، انتشارات المطبعة العلمیه، ۲ جلد، اول، تهران، ۱۳۸۰ش.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، نشر هجرت، ۸ جلد، دوم، قم، ۱۴۱۰ق.
۳۳. فیض کاشانی، محمد محسن، **تفسیر الصافی**، محقق/مصحح: اعلمی، حسین، مکتبه الصدر، ۵ جلد، دوم، تهران، ۱۴۱۵ق.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، ۸ جلد، چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.

۳۵. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی - الأصول و الروضة، محقق/مصحح: شعرانی، ابوالحسن، المكتبة الإسلامية، ۱۲ جلد، تهران، ۱۳۸۲ق.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مصحح: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، ۱۱ جلد، دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۳۷.، مرأة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، دار الکتب الإسلامية، ۲۶ جلد، دوم، تهران، ۱۴۰۴ق.
۳۸. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴ جلد، قم، ۱۴۰۶ق.
۳۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمة و النشر، ۱۴ جلد، اول، تهران، ۱۴۰۲ق.
۴۰. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، محقق / مصحح: استاد ولی، حسین وغفاری علی اکبر، کنگره شیخ مفید، ۱ جلد، اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۴۱. موسسه معارف اسلامی، معجم الأحادیث الإمام المهدي (عليه السلام)، مسجد مقدس جمکران، ۸ جلد، دوم، قم، ۱۴۲۸ق.
۴۲. نجاشی، ابوالحسن، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة، مصحح: سید موسی شبیری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱ جلد، قم، ۱۴۰۷ق.
۴۳. نعیم، ابن حماد، الفتن، مصحح: مجدی بن منصور، دار الکتب العلمیه، ۱ جلد، دوم، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۴۴. واسطی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰ جلد، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴۵. انصاری، حسن، کتابهای حسنی، کاتبان،

<https://ansari.kateban.com/post/1830>

تأملی جامع از مفهوم انتظار فرج و جایگاه آن در اندیشه اسلامی

حسین علی جباری^۱

چکیده

مفهوم انتظار در بسیاری از متون دینی و حتی مکاتب غیر دینی مورد توجه قرار گرفته است. انتظار با نهاد و فطرت انسان آمیخته شده و می‌بایست ساحت‌های گوناگون آن مورد بررسی قرار گیرد. مکاتب الهی و غیر الهی با توجه به ایدئولوژی‌های خود بدان نگرسته و عمل می‌کنند. در متون دینی - اسلامی به ویژه امامیه ساحت‌های گوناگون مفهوم انتظار و جایگاهش مورد تأکید قرار گرفته و از آن به عمل یاد کرده‌اند. در عصر غیبت امام زمان علیه السلام وظیفه منتظران شناخت عمیق ساحت‌های گوناگون انتظار است که در این مقاله با توجه به نظرگاه انسانی - ادیانی از طریق روش توصیفی - تحلیلی ساحت‌های گوناگون آن در اندیشه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: اندیشه اسلامی، شیعه، اهل سنت، انتظار

۱. دانش پژوه سطح ۴ مهدویت گرایش سیاسی اجتماعی مرکز تخصصی مهدویت قم، ایمیل:

مقدمه

یکی از مفاهیم ارزشی در آموزه مهدویت، کلمه انتظار است. با توجه به بار معنایی فراوان این کلمه، برخی آن را از باب اراده جزء بر کل، بر کل اندیشه و آموزه مهدویت حمل نموده و از آن به فرهنگ انتظار یاد می‌کنند. در پرتو این مفهوم، اسلوب اندیشه‌ای فعال، شیوه زندگی متفاوت از زندگی مادی امروز و چگونگی تفکر و نگرش به حال و آینده استخراج می‌شود.

پیشینه مسئله انتظار از حیث باورداشت آن است که انسان‌ها به ظهور نجات بخش و عدل‌گستر در سیطره جهان امیدوارند، لذا مسئله انتظار افزون بر ادیان الهی، اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی، در مکاتب مختلف فکری همچون مارکسیست^۱ و تولستوی نیز مطرح بوده و آنها هم بدان معتقدند؛ برای نمونه در میان منابع ادیان الهی گذشته به مسئله انتظار اشاره شده است، همچنان که در آیات کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان چنین نقل شده است: «شیران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید»^۲. در سفر رومیان نوشته شده است که خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می‌باشد^۳. حقایقی از انتظار و موعود منتظر نیز در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان آمده است، همچنان که قرآن مجید در تأیید آن بیان داشته است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۴ اینکه در نهایت زمین به صالحان ارث خواهد رسید.

پژوهش‌های که در این باره انجام شده شامل تحقیقات فراوانی اعم از کتاب و مقاله است که در جهت بررسی و شناخت اندیشه انتظار صورت گرفته است. در ارتباط با موضوع مقاله می‌توان کتاب‌های زیر را برشمرد: ۱. کتاب *استراتژی انتظار*، اثر اسماعیل شفیعی سروستانی که به

۱. برتراند راسل می‌گوید: انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد؛ بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات‌بخشی که عدل را

بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند. محمدمهدی آصفی، *انتظار پویا*، ص ۱۸.

۲. کتاب مقدس، سفر مزامیر، مزمور ۳۷، آیات ۹ - ۱۱.

۳. همان، سفر رومیان، روم ۸، آیه ۱۹.

۴. انبیاء، آیه ۱۰۵. و بی‌گمان، در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران در دوره جمهوری اسلامی پرداخته است. ۲. کتاب *انتظار پویا*، اثر محمد مهدی آصفی که به مفهوم شناسی انتظار و توجیه روانی آن و دیدگاه‌های مکاتب و مذاهب گوناگون غیر دینی و نشانه‌های منتظران حقیقی امام زمان عجل الله تعالی فرجه پرداخته است. ۳. کتاب *نهیضت انتظار و انقلاب اسلامی* به قلم جمعی از نویسندگان که به وظایف منتظران پرداخته است و مقالات متعددی که پیرامون انتظار و مباحث پیرامونی آن نوشته شده است.

نگارنده تاکنون به تحقیق واحدی در بررسی جامع و دسته‌بندی شده ساحت‌های گوناگون مفهوم انتظار در اندیشه اسلامی دست نیافته است. این تحقیق که به صورت توصیفی - تحلیلی آماده شده است به تبیین جامع از مفهوم انتظار در اندیشه اسلامی خواهد پرداخت.

تعریف انتظار

انتظار در لغت به معنای چشم داشتن، چشم به راه بودن، نگرانی و انتظار کشیدن به معنای نگران بودن و چشم به راه داشتن است.^۱ در واقع، انتظار طلب آن چیزی است که بدان نظر شده و طلب چیزی که ممکن است واقع شود.^۲

در اصطلاح، مفهومی ارزشی - فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد و آن مفهوم در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی حال و آینده، تأثیرگذار است.^۳ برخی همچون اصفهانی انتظار را اینگونه تعریف کرده است «انتظار حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم، از آن برمی‌آید و ضد آن یأس و ناامیدی است، پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی‌تر خواهد بود».^۴

۱. لغت نامه دهخدا، ذیل واژگان انتظار و انتظار داشتن، ص ۳۴۵۴.

۲. ؟؟، الفروق فی اللغه، ص ۶۶.

۳. محمد مهدی آصفی، *انتظار پویا*، ص ۲۱.

۴. مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، ج ۲، ص ۱۹۵.

اقسام انتظار فرج

انتظار فرج به معنای چشمداشت در گشایش مسئله، مشکل، راه و... است. در حقیقت در درون انتظار فرج حالتی نفسانی، یعنی نگرانی و امید قرار گرفته است؛ لذا از حیث باورداشت باعث کُنش‌های متعددی در جوامع، به ویژه جامعه اسلامی می‌شود. بنابراین بر دو قسم تقسیم‌پذیر است:

۱. انتظار عام

انتظار عام، انتظاری کلی و مطلق و شامل امید به گشایش هر سختی اعم از مادی و معنوی و دنیایی و آخرتی می‌باشد، همچنان که خداوند متعال در سوره الشرح بدان اشاره کرده و فرموده است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۱ و قاعده کلی^۲ که خداوند گشایش و راحتی را پس از سختی قطعی می‌داند.

۲. انتظار خاص

انتظار خاص، انتظاری است که گشایش و امید، مختص و مقید به امور و باورداشت خاصی می‌باشد، همچنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۳ خداوند متعال در این آیه وعده قطعی داده است که صالحان حقیقی را وارص تمام زمین گرداند، به گونه‌ای که دیگر ظالمان

۱. الشرح، آیات ۵ و ۶ به یقین با [هر] سختی آسانی است! [آری] مسلماً با [هر] سختی آسانی است.

۲. «فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ». اعراف، آیه ۷۱.

۳. نور، آیه ۵۵. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.

حکمران آن نباشند.^۱ لازمه وعده خداوند به مسلمانان آن است که زمینه‌ها، موقعیت‌ها و اشخاصی که متعلق وعده‌اند را شناخته و نسبت به آن انتظار بکشند.

اما انتظار فرج به معنای خاص از جهت کنش و واکنش بر دو گونه است: ۱. انتظار ویرانگر، انتظاری است که برداشت از مهدویت و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه را صرفاً ماهیت انفجاری دانسته و در این راستا هیچ تلاشی صورت نمی‌گیرد، لذا ظلم و باطل تا قبل از ظهور و قیام حاکمیت خواهد داشت و تلاش در اصلاح جوامع بی‌معناست و نتیجه آن در نهایت به اباحیگری در جامعه اسلامی منجر خواهد شد. ۲. انتظار سازنده، انتظاری است با پشتوانه آیات و روایات، پویا و فعال در جهت تحقق بخشیدن به اهداف عالی اسلام و حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه.^۲

۱،۲. انتظار ویرانگر و منفی

انتظاری که برداشت از مهدویت و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه را صرفاً ماهیت انفجاری دانسته و در این راستا هیچ تلاشی صورت نمی‌گیرد. لذا در این برداشت ظلم و باطل تا قبل از ظهور و قیام حاکمیت خواهد داشت، چرا که تلاش در اصلاح جوامع بی‌معناست.

این نوع از برداشت از انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه ناشی از ضعف علمی و برداشت‌های ناصحیح از روایات در این باب است. گروه‌های متعددی به این نظریه توجه داشته و برای اثبات آن ادله‌ای را ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها به صورت اجمالی اشاره خواهد شد.

گروه اول کسانی هستند که انتظار دارند ولی به انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه اعتقادی ندارند. این گروه شامل دشمنان دین و مخالفان مذهب و یا دگر اندیشان هستند که در پی برچیدن اصل ظهور امام عجل الله تعالی فرجه در جهت اهداف و اغراض خود می‌باشند، چرا که اعتقاد به انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه دارای کارکردهای آشکار و پنهان متعددی است که جامعه را از سکون و ایستایی به

۱.؟؟، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹ - ۲۱۹.

۲.؟؟، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه، ص ۵۳ - ۵۹.

جامعه‌ای پویا و فعال تبدیل می‌کند. لذا تمام تلاش خود را در جهت انکار جریان ظهور و یا تفسیر منفعت طلبانه آن می‌کنند.

گروه دوم کسانی‌اند که به انتظار فرج و ظهور حضرت معتقد بوده و در جهت تحقق آن زمینه‌سازی دچار اشتباه شده‌اند. این گروه با استدلال به روایاتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرماید: *عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ لَا بَدَّ مِنْ إِمَامٍ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ نَسْلِ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ يَسْمَى بِاسْمِ الرَّسُولِ، وَ يَلْقَبُ بِالْمَهْدِيِّ وَ يَسْتَوْلِي عَلَى الْأَرْضِ، وَ يَمْلِكُ الشَّرْقَ وَ الْغَرْبَ، وَ يَتَّبِعُهُ الْمُسْلِمُونَ، وَ يَهْزِمُ جُنُودَ الْكُفْرِ، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا، وَ يَنْزِلُ عِيسَى، وَ يَصَلِّيُ خَلْفَهُ ...^۱* اینکه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وقتی ظهور خواهد کرد که دنیا را ظلم و جور بگیرد، لذا در جهت تحقق وعده و در راستای ظهور ایشان به ظلم و جور پرداخته یا به ظلم و جور توصیه می‌کنند. برخی گروه‌های انحرافی معاصر جزء این گروه‌اند که توضیح و معرفی آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

گروه سوم کسانی هستند که به انتظار فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ معتقدند و در راستای آن اقدامات فردی انجام می‌دهند، اما اقدام‌های اجتماعی و حاکمیت اسلام در عصر غیبت امام را به شدت نهی و رد می‌کنند. استدلال این گروه به روایاتی که می‌فرماید: *«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ رَأْيَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۲* افرادی که علم به انتظار فرج دارند، اما عملکرد حکومت‌ها و یا تعارضات در ادله حاکمیت اسلام در عصر غیبت بر آنها حل نشده است.

گروه چهارم کسانی‌اند که اعتقاد به انتظار فرج امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته و اقدام‌های فردی انجام می‌دهند، اما در برابر اقدام‌های اجتماعی جامعه ساکت می‌باشند. این گروه اقدام‌هایی اجتماعی در راستای ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را بی اثر یا کم اثر دانسته و این اقدام‌ها را وظیفه منتظران

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

نمی‌دانند، چرا که معتقدند زمینه‌سازی، هیچ تأثیری در تحقق ظهور نخواهد داشت؛ از این رو به انزوا و گوشه نشینی تمسک می‌جویند. این گروه آیات امر به معروف و نهی از منکر را مورد توجه خود قرار نداده و برای آن توجیهاتی را نقل می‌کنند.

هرکدام از این گروه‌ها دارای نقدهای متعددی است که در این مقاله نمی‌گنجد، لذا با توجه به نقدها هیچ کدام از این برداشتها را نمی‌توان مورد استدلال قرار داده و بدان تمسک جست.

۲،۲. پویا و مثبت

انتظاری به همراه عمل با پشتوانه آیات و روایات، پویا و فعال برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی اسلام و حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. که برخی آن را انتظار سازنده و پویا می‌نامند.

این نوع انتظار، تمام ارکان انتظار یعنی ناراضی بودن از وضع موجود، امید به آینده مطلوب و تلاش و حرکت در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه با توجه به مبانی و ارزش‌های دینی اسلام ناب که شامل توحید باوری، معرفت امام، الگو پذیری از امام، یاد امام، موعود باوری، عدالت محوری و ظلم ستیزی می‌شود را مورد توجه منتظران حقیقی قرار می‌دهد. این نگاه، برداشتی کامل از آیات و روایات در باب انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.

انواع و ارکان انتظار فرج

با توجه به تقسیم بندی، انتظار دو نوع تفسیر می‌شود: اول انتظاری که صرف چشمداشت و چشم به راهی بدون کنش است؛ یعنی فقط یک حالت روحی و درونی است. دوم انتظاری که علاوه بر آنکه چشم انتظار و چشم به راهی است دارای کنش و واکنش یعنی حرکت و اقدام می‌باشد^۱.

۱. جمعی از نویسندگان، نگین آفرینش، ص ۱۳۶.

از طرفی، انتظار ویژگی‌ای است که با نهاد همه موجودات عالم عجین شده و زندگی انسان با انتظار همراه می‌باشد. انسان در هر سن و هر مکان و هر موقعیتی در انتظار بهتر و بهترین است. چرا که از وضع موجود خود راضی نیست و امید به وضع مطلوب دارد. با توجه به این مسئله، انتظار صحیح دارای سه رکن اساسی^۱ است که منتظران باید آنها را مد نظر قرار دهند:

۱. اولین رکن انتظار، نارضایتی یا قانع نبودن از وضع موجود است. انسانی که از موقعیت کنونی علمی، اخلاقی، شغلی، زندگانی و... راضی و قانع نیست.
۲. دومین رکن انتظار، امید داشتن به آینده بهتر و مطلوب است. فرد، امید به موقعیت علمی بهتر، اخلاق بهتر، شغل بهتر، زندگانی بهتر و... دارد.
۳. سومین رکن انتظار، حرکت و تلاش انسان منتظر در جهت رسیدن به مطلوب است. فردی که از موقعیت علمی، اخلاقی، شغلی، زندگانی و... خود ناراضی است، برای رسیدن به وضع بهتر و مطلوب همیشه در تلاش و تلاطم می‌باشد.

انتظار در منابع اهل سنت

در میان مذاهب اسلامی، روایات متواتر بسیاری درباره انتظار فرج و باورداشت مهدویت از طریق اهل سنت با سندهای صحیح و مستفیض وجود دارد که برخی از آنها به صورت تصریح و برخی تلویح نقل شده و نمی‌توان در آنها تشکیک کرد. وعده آمدن و چشمداشت و انتظار، برآیند اعتقاد به منجی موعود است که به روشنی در کتاب‌های معتبر روایی اهل سنت نقل شده است.

هیثمی در روایت انس از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فضیلت انتظار نقل می‌کند که ایشان فرمود: «قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ان أفضل العبادۃ انتظار الفرج؟^۲ با فضیلت‌ترین عبادت انتظار فرج است. مشابه

۱. مهدی مهریزی، مهدویت رویکردها و چالش‌ها، ص ۱۸۴ - ۱۸۷.

۲. احمد بن حجر الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۴۷.

این حدیث از راوی عبدالله، در سنن ترمذی^۱ و راوی احوص، در معجم کبیر^۲ نقل شده که به انتظار عام اشاره دارد.

اما روایت انتظار فرج به معنای خاص در روایتی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله و لم یبق من الدنيا إلا یوم ، لظوله الله عز وجل حتی یملک رجل من أهل بیتی^۳ یملؤها عدلا کما ملئت جورا قال أبو نعیم رجلا مناً^۴ و زاد فی حدیث فطر (یملاً الأرض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا)^۵. این روایت خبر از آینده و آمدن فردی از اهل بیت رسول خدا و تلاش او در ایجاد عدل الهی و تحقق حکومت الهی و جهانی دارد و وظیفه مسلمین را راجع به انتظار نسبت به این واقعه بیان می‌دارد، زیرا ارائه هر خبری توسط معصومین علیهم السلام متضمن کنش و واکنش‌هایی از جانب پیروان است، لذا به انتظار به صورت خاص اشاره دارد و احادیث گوناگون در کتاب‌های دیگری که انتظار در اهل سنت را به گونه‌های مختلف تبیین می‌کند.

بنابراین، همان‌گونه که اصل انتظار برای آنهاست، مسئله انتظار مردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌آید و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، صادق بوده با این تفاوت که اکثریت آنها قائل به عدم تولد ایشان هستند.

۱. الترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵.

۲. سلیمان بن احمد الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۳. بن یزید القزوی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۸ - ۹۲۹؛ الترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۴. احمد بن حنبل، مسند أحمد، ج ۱، ص ۹۹.

۵. سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۰۹.

ع الترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۷۸؛؟؟، المستدرک، ج ۴، ص ۳۲۱.

انتظار در منابع شیعه

انتظار در منابع شیعه در احادیث متواتر و صحیح نقل شده است تا جایی که برخی از آن با عناوینی همچون فرهنگ انتظار، آموزه انتظار به جهت اهمیتش یاد می‌کنند. در ادامه به برخی روایات در این باب اشاره خواهد شد.

۱. فضیلت و ثواب و اهمیت انتظار

درباره فضیلت انتظار روایات متعددی نقل شده است، از جمله این روایات، روایت ابی نصر از امام رضا علیه السلام است:

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ الرَّضَاءُ علیه السلام مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ» از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: چقدر خوب است صبر و انتظار فرج! آیا نشنیده‌ای خداوند عزوجل فرموده: وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ؛^۲ و چشم به راه باشید که من با شما چشم به راهم. فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ؛^۳ پس انتظار بکشید که من با شما از منتظرانم. بنابراین بر شما باد صبر، به درستی که گشایش پس از ناامیدی می‌آید، البته آنان که پیش از شما بودند صبورتر از شما بودند.

بیان امام علیه السلام پس از استشهاد به کلام خداوند و یکی از ویژگی‌های پروردگار در روایت توصیه به صبر، درستکاری و عدم ناامیدی در جهت انتظار فرج است.

۱. محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵

۲. هود، آیه ۹۳.

۳. اعراف، آیه ۷۱.

از امام صادق علیه السلام در باب اهمیت انتظار اینگونه نقل شده که فرمودند: «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ علیه السلام». ^۱ هر کس از شما بر این امر در حال انتظار آن بمیرد، همچون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام بوده باشد.

همچنین از ایشان در تفسیر آیه‌ای از قرآن به ابابصیر چنین نقل می‌کنند: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ علیه السلام يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». ^۲ خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیای خدا هستند، همان‌ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوهگین شوند.

در روایت محمد بن نعمان از امام صادق علیه السلام نزدیک‌ترین حالت بندگان به خدا و خشنودی خدا را برای منتظران فرج می‌داند و نقل شده است: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ فَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَا تَبْطُلُ حُجَّةُ اللَّهِ وَ لَا بَيِّنَاتُهُ فَيَنْتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً وَ إِنْ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبًا عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا أَفْقَدَهُمْ حُجَّتَهُ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَرْتَابُونَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَرْتَابُونَ مَا أَفْقَدَهُمْ حُجَّتَهُ طَرَفَةً عَيْنٍ». ^۳ محمد بن النعمان، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، که ایشان فرمودند: نزدیک‌ترین حالت بندگان به خداوند متعال و خشنودترین هنگام او از آنان، زمانی است که حجت خداوند را نیابند و برایشان آشکار نشود و از آنان پوشیده بماند که جای او را ندانند و در عین حال می‌دانند که دلایل و نشانه‌های الهی از بین نرفته است، در آن هنگام باید که هر

۱. محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ابراهیم شفيعی سروسناني، انتظار بايدها و نبايدها، ص ۲۰.

۳. محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۹.

صبح و شام منتظر فرج باشند. و همانا شدیدترین موقع غضب خداوند بر دشمنانش زمانی است که حجتش را از آنان پوشانیده باشد، که برایشان ظاهر نگردد و البته خداوند می‌داند که دوستانش به تردید نمی‌افتند و اگر چنین می‌دانست که آنان به تردید دچار می‌شوند، حجت خویش را یک چشم برهم زدن هم از آنان مخفی نمی‌کرد. روایات دیگری به همین مضمون و با اندک اختلافی از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* نقل شده است.^۱

۲. وجوب و حیثیت انتظار

اهمیت انتظار به اندازه‌ای است که در برخی روایات وجوب آن را تصریح فرموده و حیثیت آن را عمل می‌دانند.

از مصادیق روایاتی که وجوب انتظار فرج به صورت عملی را بیان می‌دارد روایتی است از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام که ایشان از امام جواد علیه السلام و آن حضرت از امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند. «عن الحسنی قال: دخلت علی سیدی مُحَمَّد بن علی بن موسی بن جعفر بن مُحَمَّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و انا أريد أن أسأله عن القائم أ هو المهدي أو غيره فابتدأني فقال لي يا أبا القاسم إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته و يطاع في ظهوره و هو الثالث من وُلدي و الذي بعث مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله بالنبوة و خصنا بالإمامة إنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لَطَوَّلَ اللهُ ذلك اليوم حتى يخرج فيه فيملا الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً و إن الله تبارك و تعالی ليصلح له أمره في ليله كما أصلح أمر كليمه موسى ع إذ ذهب ليقْتَسِسَ لأهله ناراً فرجع و هو رسول نبي ثم قال ع أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج.»^۲ از حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام روایتی نقل شده که گفت: بر سرورم حضرت محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و

۱. محمد بن علی ابن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۳۳۷؛ کلینی، *کافی*، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. همان، ص ۳۷۷.

می‌خواستیم که درباره قائم عَلَيْهِ السَّلَام از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او؟ پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و به من فرمود: ای ابو القاسم! به درستی که قائم عَلَيْهِ السَّلَام از ماست و اوست مهدی که واجب است در زمان غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد و او سومین (امام) از فرزندان من است.

از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره با فضیلت‌ترین عمل امت در اسلام نقل شده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۱ با فضیلت‌ترین عمل امت من انتظار فرج از خدای عزوجل است.

همان‌گونه که در روایت آمده وجوب انتظار فرج بر همه لازم است. از طرفی، انتظار، امری عبادی و عملی است که می‌بایست در تمام شئون زندگانی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به این روایات، انتظار با اهمیت و نجات‌بخش خواهد بود، خواه انتظاری که وصال به متعلق آن به دست انسان^۲ باشد که در این صورت به انسان پویایی و حرکت می‌بخشد و خواه به دست انسان^۳ نباشد که در این صورت به انسان امید و مقاومت خواهد بخشید.^۴

۱. همان، ص ۶۴۴

۲. انتظاری که انسان می‌تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛ مانند بهبود یافتن از بیماری، اجرای طرحی عمرانی، علمی و تجاری، پیروزی بر دشمن و رهایی از فقر. همه اینها ریشه در انتظار دارند و امر سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها به دست خود انسان است. محمدمهدی آصفی، *انتظار پویا*، ص ۲۲.

۳. انتظار نجاتی که در توان انسان نیست، آن را جلو یا عقب بیندازد؛ همانند انتظاری که شخص غریق در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل به سوی خود دارد. در این حال وی آنان را می‌نگرد که برای نجات او به راه افتاده‌اند. بی‌گمان، غریق را یاری آن نیست که زمان رسیدن گروه نجات را به خود نزدیک کند. محمدمهدی آصفی، *انتظار پویا*، ص ۲۲.

۴. محمدمهدی آصفی، *انتظار پویا*، ص ۲۲.

نتیجه

حقیقت انتظار، حالتی همراه با نگرانی و امید است که منجر به کنش‌های متغیر رفتاری از انسان می‌شود. انتظار در نهاد آدمی نهادینه شده است. انتظار فرج، مفهومی ارزشی در میان مسلمانان است که توسط آن برخی هنجارهای فردی و اجتماعی خود را طراحی و بدان عمل می‌کنند. با توجه به تجمیع روایات نقل شده انتظار فرج از شیعه و سنی، به نظر می‌رسد انتظار حقیقی، انتظاری است که افزون بر نارضایتی از وضع موجود و امید به وضع مطلوب، حرکت و تلاش را برای انسان به ارمغان بیاورد و این حرکت و تلاش محقق نخواهد شد، مگر با اعمالی که در حیطه فردی، توسط فرد و در حیطه اجتماعی، توسط جمعیت مسلمانان صورت می‌گیرد.

قرآن مجید

کتاب مقدس

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، ناشر: نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، ناشر: اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن حنبل، احمد، **مسند احمد**، ناشر: دار صادر، بیروت، بی تا.
۴. اصفهانی، محمد تقی، **مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم** علیه السلام مترجم: مهدی حائری قزوینی، ناشر: مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ ش.
۵. -----، **مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم** علیه السلام، ناشر: موسسه الامام المهدی علیه السلام، چاپ پنجم، قم، ۱۴۲۸ ق.
۶. آصفی، محمد مهدی، **انتظار پویا**، مترجم: تقی متقی، ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش.
۷. الترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، ناشر: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۸. جمعی از نویسندگان، **نگین آفرینش**، ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ ۵۳، قم، ۱۳۹۲ش.
۹. السجستانی، سلیمان بن اشعث، **سنن ابی داوود**، ناشر: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۰. شفیع سرستانی، ابراهیم، **انتظار باید ها و نباید ها**، ناشر: موعود عصر علیه السلام، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۲. الطبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، ناشر: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی جا، بی تا.
۱۳. عسکری، حسن بن عبدالله، **الفروق فی اللغة**، ناشر: دار الافاق الجدیده، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۱۴. القزوینی، بن یزید، **سنن ابن ماجه**، ناشر: دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، بی تا.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. لغت نامه دهخدا.
۱۷. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلابی مهدی علیّه از دیدگاه فلسفه تاریخ**، ناشر: صدرا، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری**، جلد ۲۸، ناشر: صدرا، چاپ: سوم، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. مهریزی، مهدی، **مهدویت رویکردها و چالش ها**، ناشر: نشر علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. الهی نژاد، حسین، **انتظار و ظرفیت آن در اهل سنت**، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۴۰، قم، ۱۳۹۵ ش.
۲۱. الهیثمی، احمد بن حجر، **مجمع الزوائد**، ناشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

نقش انتظار در تحقق ارزش‌های امنیت اجتماعی

محمود کریمی^۱

چکیده

از ضروریات و لازمه هر جامعه، امنیت است که همه افراد باید از آن برخوردار باشند. خواه امنیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی باشد، که در اینجا به امنیت ارزش‌های اجتماعی پرداخته شده است. یکی از تأثیرگذارترین مباحث مهدوی علیه السلام که به امنیت اجتماعی جامعه کمک فراوانی می‌کند، بحث فرهنگ انتظار است. یکی از اثرگذاری‌های انتظار بر امنیت اجتماعی این است که انتظار درست به منتظر، روحیه مسئولیت‌پذیری، خداآوری و مقاومت، ایستادگی در برابر ضد ارزش‌ها و تقویت پیشرفت ارزش‌هایی که باعث امنیت اجتماعی می‌شوند می‌دهد که در اینجا به تأثیرگذاری فرهنگ انتظار بر تحقق ارزش‌های امنیت اجتماعی که سبب ایجاد جامعه‌ای سالم و بانشاط و معنوی می‌شود پرداخته شده است. اگر افراد جامعه دارای فرهنگ انتظار باشند ناخودآگاه به خودسازی و دگرسازی و به فکر زمینه‌سازی ظهور حضرت علیه السلام هستند، این مقاله از نگاه مهدویت به امنیت اجتماعی پرداخته است تا بتواند از این منظر به امنیت اجتماعی جامعه کمکی کرده باشد. این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی نوشته شده است.

واژگان کلیدی: انتظار، ارزش‌ها، امنیت، امنیت اجتماعی

مقدمه

انتظار در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه انتظار استفاده می‌شود این است که انتظار، در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح جامعه و عامل مقاومت و پیشرفت، بیداری و بقای جامعه است. اهمیت و پرداختن به بحث فرهنگ انتظار یکی از ضروریات مباحث است، چرا که هر جامعه‌ای برای رهایی از فرهنگ‌های غلط، به ویژه فرهنگ غرب باید با مسائل مهدویت به خصوص بحث انتظار، آشنایی داشته باشد. از فواید انتظار، فرهنگ‌سازی درست، بردن جامعه به سوی معنویات و تکامل است. انتظار، فرهنگ و مفهومی است که در ساختار ذهن و اندیشه و روش زندگی کردن و در بینش سیاسی ما نسبت به زمان حال و آینده تأثیرگذار است. «آینده یا آینده‌نگری به حال شخصی و آماده‌باش می‌گویند که از وضع موجود ناراحت و برای وضع بهتری تلاش می‌کند.»^۱ از دیگر فواید انتظار، امنیت بخشی به جامعه است.

هر جامعه‌ای برای رسیدن به تکامل، معنویات و یا پیشرفت، سربلندی و قله‌های عزت و افتخار، به امنیت نیاز دارد. اگر امنیت در جامعه نباشد آن جامعه پیشرفت و عزت خود را از دست می‌دهد و فرهنگ بیگانگان نفوذ خواهد کرد. برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ بیگانگان و داشتن جامعه‌ای با عزت و افتخار، آن جامعه باید از فرهنگ انتظار غافل نباشد و فرهنگ انتظار را در جامعه خود پیاده کند؛ انتظار با توجه به اینکه حالت روحی و درونی است از حالت روحی و دورنی باید به حالت بیرونی که همان تلاش و کوشش است تبدیل شود تا انتظار اثرگذاری خود را نشان دهد. با توجه به تحقیق‌های فراوانی که شده پژوهش و تحقیقی در این راستا دیده نشده است، بیشتر بحث‌های امنیتی در بحث امنیت ملی بوده و تنها چند کتاب به عنوان امنیت اجتماعی، آن هم به صورت فهرست و تعاریف امنیت بحث شده است، مانند کتاب *امنیت/اجتماعی*، اثر منیژه نویدنیا؛ *امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی*، اثر علی اصغر همتیان و در موضوع امنیت اجتماعی مطلبی در کتاب‌های دیگر نیامده است و در این مقاله به این بحث با ایده جدید و نو بررسی شده است. در بحث انتظار، پژوهش‌های فراوانی انجام شده و کتاب و مقالات زیادی

۱. ناصر مکارم شیرازی، مهدی/انقلاب بزرگ، ص ۱۰۱.

نوشته شده است، از قبیل کتاب *در انتظار پویا* اثر آیت‌الله محمد مهدی آصفی که در این کتاب به مباحث انتظار، تعاریف، مفاهیم و گونه‌های آن پرداخته و حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب *مهدی/انقلاب بزرگ* در تعریف انتظار مباحث خوبی مطرح کرده‌اند، و یا حسن عبدی‌پور در *نقش اجتماعی انتظار* مباحث راجع به انتظار بیان کرده‌اند، اما به موضوع اجتماعی آن نپرداخته‌اند.

مطالب در این تحقیق از نگاه مهدویت با این عنوان که انتظار مهدوی چقدر می‌تواند بر امنیت اجتماعی جامعه کمک کند و چقدر تأثیرگذار است، بحث شده است.

سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا انتظار نقشی در تحقق ارزش‌های اجتماعی دارد؟ و پرسش فرعی اینکه انتظار، چه نقشی در ایجاد ارزش‌ها برای شکل‌گیری امنیت اجتماعی ایفا می‌کند؟

در این تحقیق در بحث‌های انتظار و ابعاد مفاهیم آن از روش توصیفی و در بحث امنیت و تأثیر انتظار و اثرگذاری انتظار بر امنیت اجتماعی از روش تحلیلی استفاده شده است.

۱. مفاهیم

الف) مفهوم انتظار

انتظار در لغت «مصدر باب افتعال از ماده نظر است و به معنای جستجو کردن و اندیشیدن و درنگ کردن در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن، و نوعی امیدداشتن به آینده است»^۱.

با این توضیح می‌توان دریافت که انتظار حالتی درونی - روانی با درنگ و تأمل است.

انتظار، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی برای آنچه انتظار دارند می‌باشد و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی بیشتر است.

«انتظار به مفهوم مذهبی‌اش، امید به آینده است، آینده‌ای که در آن مردم جهان، از زور و فشار و استبداد و تسلط نظام‌های غلط، نجات پیدا کنند و رژیم‌های ضد انسانی از میان بروند و

۱. حسن مصطفوی، *التحقیق فی الکلمات القرآن*، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

زندگی پر نشیب و فراز انسان‌ها که از آغاز با نبرد و کشتارهای فجیع همراه بوده است، پر از صلح صفا و آرامش گردد و حق پرستان پیروز و باطل‌گرایان نابود شوند.^۱

«انتظار، مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی است که از آن رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می‌گیرد و برای تخدیر و مانعی برای حرکت تبدیل می‌شود و گاهی نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت عاملی برای حرکت، قیام و انگیزه در زندگی افراد خواهد بود. بنابراین، ناچاریم از انتظار تصور بگیرد. بعضی مردم گاهی از انتظار برداشت منفی می‌کنند که در این صورت انتظار به مفهومی شفاف و دقیقی داشته باشیم.»^۲

انتظار یک فرهنگ است و مفهومی فرهنگی دارد که در ساختار ذهن و اندیشه، روش زندگی کردن و در بینش سیاسی ما نسبت به زمان حال و آینده تأثیرگذار است.

انتظار یا آینده‌نگری به حال شخصی و آماده باش می‌گویند که از وضع موجود ناراحت و برای وضع بهتری تلاش می‌کند.^۳ اینک بحث ما درباره چنین انتظاری است که در اینجا به طور اختصار به توضیح آن می‌پردازیم: آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی، مفهوم خود کلمه انتظار استفاده می‌شود اینکه انتظار، در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، عامل مقاومت و پیشرفت، عامل بیداری و بقای جامعه و سرانجام عامل حرکت، جنبش و قیام است و از عقاید تاریخ‌ساز و انقلاب‌آفرین اسلامی نشأت گرفته که بذر اصلی قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.

افرادی که میانه خوبی با انتظار ندارند و یا برخی افراد غافل و بی‌اطلاع یا اشخاصی که کج‌اندیش و کوتاه‌فکرند، انتظار را چشم به راهی و منتظر بودن را عامل رکود، پسرفت و عقب‌ماندگی می‌دانند. شاید تصور آنان چنین است که افراد باید از هر کوششی در راه اصلاح جامعه دست بردارند و در برار زورگویان و ظالمان و مفسدان اجتماع بشری سکوت کنند و مانند مرده‌ای متحرک، در تابوت انتظار دراز کشیده و دست روی دست بگذارند و به خواب غفلت فرو روند و برای فرا رسیدن زودتر ظهور و پایان یافتن ظلم و فساد به گسترش ظلم و جور و فساد،

۱. حسن عبدی‌پور، نقش اجتماعی انتظار، ص ۱۶.

۲. محمدمهدی آصفی، انتظارپویا، ص ۲۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلاب بزرگ، ص ۱۰۱.

کمک کنند تا جامعه پر از ستم و تباهی گردد و ظهور امام زمان علیه السلام نزدیک شود، در حالی که چنین برداشتی از مفهوم انتظار، نادرست بوده و بدترین و گمراه‌کننده‌ترین مفهومی است که می‌توان به انتظار نسبت داد و چنین افکار غلط، یاری کردن به دشمنان فرهنگ مهدوی علیه السلام و ترویج فرهنگ غلط غربی خواهد بود.

ب) امنیت اجتماعی

در اینجا به برخی تعاریف در مورد امنیت اجتماعی اشاره می‌شود. برای امنیت اجتماعی تعریفی یکنواخت و خاص ارایه نشده است و به همین علت هر کدام تعاریف جداگانه‌ای برای امنیت اجتماعی بیان کرده‌اند:

۱. استفاده از توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود می‌باشد که در برابر تهدیدهای واقعی و یا احتمالی برای حفظ و تکامل الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی است.^۱

۲. امنیت اجتماعی شخص به معنای امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت اجتماعی شخص می‌باشد که از جانب افراد و دیگر گروه‌ها، موقعیت فرد و اجتماع مورد تهدید قرار نگیرد.

۳. امنیت اجتماعی به این معناست که «از آنچه به صورت طبیعی و خدادادی، یا به طریق عادلانه به دست آمده و با عوامل اجتماعی تهدید نشود و آنچه را نداریم بتوانیم بدون خوف به صورت عادلانه به دست آوریم».^۲

از جهتی تعریف امنیت اجتماعی به نوعی همان تعریف امنیت است. اگر بخواهیم یکی از تعاریف امنیت اجتماعی را انتخاب کنیم که هم شامل امنیت اجتماعی و امنیت شود، همین سوم است. چون که تعریف درستی که از امنیت می‌توان برداشت کرد و با توجه به اینکه امنیت و امنیت اجتماعی تعریفی نزدیک به هم دارند، تعریف سوم، تعریف مناسبی است.

در اینجا می‌توان تعریف دیگری از امنیت اجتماعی ارایه کرد. امنیت اجتماعی به بیان رسمیت و شناختن گروه‌ها و جمع‌های اجتماعی است که افراد به جهت تعلق و وابستگی به آنها

۱. منیژه نویدنیا، امنیت اجتماعی روایتی جامع، مطالعات راهبردی، ص ۷.

۲. علی اصغر همتیان، امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی، ص ۴۶.

خود را عضوی از آن دانسته و به دلیل مشترک داشتن در منافع و سرنوشت نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کنند، امنیت اجتماعی، نقش هویت‌سازی برای افراد جامعه دارد. امروزه امنیت در علوم اجتماعی اقسام مختلفی دارد و در معنای خاص خود به کار می‌رود. در زیر به اقسامی از امنیت با تعاریف مختصری اشاره می‌کنیم.

امنیت شخصی و فردی

«به معنای امنیت فرد در زندگی خود و سلامت جسم و صحت فرد و شهرتی که دارد در حد و محدودیتی که قانون مقرر داشته است.»^۱ «به معنای وثیقه و ضامن هم آمده است.»^۲ امنیت فردی، عنصری است از عناصر آزادی افراد به اینکه آنان از حبس و بازداشت و کیفرهای استبدادی در امان باشند.»^۳

امنیت عمومی

«فعالیت حکومتی است که هدفش استقرار امنیت در کشورها می‌باشد و این فعالیت‌ها متضمن کارها و اعمال دفاع اجتماعی و مدنی، تنظیم عبور و مرور، رعایت آداب عمومی و اطفای حریق‌ها می‌باشد.»^۴ استقرار امنیت، صفتی لازم برای تولید و آسایش (همگانی) است.

۲. انتظار و خداآوری

از راهکارهایی که می‌توان برای امنیت اجتماعی و کمک به آن استفاده کرد، انتظار و خداآوری است. یکی از این راه‌هایی که انتظار در کنار خداآوری به ما می‌آموزد و ما در اینجا به آن می‌پردازیم خودشناسی است.

الف) خود شناسی

برای بشر که فطرتاً دارای حب ذات است، طبیعی است که به خود بپردازد و در حال تلاش و کوشش برای شناخت کمالات خویش و برای رسیدن به آن باشد، پس خود شناسی و ضرورت

۱. حارث سلیمان الفلوقی، المعجم القانونی، ص ۶۳۰

۲. همان.

۳. احمد زکی بدوی، معجم مصطلحات العلوم الاجتماعیه، ص ۳۷۰.

۴. همان.

آن بدیهی و طبیعی است و همیشه این سؤال را از خود پرسیده است که از کجا آمده و بعد از مدتی زندگی کجا می‌رود. خودشناسی راهی است برای خداباوری فرد و تا خود را نشناسد نمی‌تواند به خداباوری برسد و اگر خود را شناخت، مقام و ارزش او در اجتماع بالا می‌رود و مواظب رفتار، کردار و حرف‌زدن خود می‌باشد. اگر افراد جامعه به خودشناسی برسند به خداباوری هم می‌رسند و با اعمال درست خود به امنیت اجتماعی جامعه خود کمک فراوانی می‌کنند و اگر به خودشناسی نرسند، زندگی پوچ و بی‌هدفی دارند و با این غفلت و سرگرمی‌های دنیا راه تکامل و سعادت و خوشبختی خود را از دست داده و به انحراف کشیده می‌شوند و این بزرگ‌ترین ناامنی برای اجتماع است اگر جامعه به خودشناسی نرسد خداباوری ندارد و امنیت اجتماعی جامعه از بین می‌رود.

«شناخت و معرفت انسان به خود، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ادیان توحیدی، به ویژه در دین اسلام از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. علامه مصباح یزدی خودشناسی را یکی از مهم‌ترین مسائل ادیان دانسته است که باعث می‌شود انسان را به حقائق طبیعت و اسرار خلقت رهنمود کند.»^۱

«همه تلاش‌های انسانی، اعم از علمی و عملی، برای تأمین لذایذ و منافع و مصالح انسان انجام می‌گیرد. پس شناختن خود انسان و آغاز و انجام او و همچنین کمالاتی که ممکن است به آنها نایل گردد، مقدم بر همه مسائل، بلکه بدون شناختن حقیقت انسان و ارزش‌های واقعی او، دیگر بحث‌ها و تلاش‌ها بیهوده و بی‌پایه است.»^۲ می‌شود از انتظارمطلوب کمک گرفت. اگر به دنبال فرهنگ انتظار باشیم در مسیر انتظار، اولین چیزی که به ما یاد می‌آموزد، شناخت خود و به عبارتی خودشناسی است. اگر فرد خود را خوب بشناسد به جایگاه انسانیت، قرب مقام خود پی می‌برد و گمشده خود را پیدا می‌کند. در اینصورت شخصیت خود را می‌شناسد و برای خود و انسانیت، کرامت خود، احترام و ارزش قائل است. چنین شخصی می‌تواند امنیت اجتماعی جامعه خود را بسازد.

۱. محمدتقی مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص ۲۰.

۲. همان، خودشناسی برای خودسازی، ص ۹.

«می‌توان گفت خودشناسی، یعنی اینکه انسان به هویت و حقیقت انسانی و جایگاه رفیع خویش در هستی واقف گردد و بداند که خالق هستی، سرمایه‌های ارزشمند و به عبارتی ذخایری در اختیار او گذاشته است که تعالی و تکامل او را فراهم می‌کنند.»^۱

«اصراری که ادیان آسمانی و پیشوایان دینی و علمای اخلاق، بر خودشناسی و به خودپدازی دارند، همگی ارشادی است به همین حقیقت فطری و عقلی قرآن شریف، فراموش کردن نفس را لازمه فراموش کردن خدا میدشود.»^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «**من عرف نفسه، عرف ربه**»^۳ کسی که خودش را شناخت، پروردگارش را شناخت».

در احادیث اسلامی در مورد شناخت، بر مسئله خودشناسی و شناخت نفس تأکید فراوانی شده است و از خودشناسی به عنوان کلید جهان‌شناسی و خداشناسی یاد شده است و روایاتی در باب خودشناسی و جایگاه آن بیان گردیده که خودشناسی چقدر اهمیت دارد. پس اولین درجه و اولین راه برای یک منتظر حقیقی و یک انتظار درست، شناخت خود است و اگر می‌خواهد به درجه منتظر حقیقی برسد باید اول خود را بشناسد، چرا که شناخت خود، راه و مسیری است برای شناخت معبود خود و منظور از خودشناسی، شناختن انسان از نظر استعدادها و نیروهایی است که او را در راه تکامل انسانی کمک می‌کنند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است که شناخت خود باعث شناخت خداوند می‌شود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «عجبت لمن ینشد ذاته...»^۴ در شگفتم از کسی که گمشده‌اش را می‌جوید در حالی که خود را گم کرده است و نمی‌جویدش».

روایت دیگری از حضرت علیه السلام که می‌فرماید: «افضل المعرفة، معرفة الانسان نفسه»^۵ برترین شناخت، شناخت انسان از خویش است».

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، خودشناسی برای خودسازی، ص ۹.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۰.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۱۰. «عجبت لمن ینشد ذاته و قد اضل نفسه فلا یطلبها».

۵. همان.

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۱ کسی که خود را نشناسد در حقیقت خدای خود را هم نشناخته است». حضرت در روایت دیگر راجع به اهمیت شناخت خود، می‌فرماید: «لا معرفة کمعرفتک بنفسک»^۲ هیچ شناختی مانند شناخت تو از خویش نیست.»

از این روایت، اهمیت شناخت نفس خود روشن می‌شود و در تکامل انسان به سوی خداواری مؤثر است. نقش خودشناختی از هر شناخت دیگری در تکامل و پیشرفت انسان بیشتر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «من عرف نفسه کان لغيره...»^۳ آنکه خود را بشناسد، غیر خود را بهتر می‌شناسد.» پس شناخت خود برای شخص منتظر ضروری است تا از اطراف و جامعه خود غافل نباشد، چرا که انسان بزرگ‌ترین آیات الهی و بهترین آینه‌ای است که می‌توان به وسیله آن خداوند متعال را دید، هر آنچه انسان در آینه خود بنگرد و خود را خوب بشناسد سبب شناخت خداوند متعال می‌شود، چون که خودشناسی کلید و راه خداشناسی است.

وقتی منتظر به این درجه خودشناسی رسید و در راه شناخت به خداواری رسید، این نه تنها باعث امنیت درونی خود می‌شود، بلکه به خاطر رسیدن به این معرفت و درجه از شناخت همیشه و در هر حال وظیفه منتظر را انجام می‌دهد و خود را همیشه در محضر معبود و حجت الهی می‌بیند و از هر کار و حرکت و افعالی که مورد رضایت خداوند و امام زمان علیه السلام خود نیست، نه تنها پرهیز می‌کند بلکه دیگران را هم از آن عمل آگاه می‌نماید. منتظر همیشه در این فکر است که برای زمینه‌سازی ظهور حضرت علیه السلام گام بردارد، که چنین روحیه‌ای به خودشناسی رسیده است و به خودسازی می‌پردازد و حتی به دگرسازی هم می‌اندیشد. دوری از افعالی که موجب به هم‌زدن آرامش افراد و جامعه شود، این خود بهترین امنیت است که برای جامعه به ارمغان می‌آورد و جامعه‌ای که در آن گناه و هرج و مرجی نباشد، در آن جامعه، احساس امنیت می‌شود و می‌توان امنیت را در آن دید و یکی از وظایف منتظر امام زمان علیه السلام که در حال

۱. همان.

۲. همان.

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، واژه معرفت «من عرف نفسه کان لغيره أعرَف».

زمینه‌سازی ظهور است و تأثیر فراوانی در امنیت جامعه دارد، خودسازی است که باعث تأثیرگذاری و جذب افراد جامعه شده و این امر امنیت اجتماعی را در پی دارد.

انسان باید خود را خوب بشناسد که همین شناخت خود سبب خداباوری می‌شود و هر کسی خداوند متعال را باور کرد در درون خود آرامش و امنیت خاطر دارد و برای جامعه خویش هم امنیت می‌آورد و طبق روایت «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌شود گفت انتظار و تأثیر آن بر خداباوری سبب امنیت در جامعه شده، شخص منتظر می‌تواند جامعه امن را برای ظهور آماده و زمینه‌سازی کند. پس منتظری که در تمام اعمال و اوقات و لحظات زندگی خود را به خاطر رضایت و نگاه منتظر انجام می‌دهد و به امید و رضایت او گام برمی‌دارد و همیشه و در هر حال به یاد منتظر به سر می‌برد، چنین انتظار مطلوب، بر خداباوری او تأثیر فراوانی می‌گذارد، چرا که مطیع فرمان امام زمان علیه السلام خود بودن و منتظر حقیقی شدن سبب تقرب او به درگاه خداوند متعال گردیده و او را به درجه عبودیت می‌رساند و مزه عبودیت و بندگی را به او می‌چشاند.

ب) توحید

گسترش توحید و یکتاپرستی در جامعه، کارکردهای فراوانی دارد. یکی از آن کارکردها، امنیت اجتماعی، هم‌دلی همکاری و وحدت جامعه می‌باشد. توحید باعث از بین رفتن فسق، فجور و شرک و ظلم‌ها شده و سبب برپایی فرهنگ درست و اعتقاد به باورهای درست در جامعه می‌شود. در سایه توحید که یگانه‌پرستی و دین‌داری در جامعه شکل می‌گیرد به امنیت اجتماعی و شکل‌گیری باورهای صحیح در جامعه کمک می‌کند. یکی از این باورها که باعث شناخت توحیدی جامعه از می‌شود فرهنگ انتظار مطلوب است. از راه‌های خداباوری و رسیدن به تکامل افراد، توحید باوری است. توحید زیر بنای همه ادیان الهی به خصوص دین مبین اسلام است. همه انبیا یک هدف برای رسالت خود داشتند و آن مسئله توحید است، همه پیامبران از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یک هدف مشترک داشتند و آن برافراشتن پرچم توحید و دعوت به پرستش توحید بوده است. اگر جامعه، توحیدمحور و توحیدپذیر باشد در جامعه انحراف‌های اعتقادی، فرقه‌های انحرافی، و ظلم ستم و زشتی دیده نمی‌شود. وقتی ایمان به یگانگی خداوند متعال باشد به فرامین الهی عمل می‌شود و به

حجت‌های الهی که مریبان و راهنمایان جامعه‌اند برای رسیدن به سعادت و تکامل جامعه آمده‌اند احترام قائل بوده و از آنان پیروی می‌کنند.

«امام صادق علیه السلام اولین علم و معرفتی را که همه مردم باید به آن آگاه باشند، خداشناسی (توحید) می‌دانند.»^۱

«منظور از شناخت خداوند رسیدن به حقیقت ذات باری تعالی نیست؛ زیرا شناخت ذات او به هیچ وجه در حیطه علم ممکنات قرار نمی‌گیرد.»^۲

«مهم‌ترین کارکرد اجتماعی توحید و یکتاپرستی، ایجاد جامعه سالم و عدالت‌پیشه است. جامعه‌ای که بر عنصر یگانگی خدا بنا نهاده شود، به این بینش و نگرش دست می‌یابد که خداوند همه را به یکسان و از خلقتی واحد آفریده است. بنابراین، هرگونه اختلاف از نظر نژادی و یا برتری‌های دیگری از این دست، در اندیشه و بینش توحیدی مردود شمرده می‌شود و نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به جامعه و افراد انسانی، نگرش مثبت و سازنده خواهد بود.»^۳

اگر جامعه اطاعت‌پذیری داشتند و سخنان حجت‌های الهی را سخنان خداوند می‌دانستند، چنین جامعه‌ای وحدت داشته و موحد خواهد بود و در برابر شیاطین درونی و خروجی مقابله می‌کند و برای جامعه‌ای سالم، آرام بخش و امنیت اجتماعی تلاش و کوشش کرده و به فرامین حجت‌های الهی که راهنما و رهبران جامعه هستند گوش فرامی‌دهند. چنین اجتماعی با این ویژگی‌ها مدینه فاضله و جامعه توحیدی است که امنیت اجتماعی را در پی دارد. توحید با فرهنگ انتظار سبب امنیت اجتماعی خواهد شد.

«دورکهایم با تعابیر فوق، ظهور مناسک و مذاهب جدید را متناسب با شرایط روز جامعه مورد اشاره قرار می‌دهد، چرا که اندیشه وی، اصولاً جامعه‌پیدایش اعتقادات را هم آسان‌تر می‌کند؛ زیرا افراد در هیجان ناشی از اعیاد و جشن‌های اجتماعی، نسبت به هم نزدیک‌تر شده نوعی هم‌دلی با هم پیدا می‌کنند.»^۴

۱. کلینی، کافی، ج ۸ ص ۵۰.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۴۷.

۳. محمدتقی ربانی، «جامعه موعود صالحان، الگوی جامعه توسعه یافته»، پژوهش‌ها مهدوی، ش ۱۵، ص ۸۸.

۴. جابر دانش، جامعه‌شناسی دین، ص ۲۹۳.

پس توحید پرستی در امنیت اجتماعی مؤثر و اثرگذار است. اگر جامعه‌ای بخواهد توحیدی باشد و زیر پرچم توحید که همان یگانگی خداوند متعال است زندگی مطلوب و سعادت‌مندی داشته باشد باید با فرهنگ انتظار آشنا و به برنامه‌های آن عمل کند، چرا که یکی از برنامه‌های انتظار دعوت مردم به تقوا و فقط پرستش خداوند متعال و دوری از بت‌پرستی و اعمال زشت است. فرهنگ انتظار مطلوب، باعث پاک‌سازی جامعه می‌شود و مسیر امنیت اجتماعی جامعه را برای زمینه‌سازی ظهور آماده می‌کند.

پس می‌توان از نگاه انتظار به توحید نگاه کرد و منتظر از راه انتظار که به توحید و خداآوری رسیده باعث می‌شود جامعه از منتظرانی تشکیل شود که برای زمینه‌سازی ظهور می‌کوشند، چنین فرهنگی ناخودآگاه موجب امنیت اجتماعی می‌گردد، وقتی افراد جامعه به وسیله توحید و فرهنگ انتظار به خداآوری رسیدند باعث جلوگیری از فساد در اجتماع می‌شوند و در نتیجه امنیت اجتماعی را برقرار می‌کنند و در جامعه‌ای با فرهنگ انتظار زندگی مطلوبی که مورد رضای حجت الهی باشد خواهند داشت، چنین افرادی زیر پرچم توحید حرکت می‌کنند و این سبب زمینه‌سازی ظهور خواهد شد، پس می‌توان گفت، توحید پرستی در امنیت اجتماعی مؤثر و اثرگذار است.

مهم‌ترین اعتقاد عنصری که در اسلام باعث امنیت در جامعه می‌شود بحث اعتقاد و خداآوری است، اجتماعی که به وجود خداوند داشت و خداوند را تنها و یگانه معبود دید چنین اعتقادی سبب وحدت و همدلی و یک‌رنگی و اتحاد و انسجام جامعه خواهد شد که نتیجه آن صلح، آرامش، صمیمیت و امنیت است. توحید همراه فرهنگ انتظار است که باعث امنیت اجتماعی و زندگی‌های مطلوب و آرام بخش می‌گردد. انتظار باعث می‌شود که نگاه منتظر توحیدی شود و تنها خود را بنده خدای یگانه بداند و فقط برای او عبادت و بندگی کند و به خاطر دستور او مطیع و فرمان‌بر حجت الهی شود و این منتظر در همه حال مواظب و مراقب نفس خود است تا رضایت مولای خود را به دست آورد و همین اعتقاد و باور، سبب هم‌گرایی افراد و صلح صفا و آرامش و امنیت جامعه می‌گردد.

ج) معاد

معاد از «عود» گرفته شده و در لغت به معنای رجوع و بازگشت است.^۱ چون اسم زمان و یا مکان است، به معنای بازگشت به سوی یک مکان یا زمان است و در قرآن کریم کلمه معاد به معنای مکان رجوع به شمار رفته است. «انَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِكِ الْيَوْمِ»^۲.

و در بعضی جاها به معنای قیامت آمده است. «انَّهٗ هُوَ يَبْدِئُ وَّ يَعِيدُ»^۳. یعنی زنده شدن پس از مرگ و بازگشت به همان روز اول است که در قیامت دوباره همه زنده می‌شوند تا اعمال خود را ببینند، این زنده شدن پس از مرگ را هم معاد می‌گویند.

اهمیت معاد

بحث ما در مورد معاد نیست، اما از این منظر نگاه می‌کنیم که انتظار و خداباوری در امنیت اجتماعی مؤثر است، و ما در اینجا از رابطه انتظار با معاد بحث می‌کنیم که اعتقاد به معاد، بر امنیت اجتماعی تأثیر دارد، حال قبل از ورود به بحث از اهمیت و تأثیر معاد به طور مختصر از رابطه آن با انتظار بحث می‌کنیم.

«زندگی دنیا نمی‌تواند هدف نهایی آفرینش انسان باشد، زیرا حیاتی است موقت، کوتاه و آکنده از مشکلات و سختی‌ها و سرانجام آن نیستی و نابودی است. بنابراین، اگر معادی در کار نبوده، حیات انسان محدود در زندگانی دنیوی باشد، خلقت انسان عبث و بیهوده و بدون غایت خواهد بود.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «افحسبتم انما خلقناکم عبثا...؟^۴ آیا پنداشتید شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید.»

۱. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۳۶۴.

۲. البروج، آیه ۱۳.

۳. مؤمنون، آیه ۱۱۵.

هدف از خلقت و آفرینش انسان، بیهوده و عبث نیست اگر جامعه‌ای با چنین بینش و اعتقادی (بیهوده و عبث بودن خلقت) زندگی کند، اجتماعی ناامن و پر از هرج و مرج و فساد و ناهنجاری‌ها داشته و اجتماعی کسل‌آور و بی‌نشاط و خسته‌کننده‌ای خواهد داشت.

پرفسور یونگ که از اساتید بزرگ روان‌کاوی غرب است می‌گوید:

«دو سوم بیماری‌هایی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‌اند افراد تحصیل کرده و موفقی هستند که درد بزرگ یعنی (پوچی) و (نامفهومی) و بی‌معنی بودن زندگی، آنها را رنج می‌دهد. مطلب آن است که بر اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوتاه‌نظری و تعصب، بشر قرن بیستم (لامذهب) است و سرگشته در جستجوی روح خود است و تا مذهبی نیاید آسایش ندارند و بی‌مذهبی، پوچی و بی‌معنی بودن زندگی را موجب می‌شود.»^۱

(ب) تربیت و معاد

اعتقاد به معاد می‌تواند بر امنیت اجتماعی تأثیر بگذارد و جامعه‌ای امن بسازد. یکی از فواید اعتقاد به معاد، مسئولیت‌پذیری است. جامعه‌ای که مسئولیت‌پذیری نداشته باشند، همین عامل سبب از بین رفتن امنیت و کم‌رنگ شدن ایثار، همیاری و هم‌دلی اجتماعی می‌شود.

«یک عامل بازدارنده قوی در برابر گناه و خطاکاری و هم‌یک عامل محرک و نیرومند برای تشویق سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به خلق خدا و نیکی‌ها گردد. اثراتی که ایمان به عالم پس از مرگ می‌تواند در اصلاح افراد فاسد و منحرف و تشویق افراد فداکار و مجاهد و لایق داشته باشد به مراتب بیشتر از اثرات دادگاه‌ها و کیفرهای معمولی و بیش از پاداش‌ها و تشویق‌های عادی است.»^۲

بدیهی است که معاد نقش بسیار مهمی در اعمال و رفتارهای ما دارد، زیرا این اعمال و رفتارهای ما از عقاید سرچشمه می‌گیرد و این شخص معتقد است که خداوند متعال حاکم و آگاه، به تمام امور بیناست، و اعمال خوب و بد انسان‌ها را می‌بیند، چنین شخصی از گناه و ناپاکی‌ها دوری می‌کند و برای رضایت خداوند متعال اعمال و رفتارهای نیک انجام می‌دهد. چنین اعتقادی سبب می‌شود شخص همیشه مواظب اعمال خوب و بد خود باشد و به اصلاح

۱. ر.ک. محمدتقی فلسفی، معاد از نظر روح و جسم، ج ۱، ص ۴۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، معاد و جهان پس از مرگ، ص ۶۰.

خود بپردازد و از خود غافل نباشد؛ همیشه گناه را سم مهلک و باعث دوری او از معبود خود بداند، پس انسان آگاه معتقد هیچ وقت کاری نمی‌کند که سبب دوری او از معبودش شود. «تأثیر اعتقاد به معاد در زندگی فردی و اجتماعی انسان منحصر نمی‌شود، بلکه آثار اجتماعی نیز به دنبال دارد. در جامعه‌ای که ایمان به معاد زنده است، افراد، اهتمام بیشتری به حفظ حقوق دیگران دارند و مفاسد اجتماعی از جمله مفاسد حقوقی، اقتصادی، اخلاقی و... کمتر به چشم می‌خورد.»^۱

حال این انتظار و خداباوری چقدر در امنیت اجتماعی مؤثر است، با توجه به بحث مختصری که از معاد داشتیم می‌توان گفت انتظار و خداباوری، نقش و تأثیر فراوانی بر امنیت دارد. انتظار، باعث شناخت معاد و اعتقاد به معاد می‌شود، چون انتظار باعث می‌شود که فرد از پوچی، بیهودگی خلاص یابد و در عوض امید، نشاط و برنامه زندگی دنیوی و اخروی داشته باشد. معاد هم باعث می‌شود که فرد، احساس پوچی و بیهودگی نکند و برای دنیا و آخرتش تلاش و کوشش کند، همین امید به جهان دیگر، فرد را از پوچی و تهی‌بودن نجات می‌دهد، انتظار باعث شناخت معاد شده و او را برای ساختن دنیای دیگر به تلاش و کوشش وا می‌دارد. یکی دیگر از فواید انتظار یاد معاد است، چرا که منتظر همیشه مراقب اعمال و رفتارهای خود است و همیشه در پی رضایت خداوند متعال و خوشحال کردن حجت الهی است که او را ناظر بر اعمال خود می‌داند، زیرا به واسطه او به معاد شناخت پیدا کرده و به روز حساب اعتقاد دارد، به اعمال و رفتارهای خود رسیدگی می‌کند. فرهنگ انتظار سبب استحکام او در اعتقاد به معاد شده و به زندگی او امید، نشاط و شادی می‌بخشد، انتظار موجب رساندن بندگان به تکامل و عبودیت و بندگی خداست. وقتی منتظر با چنین اعتقادی حرکت می‌کند و همیشه خود را در محضر خداوند متعال می‌بیند ولی خدا را ناظر اعمال می‌داند، مواظبت بر اعمال و رفتار خود و اجتناب از گناه و رعایت حقوق جامعه و خدمت‌رسانی به آنان را جزء عبادت می‌داند، چنین بینشی باعث امنیت اجتماعی می‌شود و زندگی مطلوب را برای افراد به ارمغان می‌آورد.

۱. حسن محیطی اردکان، نقش آموزه معاد در باسازی علوم انسانی دستوری، ص ۶۲.

۳. نگاه انتظار به مسئولیت پذیری در امنیت اجتماعی

مسئولیت پذیر بودن یعنی در برابر خودمان باید پاسخگو باشیم، مسئولیت پذیری به یک الزام و تعهد درونی از طرف فرد برای انجام همه فعالیت‌های مطلوبی که دارد، بر عهده او گذاشته شده و از درون فرد سرچشمه می‌گیرد.

مسئولیت به معنای تعهد و ضمانت نیز می‌باشد. در حقیقت، مسئولیت از جمله مفاهیمی است که درباره انسان گفته می‌شود. هر زمانی که از انسان فعل یا رفتاری سر زدند این مفهوم بیشتر نمایان و پررنگ‌تر می‌شود. پس مسئولیت، مفهومی است که بشر همواره در زندگی‌های فردی و اجتماعی خود با آن در ارتباط است. مسئولیت‌پذیری گستره وسیعی دارد که می‌توان در حوزه‌هایی از قبیل ارتباط با معبود و خالق، خانواده و حتی محیط زیست که یکی از مباحث مهم اجتماعی است تعریف کرد. کمال و رشد انسان چه از لحاظ روحی جسمی یا فردی و اجتماعی در مسئولیت‌پذیری دخیل و نقش مهم و اساسی دارد. مسئولیت‌پذیری نسبت به مسائل اجتماعی و جامعه تأثیر گذاری مفیدی دارد و می‌توان با مسئولیت‌پذیری و با تعهد و ضمانت به آن به امنیت جامعه کمک کرد. انتظار که یکی از معیارهای مهم و اساسی است باید در وجود هر منتظری باشد و مسئولیت‌پذیری و از آن مهم‌تر تعهد و ضمانت داشتن و پایبند بودن به آن بسیار مهم است. و منتظر باید مسئولیت خود را به خوبی و دور از نقص انجام دهد. این بهترین کمک به امنیت اجتماعی است. چون جامعه به مسئولیت‌پذیری نیاز دارد و با انجام مسئولیت-پذیری و انجام وظایف امنیت اجتماعی تأمین می‌شود.

«بشر موجودی است که به تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی، مانند خوراک، پوشاک، مسکن و غیره نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی، مانند دوستی و مهرورزی، نیازمند فردی است که او را دوست بدارد و او نیز آن را دوست داشته باشد. انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است و بسیاری از موهبت‌های زندگی خویش را در گرو جامعه می‌بیند. در سایه تعامل با اجتماع از غم تنهایی رها می‌شود.»^۱

۱. رضا باقی زاده، مسئولیت‌شناسی (آشنایی با سبک زندگی اسلامی)، ص ۳۴.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ...؛^۱ ما امانت [تعهد، تکلیف، ولایت الهی و مسئولیت] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آنها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند، اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود [قدر دان این نعمت نبود به خود ظلم کرد].»

خدای متعال برای تکامل بشر و به کمال رسیدن او تکالیفی به وسیلهٔ رسولان و حجت‌های خود برای بندگان ابلاغ فرموده است از جمله و مهم‌ترین تکالیف بندگی، اطاعت از خدای تعالی است. انسان در اجتماع زندگی می‌کند و زندگی او در اجتماع از نیازها و لوازم او است. اگر افراد جامعه هر کدام به نوبه خود به وظایف، تکالیف و مسئولیت‌های خود عمل کنند، جامعه‌ای سالم، پاک و از هرگونه آلودگی خواهیم داشت که این موجب امنیت اجتماعی جامعه می‌شود و انسان در جامعه و محیط پاک بهتر می‌تواند به معنویت بپردازد. انتظار مطلوب، وظایفی همچون انجام تکالیف، تعهد در برابر وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی را به منتظران تأکید می‌کند تا باعث رشد و به تکامل رسیدن فرد شود. پس فرهنگ انتظار تعهد در برابر مسئولیت و انجام تکالیف خود (تکلیف الهی و یا تکالیفی که جامعه بر عهده او گذاشتند) را می‌آموزد و با این فرهنگ می‌توان به امنیت جامعه رسید.

الف) مسئولیت در برابر خانواده

یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌ها در برابر خانواده، احترام و کمک به والدین است. احترام به والدین آن قدر با ارزش و مهم است که خداوند متعال به آن سفارش فرموده است و حتی پیشوایان دین ما هم به آن سفارش فراوانی کرده‌اند. خانواده، نقش بسیار مهمی در تأمین نیازهای روانی، روحی، جسمی، عاطفی و اجتماعی دارد که باعث پیدایش شخصیت و هویت فرد شده و رشد و پیشرفت استعدادها و توانمندی‌های فرد می‌شود.

۱. احزاب، آیه ۷۲، «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.»

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و بالوالدین أحساناً؛ به پدر و مادر خود نیکی کنید.»^۱

در جای دیگر می‌فرماید: «و لا تقل لهما أف؛ به پدر و مادر خود اف هم نگویند.»^۲ این فرمان احترام به پدر و مادر فقط مختص به دین مبین اسلام نبوده در ادیان دیگر هم به این مطلب سفارش شده است: «و إذ أخذنا ميثاق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله و بالوالدین إحساناً؛^۳ و چون از فرزندان اسرائیل پیمان گرفتیم جز خدا را نپرستند و به پدر و مادر... احسان کنید» و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید.»

خداوند متعال احترام والدین را در کنار عبادت خود آورده که این نشانگر احترام، ارزش، جایگاه و اهمیت خدمت به والدین است. که هر فرزندی در برابر والدین، وظیفه‌ای سنگین و تکلیف بزرگی بر عهده دارد و آن تکلیف، احترام به والدین است. اگر فرد از فرهنگ انتظار بهره‌مند بشود یکی از مهم‌ترین وظایفی که بر عهده او قرار می‌گیرد مسئولیت در برابر خانواده است، چرا که برای امنیت جامعه به خانواده‌ای سالم نیاز است تا بتوان در برابر مسئولیت‌های جامعه موفق شد.

مسئولیت در برابر همسر، فرزندان و رسیدگی و مراقب تربیت آنان بودن سبب می‌شود آنان هم مسئولیت و وظیفه‌های خود را به خوبی انجام دهند که این امر سبب زندگی با نشاط و گرم در خانواده می‌شود.

اگر در خانواده پدر نسبت به تربیت فرزندان کوشا و جدی باشد و این مسئولیت را به خوبی انجام دهد سبب می‌شود، این تربیت در جامعه هم اثرگذار باشد و با تربیت درست فرزندان و انجام مسئولیت‌پذیری درست، فرزندی مفید و ثمربخش به جامعه تحویل شود تا آنها هم

۱. اسراء، آیه ۲۳. «و بالوالدین احسانا.»

۲. همان «و قضی ربک ألا تعبدون إلا إیاه وبالوالدی إحساناً إمّا یبلغن عندک الکبر أحدهما أو کلاهما فلا تقل لهما أف و لا تنهرهما وقل لهما قولاً کریماً.»

۳. بقره، آیه ۸۳ «و إذ أخذنا ميثاق بني اسرئیل لا تعبدون إلا الله و بالوالدین إحساناً و ذی القربی و الیتامی و المساکین.»

بتوانند برای جامعه خود مفید بوده به امنیت و آرامش جامعه کمک کنند و در آینده‌ای نزدیک مسئولیت‌پذیر باشند و به جامعه و هم‌نوعان خود خدمت کنند.

بی‌مسئولیتی نسبت به خانواده سبب سستی بنیاد خانواده و سرد شدن کانون گرم آن و حتی جدایی خانواده از هم می‌شود و این بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی را در بر دارد و موجب ناامنی در خانواده و محیط زندگی همسایگان هم می‌شود، چنین رفتاری عملکرد جامعه را ناامن می‌کند. پس با مسئولیت‌پذیری در برابر خانواده می‌توان امنیت و آرامش را در جامعه به ارمغان آورد و انتظار اهمیت فراوانی به کانون گرم و بانشاط خانواده می‌دهد. یکی از درس‌های انتظار برای منتظران، مسئولیت‌پذیری است که از ویژگی‌های مهم هر منتظر می‌باشد. کسی که مسئولیت‌پذیر نباشد منتظر هم نمی‌تواند باشد. منتظر باید در وهله اول نسبت به خانواده خود مسئولیت‌پذیر باشد. برای جامعه سالم با امنیت، نیازمند خانواده سالمی است، چرا که خانواده‌ای که دارای افرادی سالم و مسئولیت‌پذیرند به امنیت اجتماعی هم کمک می‌کنند. پس فرهنگ انتظار می‌آموزد که افراد جامعه نسبت به خانواده خود مسئولیت‌پذیر باشند و مسئولیت خود را به درستی انجام دهند تا بتوانند به امنیت جامعه کمک کنند.

ب) مسئولیت در برابر جامعه

سرنوشت فرد و هر جامعه‌ای به دست افرادی است که مسئولیت‌پذیر بوده و به وظایف خود عمل کنند و همیشه به فکر خدمت به مردم باشند چنین افرادی خدمتگذار مردم‌اند و در جامعه قابل اعتماد و محترم هستند. فرهنگ انتظار برای جامعه ارزش و اهمیت فراوانی قائل است، چرا که در یک جامعه و محیط سالم است که می‌شود به راحتی و بدون اضطراب اجتماع را با فرهنگ انتظار آشنا کرد و فضای جامعه را به سوی معنویات سوق داد. فضا و محیط سالم جامعه بسیار مهم و ضروری است. اگر محیط جامعه سالم نباشد مشکلات فراوانی به وجود می‌آید و افراد اجتماع نمی‌توانند به راحتی مسیر تکامل و سعادت را بیمایند و باید برای رسیدن به معنویت خود را از محیط‌های ناسالم دور کنند که این خود مشکل بزرگی است. اگر جامعه با فرهنگ انتظار آشنا باشد و به تکالیف و مسئولیت‌های خود عمل کند محیط جامعه آنان سالم و

آرام خواهد بود و از لحاظ روحی و روانی هم امنیت خواهند داشت. انتظار می‌تواند محیط سالم و با نشاط و شادابی را برای افراد جامعه ساخته، امنیت اجتماعی را به ارمغان بیاورد.

این روحیه و تقویت مسئولیت‌پذیری است که سبب تقویت روابط سطح جامعه و برطرف کردن مشکلات و برآوردن نیازمندی‌های مردم است، نیز مسئولیت‌پذیری سبب آرامش روانی و جسمی و امنیت جامعه و دوری از تفرقه و اختلافات می‌باشد.

دین مبین اسلام نسبت به مسئولیت افراد در جامعه، دارای گستره‌ای از رفتارهای اجتماعی افراد در جامعه می‌باشد، مانند یاری مستضعفان، رعایت حقوق، احترام به دیگران، انفاق، جهاد، ایثار و همچنین مشارکت در امور اجتماعی که بسیار مهم است، از قبیل اقامه نماز جمعه و جماعات، و حفظ آرامش جامعه با امر به معروف و نهی از منکر که باعث تقویت فرهنگ غنی اسلامی و دینی می‌شود.

چنین شخص مسئولیت‌پذیری که به وظایف خود متعهد است می‌تواند برای جامعه بسیار مفید و ثمربخش باشد و جامعه خود را به سوی پیشرفت سوق دهد و سبب آرامش و امنیت جامعه شود. امنیت هر جامعه از مسئولیت‌پذیری درست و به وظایف خود تعهد داشتن سرچشمه می‌گیرد. انتظار به منتظران می‌آموزد که مسئولیت‌پذیر باشند و به جامعه خود خدمت کنند. اگر جامعه‌ای دارای فرهنگ انتظار باشد افراد جامعه با شوق و اشتیاق، مسئولیت‌های جامعه را بر عهده می‌گیرند و نسبت به آن متعهد و وظیفه‌شناس هستند و این امر، امنیت اجتماعی را تضمین می‌کند. اگر افراد جامعه با فرهنگ انتظار آشنا باشند و روحیه انتظار داشته باشند، به فکر زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهند بود، و این نیازمند جامعه‌ای سالم و با نشاط است که در سایه مسئولیت‌پذیری افراد جامعه محقق می‌شود. فرهنگ انتظار به افراد جامعه روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر می‌دهد تا در برابر خود و افراد جامعه مسئولیت‌پذیر باشند، چرا که منتظر حقیقی، خود را زمینه‌ساز ظهور منتظر می‌داند و برای رضایت حجت الهی که در مسیر ظهور او گام برمی‌دارد باید روحیه‌ای مسئولیت‌پذیر در برابر خود و افراد جامعه داشته باشد تا جامعه را با فرهنگ مهدوی عجل الله تعالی فرجه و مباحث انتظار آشنا کند. مسئولیت‌پذیری در کنار فرهنگ انتظار می‌تواند به امنیت اجتماعی جامعه کمک فراوانی کند.

ج) مسئولیت و محیط زیست

یکی از مسائل مهم و ضروری که نشاط، آرامش و امنیت هر جامعه به آن بستگی دارد و از مباحث و دغدغه‌های روز جامعه است که به آن بی‌توجهی شده و اهمیت داده نمی‌شود، بحث محیط زیست است. بی‌اعتنایی به آن یکی از آفات بزرگی است که امنیت جامعه را متزلزل می‌کند.

افراد هر جامعه نه تنها در برابر رفتار هم مسئول‌اند، بلکه نسبت به محیط زیست که مسئله کلیدی هر جامعه است باید مسئولیت‌پذیر باشند. مسئولیت‌پذیری نسبت به این امر آثار فراوانی از لحاظ سلامتی و نشاط روانی و جسمی دارد و سبب کنترل آلودگی، سیلاب و خشکسالی شده هوای مناسب و پاک را به ارمغان می‌آورد.

«تبیین محیط زیست، ضرورت اهتمام به تأمین سلامت آن اصول مبادی زیست محیطی، راه‌های نیل به محیط سالم و بالأخره اهداف اصیل آن، از آن جهت که از حقوق اساسی بشر است از یک سو و از سوی دیگر جزء وظایف بشری است و تأمین آن از علوم انسانی پایه می‌گیرد و از قدرت‌های بشری مایه‌گیری می‌کند؛ چنان که تخریب آن نیز در اثر نشناختن حقوق بشر یا انجام ندادن وظایف بشری است. پیوند انسان با خود، رابطه انسان با انسان و بالاخره ارتباط انسان با جهان هرچند به نحو اختصار معلوم شود تا در پرتو آن ضرورت تحصیل محیط زیست سالم و لزوم حفظ آن روشن شود»^۱.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لا یطیب السکنی الا بثلاث، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذاب، و الأرض الخوراء»^۲ زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی گوارا نیست، هوای پاک و تمییز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصلخیز و قابل کشت و زرع».

خداوند متعال همه عناصری که برای زندگی انسان نیاز است برای او آفریده در اختیار او قرار داده است و اجتماع را برای نگهداری و محافظت از آن مکلف کرده است.

«سلامت محیط زیست، ارتباط تنگاتنگ با حیات سالم جامعه دارد، همان گونه که بهداشت و پیشگیری مقدم بر درمان و معالجه است، تأمین فضای سالم و محیط زیست مناسب نیز مقدم

۱. عبدالله جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۱۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۴.

بر جبران خسارت‌های ناشی از محیط زیست آلوده است. سالم نگه‌داشتن محیط زیست؛ یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا، کوه و دشت، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که ارتباط با حیات جامعه دارند.^۱

فرهنگ انتظار نقش بسیار مهمی در حفظ و نگهداری محیط زیست دارد. برای نشاط روحی و روانی جامعه، و استفاده سالم از تفریحات برای رفع خستگی، و آرامش روح و روان، باید به محیط زیست احترام گذاشت.

در اسلام نسبت به محیط زیست سفارش فراوانی شده است، مثلاً کاشتن درخت را اعمال خیر می‌داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «سبع یجری للعبد اجرهنّ و هو فی قبره بعد موته: من علم علماً أو أجرى نهراً أو حفر بئراً أو غرس نخلاً أو بنى مسجداً أو ورث مصحفاً أو ترک ولداً یستغفر له بعد موته»^۲ در این روایت شریف درختکاری در کنار آموختن دانش، ساختن مسجد، توریث قرآن یا کتاب علمی دیگر واقع شده و این نشانه اهتمام اسلام به درختکاری است. در اسلام به نگهداری، قطع نکردن و آبیاری آن دستور داده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من سقى طلحةً أو سدره فکانما سقى مؤمناً من ظمأ؛ هر کسی درخت محتاج به آبیاری را سیراب نماید گویا انسان مؤمن تشنه را سیراب نموده است.»

این روایت بیانگر آن است که اهمیت دادن به محیط زیست از عبادات است. جامعه‌ای که به دنبال امنیت اجتماعی است باید دارای نشاط روحی باشد و از این راه محیط زیست هم سالم می‌ماند.

«در نظام ارزشی اسلام همه اعمال نیک پایدار است، ولی برخی کارها به عنوان اعمال جاودانه و ماندنی مطرح شده‌اند، از جمله آثار خیر ماندنی، احیای محیط زیست، مانند درختکاری، حفر قنات یا چاه آب، سد سازی و دیگر فعالیت‌هایی است که بستر مناسبی را برای زیست بشر فراهم می‌کند.»^۴

۱. عبدالله جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۳۸.

۲. نهج الفصاحه، ص ۴۹۷.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲.

۴. عبدالله جوادی آملی، محیط زیست در اسلام، ص ۱۹۹.

فرهنگ انتظار به افراد جامعه می‌آموزد که در برابر حقوق دیگران احترام گذاشته و از نعمت‌های الهی به خوبی استفاده کنند و شکرگزار این نعمت الهی باشند یکی از راه‌های شکرگزاری از این نعمت طبیعت و محیط زیست، استفاده کردن از آن و کوشش در حفظ آن است. انتظار سبب نشاط روحی و روانی افراد و امنیت اجتماعی جامعه می‌شود.

بشر به خاطر اینکه موجودی اجتماعی است و به ارتباطات و رفت و آمد با جامعه نیاز دارد نسبت به هر آنچه با امنیت ملی ارتباط دارد، مانند معنویات، اعتقادات، مسئول بوده و در برابر آن متعهد است. فرهنگ انتظار مطلوب که نگاه ویژه‌ای به محیط زیست دارد که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است، این مسئولیت‌پذیری را به منتظر یاد می‌دهد که از این سرمایه که باعث سلامت روح و جسم جامعه است به خوبی محافظت و نگهداری کند و برای آبادانی آن بکوشد. منتظر که منتظر را ناظر بر اعمال خود می‌داند از هر چیزی که باعث ناراحتی ایشان می‌شود می‌پرهیزد و به تمام حقوق موجودات، چه افراد جامعه و چه حیوانات احترام می‌گذارد یکی از این حقوق، محیط زیست است که حق حیوانات است و اسلام تأکید فراوانی به حقوق حیوانات دارد. منتظر واقعی نه تنها به محیط زیست ضرر نمی‌رساند، بلکه مواظب و پشتیبان آن است، چرا که محیط زیست افرون بر اینکه از حقوق حیوانات است، برای سلامتی، نشاط و شادابی بشر هم مفید است اگر ما از فواید محیط زیست آگاهی داشتیم همواره نسبت به حفظ آن کوشا بوده و احساس مسئولیت می‌کردیم.

نتیجه

فرهنگ انتظار سبب می‌شود افراد جامعه مسیر درست زندگی را انتخاب کنند و برای رسیدن به آرمان‌های مهدوی، مدینه فاضله باید قبل از هر چیزی جامعه‌ای سالم با نشاط معنوی داشته باشند تا بهتر بتوانند به آرمان‌های بالایی که دارند برسند. انتظار درست (مطلوب) باعث زندگی مطلوب و امنیت اجتماعی می‌شود. با توجه به اینکه جامعه با فرهنگ مهدوی عجله فرم و با فواید و تأثیرات انتظار، زیاد مانوس نیستند، لذا در این مقاله به بخشی از تأثیرهای انتظار بر امنیت اجتماعی جامعه اسلامی پراخته شده است. اگر جامعه‌ای دارای فرهنگ انتظار درست باشد از فرهنگ‌های غلط، به ویژه فرهنگ غلط غرب جلوگیری می‌کند و باعث آرامش و نشاط و

شادابی در اجتماع خواهد شد و حتی افراد جامعه را از اضطراب و استرس‌ها دور می‌کند، یعنی فرهنگ انتظار هم تأثیر فردی دارد و هم اجتماعی، البته اگر فرد، فرد اجتماع از نعمت انتظار درست بهرمنند باشند همین‌ها هستند که جامعه خود را تشکیل می‌دهند و لذا در امنیت آن تأثیرگذارند. در این مقاله به تأثیر انتظار بر ارزش‌های اجتماعی و امنیت آنها پرداخته شده است که انتظار در خداآوری و امنیت جامعه و حتی در مسئولیت‌پذیری در برابر خود، خانواده، جامعه و محیط زیست اثرگذار است. اگر جامعه‌ای از فرهنگ انتظار برخوردار باشد در امنیت اجتماعی اثرگذار است و دارای جامعه‌ای سالم و مدینه فاضله خواهد بود.

منابع *قرآن

۱. آصفی، محمد مهدی، «انتظار پویا»، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۲. دانش، جابر، **جامعه‌شناسی دین**، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات**، مترجم: حسین خداپرست، ناشر نوید اسلامی، چاپ هفتم، بی‌تا.
۴. ربانی، محمدتقی، «جامعه موعود صالحان، الگوی جامعه توسعه یافته»، پژوهش‌ها مهدوی، ص ۸۸، ش ۱۵، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۵. زکی بدوی، احمد، **معجم مصطلحات العلوم الاجتماعیه**، بیروت، متبئ لبنان، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
۶. سید رضی، ترجمه جعفری محمد تقی، **نهج البلاغه**، نشر آثار جعفری، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۷. عبدی پور، حسن، **نقش اجتماعی انتظار**، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۸. فاروقی، حارث سلیمان، **المعجم القانونی**، مکتبه لبنان، چاپ اول، ۲۰۰۸ ق.
۹. فلسفی، محمدتقی، **معاد از نظر روح جسم**، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، مترجم: بهبودی، محمدباقر، غفاری، علی‌اکبر، انتشارات اسوه، بی‌تا، بی‌تا.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، مترجم: حمیدرضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۷۸ ش.
۱۲. محیطی اردکان، حسن، **نقش آموزه معاد در باسازی علوم انسانی دستوری**، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۴ ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی، **خودشناسی برای خودسازی**، قم، انتشارات مؤسسه پژوهشی امام خمینی، چاپ نوزدهم، تابستان ۱۳۹۴ ش.
۱۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی الکلمات القران**، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، **قیام انقلاب حضرت مهدی علیه السلام**، ناشر صدرا، چاپ چهل یکم، ۱۳۹۴ ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **معاد و جهان پس از مرگ**، انتشارات سرور، چاپ ششم، ۱۳۸۶ ش.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، **مهدی انقلاب بزرگ**، قم، نشر هدف، چاپ اول، ۱۳۵۷ش.
۱۸. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل مستنبط المسائل**، ناشر مؤسسه آل بیت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۹. نویدنیا، منیژه، **امنیت اجتماعی روایتی جامع**، ناشر مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۰. همتیان، علی اصغر، **امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی**، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.

بررسی ملاقات با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری (با عنایت بر آخرین توقیع امام زمان علیه السلام)

لیلا مرادی^۱

چکیده

از نظر سندی و دلالتی مناقشاتی از بزرگان - در توقیعی که امام زمان علیه السلام به آخرین نایب خود نوشته‌اند - وارد شده که در پاسخگویی به این نتیجه رسیدیم که این روایت از نظر سندی و دلالتی، معتبر و وقوع مرگ سمری در زمان تعیین شده از معجزات امام زمان علیه السلام محسوب می‌شود و از نظر امامیه، این خود دلیل قاطعی است که این توقیع از سوی حضرت حجت علیه السلام صادر شده است. و تعدد نقل در کتاب‌های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران، بدون اشاره به ضعف و رد آن را می‌توان یکی از شواهد - نه دلایل - اعتبار قرار داد. در مراد ادعای مشاهده در این توقیع چند احتمال وجود دارد: اول اینکه: ادعای دیدار با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورهایی از جانب ایشان است، دوم اینکه: فرد مدعی مشاهده، شاهد و دلیلی بر این ملاقات نداشته باشد، از آنجا که این دو نوع دیدار، زمینه را برای دکان‌های مدعیان دروغین باز می‌کند در توقیع، رد شده و مدعیان آن کذاب و افترا زننده به حضرت معرفی شده‌اند، سوم اینکه: فرد در صورت ملاقات و شناخت حضرت پرده از راز دیدار خود برنخواهد داشت و یا با ملاقات، حضرت را نمی‌شناسد که ادعای دیدار با حضرت را نماید. در این دو صورت که امکان دیدار حضرت وجود دارد، زمینه برای مدعیان دروغین باز نمی‌شود. از این رو این دیدارها با این توقیع منافاتی ندارد. نگارنده بر آن است به بررسی این امر که اگر ملاقات امام مهدی علیه السلام در عصر غیبت ممکن است با متن آخرین توقیع امام زمان علیه السلام چگونه قابل جمع است و با متن این توقیع چگونه ادعای مدعیان دروغین باطل می‌شود بپردازد. این مقاله به روش کتابخانه‌ای نوشته شده است.

واژگان کلیدی: ملاقات، امام زمان علیه السلام، غیبت کبری، توقیع.

مقدمه

از آنجا که مسئله مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له و قیام و انقلاب جهانی او و اینکه او پس از ظهور، سراسر جهان را پر از عدل و داد می‌کند چنان که پر از ظلم و جور شده است بارها از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام و همه امامان علیهم السلام نقل گردیده است، این امر سبب شده که این موضوع مورد توجه واقع شود و زمینه سوء استفاده از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و مباحث مهدویت را از اول قرن هجری فراهم آورد، به گونه‌ای که عده‌ای خود را مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له دانسته یا آنکه جمعیتی به مهدی موعود بودن شخصی - با اینکه آن شخص چنین ادعایی نداشت - اعتقاد یافتند. و این سوء استفاده‌ها در دوره خلافت عباسی به اوج خود می‌رسد.^۱

با توجه به اینکه مباحث مهدویت دارای جاذبه‌های سیاسی، فرهنگی، معنوی و اجتماعی است و مباحث مهدویت به برکت انقلاب اسلامی در ایران گسترش یافته و توجه مسلمانان به مباحث ویژگی یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه له، زمینه‌سازی ظهور، انتظار فرج و... بیشتر شده این امر سبب گردیده که مدعیان جدید با ترفندهای ویژه بروز نمایند و با استفاده از فضای مجازی و فن‌آوری‌های روز، به تحریک عواطف و احساسات عمومی بپردازند. و اولین اقدام مدعیان دروغین، ادعای باییت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و بعد ادعای مهدی بودن است، لذا برآن شدیم با عنایت به آخرین توقیع امام زمان که به آخرین نایب خود نوشتند که هر کس قبل از صیحه آسمانی و خروج سفیانی، ادعای دیدن مرا کند دروغگو است. به این پرسش پاسخ دهیم که آیا امکان دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در عصر غیبت ممکن است تا ادعای باییت شکل بگیرد و اگر امکان دارد، چگونه با این توقیع جمع می‌شود و با بیان نحوه ملاقات‌ها چگونه می‌توان جلوی دکان‌های مدعیان دروغین را گرفت. به نظر نگارنده با توجه به پاسخ‌های داده شده در این زمینه، برخی مباحث به شفاف‌سازی نیاز داشته و برخی احتمالات به کامل شدن مطلب نیاز دارند تا پاسخ کامل به این سؤال داده شود.

برای آنکه بتوان به درستی در این باره گفت‌وگو کرد و به قضاوت نشست، ابتدا لازم است متن توقیع شریف را ذکر کرد، آن گاه به بررسی سندی و دلالتی آن پرداخت و بعد از آن متن توقیع را بررسی کرده تا به توان پاسخ مناسبی در مورد این سؤال داد.

۱. میر تبار، آسیب شناسی جامعه منتظر، ص ۱۰۱-۱۰۲، با تصرف.

توقیع

حدیثی که بحث «مشاهده و دروغگو بودن مدعی مشاهده» را مطرح می‌کند، آخرین توقیع و نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام به آخرین نایب خاص خود، چند روز پیش از مرگ او نوشته است. چنانچه از شیخ صدوق در *کمال‌الدین* و شیخ طوسی در کتاب *غیبت* و شیخ طبرسی در *احتجاج* روایت شده است که چون شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمیری را وفات در رسید توقیعی بیرون آورد و به مردم نشان داد که نسخه آن بدین مضمون بود: «.....وَسَيَأْتِي مِّنْ شِيعَتِي مَن يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفْيَانِي وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُّقْتَرٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱.

حاصل فرمان آن بزرگوار در این توقیع شریف آنکه: ای علی بن محمد سمیری! خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم کرامت فرماید، به درستی که در اثنا این شش‌یوم وفات خواهی نمود پس جمع نما امر خود را و در کار خود آماده باش و به احدی وصیت نیابت ننما که قائم مقام تو شود بعد از وفات تو، به درستی که غیبت تامه^۲ واقع گردید و مرا ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خدای تعالی و این ظهور، بعد از این است که زمان غیبت طول بکشد و دل‌ها را قساوت فرا گیرد تا پر شود زمین از جور و ستم و زود است که می‌آیند کسانی از شیعیان من که دعوی مشاهده مرا می‌نمایند، آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن صحیحه آسمانی دعوی مشاهده نماید، پس او کذاب و افترا زننده است.^۳

آن‌گاه آخرین سفیر حضرت بقیه الله علیه السلام طبق وعده آن حضرت، در روز ششم از صدور توقیع شریف، دیده از جهان فرو بست و با رحلت او غیبت صغری پایان یافت و غیبت کبری آغاز گردید. تعیین روز وفات سمیری طی نامه شریف، و قرائت آن در حضور جمع کثیری از شیعیان، به طور حتم و جزم اثبات می‌کند که آن نامه مبارکه به دست خط شریف حضرت بقیه الله علیه السلام

۱. طبرسی، *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۴۷۷؛ *قطب‌الدین، الخرائج والجرائح*، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ طوسی، *الغیبه*، ص ۳۹۵؛ قمی، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ج ۲، ص ۵۱۶؛ اربلی، *کشف‌الغمة فی معرفة الائمه*، ج ۲، ص ۵۳۸؛ بهاء‌الدین نبلی، *منتخب الأنوار المضية فی ذکر القائم الحجة* علیه السلام، ص ۲۳۸.

۲. *منتهی الآمال*، ج ۱ و ۲، ص ۶۰۶ *الغیبه التامة* را غیبت کبری ترجمه کرده است. ص ۶۸۴ ترجمه کتاب غیبت طوسی مترجم مجتبی عزیزی نیز این واژه *الغیبه التامة* به غیبت کبری ترجمه شده است.

۳. قمی، *منتهی الآمال*، ج ۴، ص ۵۸۷.

بوده است، که خواسته‌اند در آستانه غیبت کبری معجزه‌ای دیگر از خود نشان داده، بر قوت ایمان و اخلاص شیعیان بیفزایند. تا با گام‌هایی استوار به استقبال غیبت کبری بشتابند.^۱

و نیز از شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین* نقل شده که وفات علی بن محمد سمري در سال ۳۲۹ هجری بوده است و بنابراین مدت غیبت صغری که سفرا و وکلا و نواب مخصوص حضرت حجه الله عجل الله تعالی فرجه که از جانب او مأمور به سفارت و نیابت بودند، قریب به ۷۴ سال خواهد بود که قریب به ۴۸ سال ایام سفارت عثمان بن سعید عمری و پسر او محمد بن عثمان بود. و قریب ۲۶ سال مدت سفارت شیخ ابوالقاسم حسین بن روح و شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري بود، و بعد از گذشتن این مدت سفارت منقطع شد و غیبت کبری واقع گردید.^۲

مباحث دریافتی این توقیع

در بررسی این توقیع می‌توان به نکاتی دست یافت که عبارت است از:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شش روز قبل از درگذشت «ابوالحسن علی بن محمد سمري» رحلت او را در این توقیع اطلاع داد، و در روز موعود، مرگ وی فرا رسید. این پیشگویی، و سپس تحقق آن در روز موعود، از نظر امامیه دلیل قاطعی است که این توقیع از سوی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه صادر شده بود. در این توقیع، زمان پایان «غیبت صغری» و آغاز «غیبت کبری» بیان شده است.^۳
۲. نیابت خاصی که با عثمان سعید آغاز شده بود، با رحلت سمري به پایان رسید (و لا تُوصِ آلِي أَحَدٌ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَانِكَ).
۳. غیبتی که در دوران پیش به دلایلی ناقص بود و اینک تمام و کامل شده است (فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَةُ).^۴
۴. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به اذن خداست و بر ما معلوم نیست که در چه تاریخی ظاهر خواهد شد.^۵
۵. مدعیان مشاهده، در این دوره وجود خواهند داشت. (سَيَأْتِي شِيعَتِي مَنِ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ).

۱. سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۴، ص ۵۸۷.

۳. آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، درنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۹۰.

۴. سلیمان، درنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

۵. آقایی، جباری، عاشوری، حکیم، درنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۹۱.

۶. مدعی مشاهده، پیش از خروج سفیانی و ندا (دو علامت حتمی ظهور) هم دروغگو و هم افترا زنده است (أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ) امام عليه السلام در این نامه دو صفت ناپسند دروغگو بودن و تهمت زدن، (دادن نسبتی به حضرت) را به مدعی مشاهده وارد کرده است.^۱

بررسی سند

برخی بزرگان، اشکالاتی به توقیع وارد ساخته، نوشته‌اند:

«این خبر، ضعیف و غیر آن خبر واحد است که جز ظنی از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد، پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایت پیدا می‌شود. هر چند از هر یک آنها پیدا نشود، بلکه از جمله‌ای از آنها دارا بود کرامات و خارق عاداتی را که ممکن نباشد صدور آنها از غیر آن جناب؛^۲ پس چگونه رواست اعراض از آنها به جهت وجود خبر ضعیفی که ناقل آن شیخ طوسی است، عمل نکرده به آن در همان کتاب».^۳

در مجموع، بر توقیع، چهار اشکال از نظر سندی وارد است:

۱. توقیع، خبر واحد و غیر قابل اعتماد است؛

۲. خبر، مرسل و ضعیف است؛

۳. شیخ طوسی که توقیع را نقل کرده به آن عمل نکرده است؛

۴. توقیع، معرض عنه است، چرا که اصحاب، حکایات زیادی نقل کرده‌اند که اشخاص با امام زمان عليه السلام دیدار داشته‌اند.

در پاسخ به اشکال‌های پیشین، گفته شده است:

۱. توقیع مرسل نیست، چرا که شیخ صدوق در *کمال الدین* آن را با سند ذکر کرده است. افزون بر آن، شیخ طوسی این حدیث را از ابن بابویه نقل می‌کند و می‌گوید: «اخبارنا جماعه» پس

۱. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، *آفتاب مهر*، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲. رک. *منتهی الآمال*، ج ۴، شیخ عباس قمی در ذکر حکایات و قصص آنان که در غیبت کبری به خدمت امام زمان عليه السلام رسیده‌اند فصل پنجم ص ۴۶۰ تا ص ۵۳۲.

۳. نوری طبرسی، *نجم الثاقب در احوال امام غایب عليه السلام*، ج ۲، ص ۸۵۱.

توقیع از یک طریق نیست، بلکه از طرقی گوناگون آن را نقل می‌کند. سرانجام آن که، اگر در کتاب/احتجاج طبرسی به صورت مرسل ذکر شده است، وی در ابتدای کتاب خود می‌گوید: «سند روایات را نیاورده‌ام یا به سبب شهرت یا مطابقت با عقول یا اینکه مجمع علیه است».

۲. توقیع ضعیف نیست؛ چرا که همه راویان آن، ثقة هستند و خبر واحد ثقة است که حجیت آن در اصول ثابت شده است و می‌توان به آن اعتماد کرد.

از نقل‌های متعدد استفاده می‌شود که به این حدیث، توجه و اعتنا شده است، گرچه منظور ما، شهرت اصطلاحی نیست. این تعدد نقل در کتاب‌های بزرگان مذهب از قدما و متأخران و معاصران^۱ را می‌توان بدون اشاره به ضعف و رد آن یکی از شواهد - نه دلایل - اعتبار قرار داد.^۲ اینکه گفته شده است: «راوی، آن شیخ طوسی، به توقیع عمل نکرده است»، درست نیست؛ آن چرا که شیخ طوسی نقل کرده است، به دوران غیبت صغری مربوط می‌شود و توقیع، نفی ادعای دیدن در دوران غیبت کبری را مورد نظر دارد و مدعی دیدار در این را باید تکذیب کرد.

۳. اینکه گفته‌اند: «از توقیع اعراض شده است» درست نیست؛ زیرا عالمان بزرگوار ما که پس از شیخ صدوق، به نقل توقیع پرداخته‌اند، به آن باور داشته و در سند و دلالت آن، تردیدی نکرده‌اند.

افزون بر آن، اینکه هنگامی اعراض اصحاب از توقیع اثبات می‌شود که همه ناقلان حدیث یاد شده، ادعای ملاقات را باور داشته باشند و چون چنین چیزی - نه به دلالت مطابقتی و نه التزامی - از کلام آنها قابل برداشت نیست و بلکه در مواردی بر خلاف آن است، نمی‌توان گفت به طور کلی از آن اعراض کرده‌اند. افزون بر آن، اعراض برخی سبب ضعف حدیث نمی‌شود.^۳

بررسی دلالتی

از نظر دلالت با عنایت به اینکه علی بن محمد سمري، نیابت خاص از آن حضرت داشت (و در این زمینه نیز بارز و شناخته شده بود)، مقصود از «ادعای مشاهده»، در این روایت، مطلق مشاهده [دیدار] آن حضرت نیست، بلکه همان طور که علامه مجلسی نیز احتمال داده است،

۱. رک: روزگار رهایی (کامل سلیمان) ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۴؛ منتهی الآمال (عباس قمی)، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۵۸۷ و ۵۸۶.

۲. طبسی، سفارت و نیابت خاصه، شماره ۱۸، ص ۱۴۲.

۳. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۷، ۱۱۸.

مراد ادعای دیدار همراه با نیابت از آن حضرت و آوردن اخبار و دستورها از جانب ایشان، مانند سایر نمایندگان آن حضرت در عصر غیبت صغری است.^۱

این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است که در آن به جناب علی بن محمد سمري(ره) امر شده است که به احدی وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد.^۲ و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم می نمایند. پس مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری است، ممکن است کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی کنند. امام علیه السلام خواست این باب را مسدود کند و به مردم خبر دهد که هر کس ادعای دیدار مرا بکند و بگوید من وکیل یا نایب خاص آن حضرت هستم، دروغگو است و او را تکذیب کنند.^۳

زیرا نیابت خاص یعنی حضور نزد حضرت، همراه شناخت آن بزرگوار و رساندن سؤالات مردم و ابلاغ پاسخها و پیامها. این فرد، هم ادعای دیدار دارد و هم آنچه می گوید را از جانب حضرت بیان می کند و حرفها را پیام حضرت اعلام می کند.^۴

اما به نظر می آید این احتمال که منظور امام زمان علیه السلام در این توقیع، تکذیب کردن نایبان خاص باشد، خلاف ظاهر عبارت حضرت در توقیع شریف است؛ زیرا در آن صورت، امام باید می فرمود: «ألا فمن ادعی المشاهدة مع السفارة أو الوكالة فهو كذاب؛ در حالی که به صورت مطلق می گوید: «هر کس ادعای مشاهده کند، دروغگو است».^۵

دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در این باره این گونه است:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۵ و ۳۱۸.

۲. و چون وفات سمري فرا رسید از وی درخواست کردند که وصیت کند و او گفت: «لله أمره وبالغ» غیبت تامه همان است که پس از درگذشت سمري واقع می شود. (صدوق،؟؟؟، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۵۹).

۳. کارگر، پرسشها و پاسخهای دانشجویان، مهدویت پس از ظهور، ص ۹۸ - ۹۷.

۴. جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، ج ۴، ص ۱۴۷.

۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

مراد از تکذیب مدعی مشاهده این است که فردی، مدعی ملاقات باشد، ولی شاهد و دلیلی نداشته باشد.^۱

شهید صدر می‌گوید:

مراد، ادعای انحرافی است که شخصی با ادعای مشاهده و ارتباط، بخواهد عقاید و نظر خود را با نام پیام‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه به مردم القا کند.^۲

برای در نظر گرفتن یک احتمال دیگر اینجا لازم است به برخی سخنان بزرگان اشاره کنیم که در آن، ضمن پذیرش امکان ملاقات، گفته‌اند در صورت ملاقات، فرد ملاقات‌کننده پرده از راز دیدار خود برنخواهد داشت و این همان تکذیب ادعای ملاقات است.^۳

سید مرتضی بی‌آنکه قاطعانه ملاقات با حضرت را بپذیرد، عدم امکان ملاقات را غیرقطعی دانسته، می‌نویسد: «إنا غیر قاطعین علی ان امام لا یصل الیه احد و لا یلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم و لا سبیل الی القطع علیه...»^۴ ما قطع نداریم دست کسی به امام نمی‌رسد و بشر نمی‌تواند او را ملاقات کند. این، امری غیرمعلوم است که راهی بر قطع آن نیست.»

سید مرتضی در گفتار خود فقط استبعاد عدم امکان ملاقات را کرده و این به معنای پذیرش ادعای ملاقات نیست، چرا که او، دست‌کم، ادعای ملاقات را قبول داشته، به طور حتم برآن تأکید می‌کرد.^۵

شیخ طوسی در بیان خود دیدن آن حضرت را ممکن می‌داند، اما درباره ادعای وقوع ملاقات، به نظر می‌رسد، آن را منتفی می‌داند. «إنا أولاً لا نقطع علی استتاره عن جمیع أولیائه؛ بل یجوز أن لأکثرهم و لا یعلم کل إنسان إلا حال نفسه؛^۶ أولاً ما با جزم و یقین نمی‌دانیم آن حضرت از دیده همه دوستدارانش نهان و غایب است، بلکه امکان دارد برای بیشتر آنان مستتر شود و هر فرد، فقط از حالات خود خبر دارد.»

۱. موسوی خمینی، أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲. صدر، المهدی، ص ۱۸۳.

۳. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. مرتضی، تنزیه الانبیاء، ج ۱، ص ۲۳۵.

۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و دوران غیبت، ج ۲، ص ۱۲۰.

۶. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۹۹.

سید بن طاووس در زمینه امکان ملاقات حضرت در غیبت کبری چنین می‌گویند:

«وَ إِذَا كَانَ غَيْرَ ظَاهِرِ الْآنَ لِجَمِيعِ شِيعَتِهِ فَلَا يَمْتَنِعُ أَنْ يَكُونَ جَمَاعَةً مِنْهُمْ يَلْقَوْنَهُ وَ يَنْفَعُونَ بِمَقَالِهِ وَ فِعَالِهِ وَ يَكْتُمُونَهُ...».

پس اگر امروز از نظر نوع شیعیان و دوستانش غائب است منافات ندارد که عده‌ای از آنها حضرت را زیارت کنند و از گفتار و کردارش بهره‌مند شوند و در عین حال از مردم پوشیده دارند، چنان که این معنا درباره برخی پیامبران و اوصیا و اولیای حق، جریان داشته که مصالح دینی ایجاب می‌نمود که آنها مدتی غایب گردند.^۱

محقق اربلی نیز پس از نقل کلامی از مرحوم طبرسی که گفته است: ما قطع نداریم کسی در دوران غیبت به امام نمی‌رسد؛ اظهار شگفتی کرده نوشته است: مرحوم طبرسی چرا چنین گفته است؟ در حالی که باید قطع به این داشته باشد، چرا که با فاصله اندکی پیش از این، او توقیع نفی ملاقات را (فمن ادعی المشاهده) را ذکر کرده بود.

محقق اربلی آن گاه دیدگاه خود را در توجیه سخن مرحوم طبرسی، این‌گونه بیان کرده است: حتماً او نظر به این نکته داشته است که افرادی که احیاناً به دیدار نایل می‌شوند، هرگز آن دیدار را افشا نخواهند کرد و افرادی که به چنین ادعایی دست می‌زنند، دروغگویند.^۲

چگونگی عدم منافات امکان دیدار حضرت در عصر غیبت کبری با آخرین توقیع

براساس آخرین توقیع امام مهدی عجل الله فرجه مدعی مشاهده، کذاب است، حال اگر کسی امام عجل الله فرجه را ببیند ولی به دیگران نگوید، مشمول این روایت قرار نمی‌گیرد، لذا اصل دیدار، امر ممکن خواهد بود، نکته دیگر آنکه بیشتر بزرگان و علمایی که به دیدار حضرت موفق شده بودند، آن را برای مردم بازگو نمی‌کردند، بلکه اطرافیان و خواص آنان - از روی شواهد و قراینی و یا در زمان‌های بعد از حیات فرد - متوجه دیدار آن عالم با امام می‌شدند. لذا علمایی که (دارای درجات معنوی و کمالات نفسانی) هستند، تحت عنوان مدعی مشاهده قرار نمی‌گیرند و این توقیع، باحکایت ملاقات برخی بزرگان مانند علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سید بن طاووس منافات ندارد.^۳

۱. طاووس، الطرائف، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲. اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۵۳۸.

۳. کارگر، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان، مهدویت پس از ظهور، ص ۱۰۰ - ۹۹.

پس هر که ادعای سفارت و نیابت خاصه نماید و یا بر طبق آن، دعوی مشاهده نماید، کذاب و مقتر بر حضرت حجت علیه السلام خواهد بود. مسئله نیابت عامه بر اساس توقیع شریف که فرمود:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورِاَ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ و اما حوادث واقعه، درباره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند من نیز حجّت خدا بر آنها هستم.»^۱

در روایت دیگری آمده است: «مَجَارِي الْأُمُورِ بِيَدِ الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ»

«مستفاد از فرمان این دو حجّت پروردگار آنکه: علما و حفظه علوم و اخبار و آثار ایشان که صاحب نظر و اهل استنباطند که از روی معرفت و دانش عارفانند به احکام صادره از ایشان، باید مکلفین رجوع به ایشان نمایند در اخذ مسائل حلال و حرام و قطع منازعات که آن چه ایشان می فرمایند حجّت است از برای عامّه مکلفین با استجماع ایشان مر شرایط فتوا را از قوه استنباط و عدالت و بلوغ و عقل و سایر شرایط اجتهاد. و از برای ایشان است نیابت عامّه که خلق من باب الجاء و اضطرار مکلفانند به رجوع نمودن به ایشان، دیگر تعیین نایب مخصوصی در زمان غیبت کبری نفرمودند، بلکه حکم فرمودند به انقطاع نیابت خاصه و سفارت».^۲

با توجه به دلایل عقلی و نقلی که امام معصوم علیه السلام در زمان غیبت در همین عالم و در میان مردم زندگی می کند و برای وجود امام علیه السلام در زمان غیبت آثار متعددی در روایت ذکر شده است که یکی از مهم ترین آثار و مسئولیت امام حفظ و دفاع از اسلام و احکام الهی است و امام در زمان غیبت نیز تا سر حد قدرت برای حفظ و اقتدار اسلام و حل و فصل امور اساسی مسلمانان می کوشند و از آنجا که این امر از طریق اسباب و علل عادی صورت می گیرد پس در مواقع ضرورت، امام با فقها و علمای دینی در ارتباط هستند و در صورتی که برای شخصی از دوستان امام اضطرار و مشکلی پیش آید، یا امام مصلحت بدانند با فردی از شیعیان خود ارتباط داشته باشد، مانند حکایت مقدس اردبیلی در ملاقات با حضرت علیه السلام سید محدث جزایری، سید فرموده:

«خبر داد مرا اوثق مشایخ من در علم و عمل که از برای اردبیلی رحمته الله، تلمیذی بود از اهل تفرش که نام او میر علّام بود در مدرسه ای که محیط است به قبه شریفه، پس اتفاق افتاد که من از

۱. قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۳۸ و این روایت در کتاب تحف العقول عن آل الرسول، ابوالحسن الحیرانی (۱۳۸۹) ص ۹۶۶ نیز آمده است.

۲. قمی، منتهی الآمال، ج ۴، ص ۵۸۹.

مطالعه خود فارغ شدم و بسیاری از شب گذشته بود، پس بیرون آمدم از حجره و نظر می‌کردم در اطراف و آن شب سخت تاریک بود، پس مردی را دیدم که رو به حضرت شریفه کرده می‌آید، پس گفتم شاید این دزد است آمده که بدزد چیزی از قندیل‌ها را. پس از منزل خود به زیر آمدم و رفتم به نزدیکی او و او مرا نمی‌دید، پس رفت به نزدیکی در حرم مطهر و ایستاد پس دیدم قفل را که افتاد و باز شد برای او و درب دوم و سوم به همین ترتیب و مشرف شد بر قبر شریف پس سلام کرد و از جانب قبر مطهر ردّ شد سلام بر او پس شناختم آواز او را که سخن می‌گفت با امام علیه السلام در مسئله علمیه، آن‌گاه بیرون رفت از بلد و متوجه شد به سوی مسجد کوفه پس من از عقب او رفتم و او مرا نمی‌دید. پس چون رسید به محراب مسجدی که امیر المؤمنین علیه السلام در آن محراب شهید شده بود، شنیدم او را که سخن می‌گوید باشخصی دیگر در همان مسئله پس برگشت و من از عقب او برگشتم و او مرا نمی‌دید، پس چون رسید به دروازه ولایت، صبح روشن شده بود، پس خویش را بر او ظاهر کردم و گفتم: «یا مولانا! من بودم با تو از اوّل تا آخر. پس مر آگاه کن که شخص اوّل کی بود که در قبه شریفه با او سخن می‌گفتی و شخص دوم کی بود که با او سخن می‌گفتی در کوفه؟» پس عهدها گرفت از من که خبر ندهم به سرّ او تا آنکه وفات کند.

پس به من فرمود: «ای فرزند من! مشتبه می‌شود بر من بعضی مسائل پس بیرون می‌روم در شب، نزد قبر امیر المؤمنین علی علیه السلام و در آن مسئله با آن جناب تکلم می‌نمایم و جواب می‌شنوم و در این شی حواله فرمود مرا به سوی صاحب الزمان علیه السلام و فرمود که: فرزندم مهدی علیه السلام امشب در مسجد کوفه است پس برو به نزد او و این مسأله را از او سؤال کن و این شخص مهدی علیه السلام بود.»

یا شخصی به درجه‌ای از کمالات معنوی برسد که به امام علیه السلام خدمت بکند. مانند روایت امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ. فَلَاوَلَى يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ، وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ؛ بِرَأْيِ قَائِمِ دَوِّ غَيْبَتِ اسْتِ يَكِي كُوتَاهُ وَ دِیْگَرِي طُولَانِي. دَرِ اَوَّلِي تَنهَا خَوَاصِّ شِيعِيَانِ اَز جَايْگَاهِ اَوْ مَطْلَعِ خَوَاهَنْدِ بُوْد،

در دومی فقط نزدیک‌ترین خواص او که متصدی خدمت او هستند از جایگاهش باخبر خواهند بود.^۱ این روایت دلیل بر امکان ملاقات حضرت عجله الله فرجه در عصر غیبت کبری خواهد بود.

در ارتباط داشتن این افراد با صاحب زمان عجله الله فرجه یا او را می‌شناسند اما سر دل نگه می‌دارند یا با امام زمان عجله الله فرجه در ارتباط هستند اما او را نمی‌شناسند، مانند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» روایت عبدالله جعفر که می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت: والله صاحب امر همه ساله در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم نیز او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیثی، شباهت صاحب زمان عجله الله فرجه را مانند حضرت یوسف علیه السلام می‌داند و در این باره می‌فرماید: «صاحب این امر شباهتی از حضرت یوسف دارد، چرا این امت انکار می‌کند که خدای تبارک و تعالی مدت زمانی می‌خواهد حجت خود را پوشیده نگه بدارد؟! حضرت یوسف زامدار مصر بود و میان او و پدرش ۱۸ روز مسافت بود. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست جای او را به پدرش بفهماند. به خدا سوگند، هنگامی که حضرت یعقوب و فرزندانش از محل او آگاه شدند، این مسافت را نه روز طی کردند! چرا انکار می‌کنند که حضرت حجت نیز مانند حضرت یوسف باشد که در بازار آنها راه می‌رفت و بر کنار سفره آنها می‌نشست ولی او را نمی‌شناختند. تا وقت آن فرا رسد که خدا اجازه دهد خود را معرفی کند، چنان‌که به حضرت یوسف اذن داد.^۳

در این صورت دیدارها نیز منافاتی با این توجیه ندارد.

به نظر نگارنده هدف حضرت مهدی عجله الله فرجه از نوشتن چنین نامه‌ای به آخرین نایبانش این بوده است که جلوی باز شدن دکان‌های مدعیان دروغین رادر زمان غیبت کبری بگیرند، زیرا در طول تاریخ اسلام افرادی برای رسیدن به منافع دنیوی و خواسته‌هایشان ادعای مهدویت و نیابت امام

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴. و در کتاب روزگار‌هایی نیز به این روایت در قسمت غیبت کبری ص ۳۲۲ اشاره شده است.

۲. قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

زمان عجلایه را داشته‌اند^۱ و زمینه شکل‌گیری این مدعیان در عصر غیب امام معصوم عجلایه - به دلیل آگاه بودن شیعیان از غیبت و علاقه نشان دادن دوستداران ائمه با ارتباط داشتن با حضرت - بیشتر می‌شود، به همین دلیل امام برای جلوگیری از سوءاستفاده این شیادان این نامه را در آغاز عصر غیبت کبری نوشتند.

با توجه به این توقیع در غیبت کبری کسی نمی‌تواند ادعای باب بودن حضرت را بکند، زیرا امام مهدی عجلایه به ابوالحسن علی بن محمد سمری امر فرمودند؛ کسی را برای نیابت، جانشین خود قرار ندهد و این جمله حضرت به روشنی، دلالت بر این دارد که راه ارتباط مستقیم بین امام مهدی عجلایه و نواب به صورت خاص که بتوانند پرسش‌های مردم را به حضرت بدهند و پاسخ بگیرند و یا رابط بین امام و مردم باشند از این تاریخ به بعد به پایان رسیده است و از طرفی حضرت در این توقیع، مدعیان مشاهده را کذاب و افترا زنده معرفی می‌کنند و کسانی که ادعای باب بودن را مطرح می‌کنند باید با حضرت در ارتباط باشند و ایشان را ملاقات نمایند که به وسیله این توقیع، این دیدار رد می‌شود. در چگونگی دیدار حضرت بیان کردیم که اگر دیداری صورت بگیرد یا افراد امام را می‌شناسند و راز نگهداری می‌کنند، مانند نواب اربعه که در نهایت تقیه و رازداری بودند و یا اصلاً حضرت را نمی‌شناسند. پس هرگونه ادعای بابیت در این دیدارها نیز منتفی می‌شود و با توجه به دو علایم حتمی ظهور؛ قیام سفیانی و صحیه آسمانی که حضرت در این توقیع ذکر فرمودند که هنوز به وقوع نپیوسته می‌توان ادعای مدعیان دروغین که ادعای مهدی بودن را می‌کنند باطل کرد و روایاتی در این زمینه وجود دارد که ظهور هرگونه ادعا مبنی بر امامت و مهدویت را غیر مشروع خوانده و صاحبان این حرکت‌ها را مشرک یا کافر نامیده است.

امام باقر عجلایه صاحب هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود را طاغوت خوانده است^۲ و این روایات، به حرکت‌های سازنده زمینه ظهور امام مربوط نمی‌شود و به مدعیان امامت و مهدویت اشاره فرموده است.^۳

۱. ر.ک: شیخ طوسی، غیبت، ۱۳۸۶، ص ۶۸۷ تا ۷۲۴ و مهدی موعود، مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۱، از ص ۵۳۶ تا ۵۱۷.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۵.

۳. میر تبار، آسیب شناسی جامعه منظر، ص ۱۰۶.

نتیجه

این توقیع از نظر سندی و دلالتی معتبر است و چند احتمال برای چگونگی دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه له در این توقیع مطرح شده است که در هر یک از احتمالات به گونه‌ای ادعای باییت و مدعیان دروغین رد می‌شود. در احتمال اول مراد از ملاقات امام زمان عجل الله تعالی فرجه له این است که فرد، ادعای نایب خاص بودن را مطرح می‌کند که براساس این توقیع، امام زمان عجل الله تعالی فرجه له به جناب علی بن محمد سمري رحمه الله امر کرد که به احدی وصیت نکند که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد که ادعای باییت به این طریق رد می‌شود. و در احتمال دوم، فرد ادعای مشاهده می‌کند و برای ادعای خود شاهد و قرآینی نمی‌آورد و براساس این توقیع، کسانی که قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کنند کذاب و افترا زننده به حضرت عجل الله تعالی فرجه له می‌باشند و این‌گونه ادعای مشاهده که زمینه‌ای برای باییت است منتفی می‌شود.

چند احتمال دیگر برای امکان ملاقات و مشاهده حضرت وجود دارد که با توقیع منافاتی ندارد و زمینه‌ای برای دگان‌های مدعیان دروغین فراهم نمی‌آورد؛ اول اینکه با دلایل عقلی و نقلی، امکان ملاقات حضرت وجود دارد، زیرا حضرت در میان مردم زندگی می‌کنند و به واسطه ایشان اسلام و احکام اسلام حفظ می‌شود و در بعضی شرایط با علما و فقها ارتباط دارند تا در موقع ضرورت مشکل آنها راحل نمایند. دوم اینکه این دیدارها به دو صورت است، یا حضرت را می‌شناسند و سرنگه می‌دارند؛ و یا حضرت را نمی‌شناسند و در هر دو صورت ادعای ملاقات با حضرت عجل الله تعالی فرجه له مطرح نمی‌شود تا زمینه‌ای برای ادعای باییت فراهم آید.

منابع

۱. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة**، مکتبہ بنی هاشمی، ۲ جلدی، تبریز: ۱۳۸۱ق.
۲. بهاء‌الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، **منتخب الأنوار المضية فی ذکر القائم الحجة** علیه السلام، خیام، قم: ۱۳۶۰ش.
۳. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، **آفتاب مهر (پرسش و پاسخ‌های مهدوی)**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ یازدهم، قم: ۱۳۸۸ش.
۴. سلیمان، کامل، **روزگار رهایی**، مترجم علی اکبرپور، آفاق، ۲ جلدی، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۸۱ش.
۵. سلیمیان، خدامراد، **درسنامه مهدویت حضرت مهدی** علیه السلام و دوران غیبت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۴ جلدی، چاپ سوم، قم: ۱۳۸۹ش.
۶. صدر، سید صدر الدین، **المهدی**، سید محمد باقر خسروشاهی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم: ۱۴۲۱ق.
۷. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب، **الاحتجاج**، نشر مرتضی، ۲ جلدی، چاپ اول، مشهد: ۱۴۰۳ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبة**، شیخ عبدالله الطهرانی و الشیخ علی أحمد ناصح، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، قم: ۱۴۱۱ق.
۹. طاووس حلّی، ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید بن طاووس، **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف**، ترجمه داود الهامی، خیام، ۲ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۴۰۰ق.
۱۰. قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه «معروف به صدوق»، **کمال الدین وتمام النعمة**، مترجم منصور پهلوان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۲ جلدی، چاپ چهارم، قم: ۱۳۸۶ش.
۱۱. قمی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه «معروف به صدوق»، **کمال الدین وتمام النعمة**، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ش.
۱۲. قطب‌الدین، سعید بن عبدالله معروف به راوندی، **الخرائج والجرائح**، ناشر مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۳ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۴۰۹ق.
۱۳. قمی، عباس، **منتهی الأمال**، اشارات جلوه کمال، ۴ جلدی، چاپ اول، قم: ۱۳۹۰ش.
۱۴. کارگر، رحیم، **پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویان، مهدویت پس از ظهور**، دفتر نشر معارف، چاپ یازدهم، قم: ۱۳۸۷ش.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران: ۱۳۶۵ش.
۱۶. مرتضی، علی بن الحسین، تنزیه الانبیاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دارالأضواء، بیروت: ۱۹۸۹ م، ۱۴۰۹ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۳ش.
۱۸. میرتبار، سید محمد، **آسیب شناسی جامعه منتظر**، چاپ چهارم، قم: ۱۳۹۰ش.
۱۹. موسوی خمینی، سید روح الله، **أنوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایة**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۷۳ش.
۲۰. نوری طبرسی، میرزا حسین، **نجم التاقب در احوال امام غایب علیه السلام**، مسجد جمکران، ۲ جلدی، قم: ۱۳۸۴ش.
۲۱. نعمانی، محمد ابراهیم، **الغیبه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۲ش.

مقاله

۱. طبسی، نجم الدین، «سفارت و نیابت خاصه»، **فصلنامه انتظار موعود**، شماره ۱۸، تاریخ نشر: ۱۳۸۵ش.

تبیین موضوعات روایات مهدوی علیه السلام از اصحاب معصومین علیهم السلام در کتب

روایی مهدوی علیه السلام

سید مهدی جلال زاده میبیدی^۱

چکیده

اختصاص بخش زیادی از روایات معصومان علیهم السلام به موضوع مهدویت، اهمیت بررسی این موضوع را دوچندان می‌کند. با فحص در منابع اصلی مهدویت، سه کتاب *کمال الدین* شیخ صدوق، *الغیبه* شیخ طوسی و *الغیبه* نعمانی همواره مورد توجه و اهتمام پژوهشگران این حوزه بوده است. با توجه به این مهم و احادیث زیادی که در موضوعات مختلف از این سه کتاب نقل شده است، هدف این پژوهش، بررسی تعدادی از روایانی است که در طبقه اول حدیثی قرار دارند و جزء اصحاب معصومین علیهم السلام محسوب می‌شوند و تبیین موضوعات روایاتی که توسط آنها از ایشان نقل شده است به روش تحلیلی - توصیفی، می‌باشد. با فحص انجام شده مشخص شد که در میان روایان اول، روایات مهدوی در این کتب، پنج راوی از دیگر روایان، روایات بیشتری نقل کرده‌اند و در میان روایات نقل شده توسط آنها برخی موضوعات دارای تکرار و تاکید بیشتری بوده‌اند که اهمیت طرح این موضوعات توسط معصومین علیهم السلام را می‌توان از آن استفاده کرد.

واژگان کلیدی: روایت، راوی اول، اصحاب معصومین علیهم السلام، موضوعات، علم رجال، حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

روایات معصومان علیهم‌السلام در برگزیده ژرف‌ترین معارف هستی‌شناسی، از خدا تا انسان و از دنیا تا معاد است. بحث «مهدویت» و اعتقاد به منجی آخرالزمان، بخش عظیمی از روایات و احادیث معصومان علیهم‌السلام را به خود اختصاص داده است. سؤال اصلی تحقیق این است با توجه به روایات منقول از راویان اول که مستقیم از معصوم علیهم‌السلام روایت را نقل می‌کنند، موضوع آن روایات در کتب مهدوی (شامل کمال‌الدین شیخ صدوق، الغیبه شیخ طوسی و الغیبه نعمانی) چه موضوعاتی هستند؟ و سؤالات فرعی عبارت‌اند از: کدام راویان از دیگر راویان تعداد بیشتری از روایات مهدویت را در این کتب به خود اختصاص داده‌اند؟ وضعیت رجالی این روایان چگونه است؟ اهم عناوین موضوعات هر یک از این راویان چیست؟

فحص در منابع اصلی مهدویت با مراجعه و پژوهش در کتاب‌های کمال‌الدین شیخ صدوق، الغیبه شیخ طوسی و الغیبه نعمانی محقق خواهد شد. اهمیت این سه کتاب در بحث مهدویت و احادیث زیادی که در موضوعات مختلف از این سه کتاب در دسترس جویندگان کلام معصومین علیهم‌السلام قرار دارد مورد توجه ویژه است.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت کثرت روایت توسط برخی اصحاب معصومین علیهم‌السلام به عنوان راوی اول احادیث مهدوی در این سه کتاب بود، که اولاً با فحص در تمام هر یک از کتب مذکور، تعداد روایات هر یک از آنها احصا شد و تنها راویان اولی که تعداد روایات آنها از دیگر راویان بیشتر بود به عنوان اصحاب و راویان اول که مستقیم از معصومین علیهم‌السلام روایت را نقل کرده‌اند، انتخاب شدند. در مرحله بعد هر یک از آنها به عنوان راوی اول و اصحاب معصومین علیهم‌السلام این کتب مورد بررسی رجالی قرار گرفتند و نکته قابل یادآوری اینکه در این بخش تنها به بررسی رجالی و آوردن اقوال علما رجال بسنده شده و نتیجه‌گیری از اقوال آنها انجام نگرفته است. در مرحله پایانی موضوعات روایات هر یک مورد بررسی قرار گرفت و در میان این موضوعات بعضی موضوعات از تکرار بیشتری برخوردار بودند که در بخش اهم عناوین، احادیثی که در نقل متعدد بودند به تعداد روایت آن نیز اشاره شده است. در بعضی موارد موضوع روایتی که حتی یک‌بار از آن راوی نقل شده نیز آورده شده است که این عنوان اگر چه از یک راوی فقط یک‌بار نقل شده است ولی از چند راوی موضوع مربوطه نقل شده است. با توجه به آنچه در این تحقیق انجام شده می‌توان به این موضوع پی برد که برخی موضوعات

مهدوی که توسط اصحاب معصومین علیهم السلام و راوی اول روایت آنها نقل شده‌اند در دوره صدور این روایات از ناحیه معصومین علیهم السلام مورد توجه و اهتمام بیشتری بوده است.

مشابه این بررسی با توجه به جستجوی زیاد در کتب و مقالات مختلف و سایت‌های مربوطه به مقالات به روز حوزه علوم اسلامی، یافت نشد. تنها یک تحقیق از علی ربانی در بررسی اجمالی چند راوی احادیث مهدوی که آنها به عنوان راوی اول حساب نمی‌شوند در مجله سپیده سحر شماره ۱۹ چاپ شده است.^۱ هر چند کارهای ارزشمند حدیث پژوهی به صورت موضوعی یا بررسی برخی راویان خاص در مهدویت قبلاً توسط محققان انجام گرفته است ولی موضوعی با این سبک که بر تبیین موضوعات، تکیه داشته باشد قبلاً مورد پژوهش قرار نگرفته است.

اصحاب معصومین علیهم السلام و راویان اول در کتب مهدوی و تعداد روایات منقول از آنها با توجه به بررسی انجام شده در کتاب‌های *کمال الدین شیخ صدوق، الغیبه مرحوم نعمانی و الغیبه شیخ طوسی* رضی الله عنهما راویان اولی که به طور مستقیم از خود معصوم علیه السلام روایت را نقل کرده‌اند و به عنوان اصحاب شناخته می‌شدند، و تعداد بیشتری روایت از آنها نقل شده پنج راوی بوده‌اند که اسامی آنها با توجه به بیشترین روایت تا کمترین روایت، در زیر می‌آید.

۱. ابی بصیر: (۱۰۲ روایت)؛

۲. المفضل بن عمر «الجعفی»: (۳۶ روایت)؛

۳. محمد بن مسلم (الثقفی الطحان): (۳۱ روایت)؛

۴. زیاد بن المنذر (ابی الجارود): (۲۲ روایت)؛

۵. جابر بن عبدالله الانصاری: (۱۶ روایت).

۱. ر.ک: مجله مطالعات مهدوی (سپیده سحر)، شماره ۱۹.

راوی اول: یحیی بن القاسم ابوبصیر الاسدی

معرفی راوی بر اساس کتب رجال یحیی ابو بصیر الاسدی، امامی مذهب و مورد ثقہ و بزرگی از اصحاب اجماع شمرده می‌شود و واقفی بودن او از ناحیه علمای رجال رد شده است. او هم عصر امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بوده و از ایشان حدیث نقل کرده است. او را به القابی همچون اسدی^۳ و کوفی^۴ یاد کرده‌اند و دارای کنیه ابوبصیر^۵ و ابومحمد^۶ است. شهرت او ابوبصیر می‌باشد که در سال ۵۱۵۰ ق. رحلت کرده است.

نجاشی در کتاب خود او را ثقہ می‌داند و درباره او این چنین می‌نویسد:

ابومحمد ثقہ وجیه روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام و قیل یحیی بن ابی القاسم و اسم ابی القاسم إسحاق. و روی عن ابی الحسن موسی علیه السلام. له کتاب یوم و لیلۃ. أخبرنا محمد بن جعفر قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعید قال: حدثنا یحیی بن زکریا بن شیبان قال حدثنا الحسن بن علی بن ابی حمزہ عن ابی بصیر بکتابه. و مات أبو بصیر سنۃ خمسین و مائۃ؛^۷ ابومحمد موثق و مورد اعتماد است و از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده است و گفته شده است: اسم او یحیی بن ابی القاسم است و اسم ابی القاسم پدرش اسحاق است. همچنین از امام کاظم علیه السلام نیز روایت نقل کرده است. او دارای کتابی به نام روز و شب است. احمد بن محمد بن سعید گفته که برای ما خبر نقل کرده است یحیی بن زکریا بن شیبان او نیز نقل کرده است الحسن بن علی بن ابی حمزہ نقل کرده که از بی بصیر از کتابش برای ما نقل کرده است. او در سال ۱۵۰ فوت کرده است.»

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۴۱، باب الیاء.

۲. همان.

۳. همان.

۴. طوسی، رجال الطوسی، ج ۱، ص ۱۴۰ و ص ۳۳۳.

۵. طوسی، الفهرست، ج ۱، ص ۱۷۸.

۶. نجاشی، رجال، ج ۱، ص ۲۱۵ و ص ۲۴۹.

۷. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴۴۱.

ابوبصیر اسدی چندی در محضر امام محمدباقر علیه السلام بود و پس از آن در جرگه اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام درآمد. انبوهی از روایات بر جای مانده اعتقادی و فقهی در کتب حدیث امامیه که از طریق ابوبصیر از آن امام روایت شده است، نشان از میزان این بهره‌گیری دارد.^۱

از آنجا که تعداد روایات نقل شده توسط ابی بصیر از همه راویان بیشتر است تعداد آنها به تفکیک کتب ذکر می‌شود.

۱. الغیبه شیخ طوسی

در کتاب غیبت شیخ طوسی از ایشان ۲۷ روایت به صورت راوی اول نقل شده است.

۲. الغیبه نعمانی

در این کتاب ۳۹ روایت از ابوبصیر نقل شده است که او راوی اول است.

۳. کمال الدین شیخ صدوق

شیخ صدوق در کتاب خود ۳۵ روایت از ابوبصیر به عنوان راوی اول آورده است.

موضوعات روایات نقل شده توسط ابی بصیر:

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: در هفتمین از ما فرج است.^۲

۲. در حضرت مهدی علیه السلام چهار سنت از پیامبران جاری است. «هشت روایت»^۳

۱. طوسی، رجال الطوسی، ج ۱، ص ۳۶۳.

۲. طوسی، الغیبه للطوسی، ص ۵۴.

۳. این که هشت روایت ذکر شده است چه در این مورد به خصوص و چه در موارد دیگری که چند روایت در یک موضوع وارد شده است در برخی موارد یک روایت بوده است، منتها در کتب مختلف آمده است، ولی در برخی موارد طریق راویان متفاوت می باشد که در این تحقیق تفاوت طریق راویان بررسی نشده است و تحقیقی کامل‌تر باید انجام گیرد.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۶۰ و ۱۶۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ج ۱، ص ۳۲۶ و ۳۲۹؛ ج ۲، ص ۳۴۵ و ۳۵۰.

۳. نه امام بعد از امام حسین علیه السلام هستند که نهمین آنها قائم عجل الله فرجه است. «دو روایت»^۱
۴. خداوند از امام حسین علیه السلام نهمین اوصیاء حضرت مهدی عجل الله فرجه را اختیار کرده است. «دو روایت»^۲
۵. حدیث لوح حضرت فاطمه علیها السلام (خصوصیات امام مهدی عجل الله فرجه و زمان ظهور ایشان) «سه روایت»^۳
۶. غیبت امام زمان عجل الله فرجه را انکار نکنید.^۴
۷. برای صاحب این امر عزلتی است. «دو روایت»^۵
۸. خبر دادن سلمان فارسی علیه السلام از دوران غیبت و ظهور.^۶
۹. شباهت حضرت مهدی عجل الله فرجه به حضرت یوسف علیه السلام در امر غیبت.^۷
۱۰. از بین رفتن دو سوم انسان‌ها در آستانه ظهور.^۸
۱۱. ظاهر شدن حضرت در هیئت جوانان و انکار مردم در قبول امر امامت از ایشان.^۹
۱۲. شباهت امر اهل بیت علیهم السلام در قرآن به عزیر علیه السلام در زنده شدن بعد از صد سال.^{۱۰}
۱۳. خبر از نشانه‌های قبل و نزدیک ظهور «نه روایت»^۱ برای مثال:

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۴۰؛ نعمانی، الغیبه، ص ۹۴.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۴۲؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۱۴۳ و ص ۶۲؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۸.

۴. طوسی، الغیبه، ص ۱۶۰.

۵. همان، ص ۱۶۲ و ص ۱۸۸.

۶. طوسی، الغیبه، ص ۱۶۴.

۷. همان، ص ۱۶۴.

۸. همان، ص ۳۳۹؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵.

۹. طوسی، الغیبه، ص ۴۲۰.

۱۰. همان، ص ۴۲۲.

- لکائی أنظر إلى رءوس تندر فيما بين المسجد و أصحاب الصابون.^۲
 - إن قدام القائم لسنة غيداقه يفسد التمر فى النخل فلا تشكوا فى ذلك.^۳
 - لو قد جاء أمرنا لقد خرج منه من هو اليوم مقيم على عبادة الأوثان.^۴
 - لا تقوم الساعة حتى يجتمع كل مؤمن بالكوفة.^۵
۱۴. ندای آسمانی در ۲۳ رمضان و قیام او در روز عاشورا. «پنج روایت»^۶
۱۵. قیام حضرت مهدی عج در سال‌های فرد.^۷
۱۶. همراه بودن قیام امام زمان عج با سختی‌های زیادی «سه روایت».^۸
۱۷. مورد آزمایش قرارگرفتن یاران امام زمان عج مانند اصحاب موسی ع (ان الله مبتليكم بنهر) «دو روایت».^۹
۱۸. جنگ‌ها و درگیری‌های زمان ظهور و امر به خرابی مساجد اربعه.^{۱۰}
۱۹. یاران حضرت و خصوصیات آنها. (معنای آیه این ما تكونوا یات بکم الله جميعا) «دو روایت».^{۱۱}

۱. همان، ص ۴۴۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰ و ۲۶۲ و ۲۶۷ و ۲۷۲؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵.
۲. همان، ص ۴۴۸.
۳. همان، ص ۴۴۹.
۴. طوسی، الغیبه، ص ۴۵۱.
۵. همان، ص ۴۵۱.
۶. همان، ص ۴۵۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳ و ۲۷۹ و ۲۸۲؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.
۷. همان، ص ۴۵۳.
۸. همان ۴۵۹ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۳ و ۲۳۴.
۹. همان، ص ۴۷۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۶.
۱۰. همان، ص ۴۷۵.
۱۱. طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۱.

۲۰. لزوم حفظ کردن اسرار آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و منع توقیت و تسمیه (امر ظهور سرّی از اسرار خداوند متعال است). «چهار روایت»^۱
۲۱. امامت امانت و وصیتی الهی است که از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود.^۲
۲۲. برگزیده بودن حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در میان ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام از ناحیه خداوند متعال.^۳
۲۳. ما دوازده محدث و مهدی هستیم. «پنج روایت»^۴
۲۴. از ما دوازده محدث است که هفتمین آنها بعد از من پسر قائم عَلَيْهِ السَّلَام است.^۵
۲۵. خدا زمین را بدون عالم و حجت نمی‌گذارد. «پنج روایت»^۶
۲۶. دو نوع غیبت داشتن و طولانی بودن یکی از دیگری، ظهور سفیانی و کشتارهای قبل از ظهور.^۷
۲۷. فضیلت انتظار و وظیفه منتظران. «سه روایت»^۸
۲۸. همراهی تعداد کمی از عرب‌ها با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و تمییز و تمحیص مردم در آن دوران. «سه روایت»^۹
۲۹. صفات و سیره حضرت.^{۱۰}

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۴.

۲. همان، ص ۵۲.

۳. همان، ص ۶۷؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴. همان، ص ۸۵؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۳۳۸ و ص ۳۳۹ و ۳۵۸.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۹۶.

۶. همان، ص ۱۳۸؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۳ و ۲۲۲ و ۲۲۹ و ص ۲۳۴.

۷. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲.

۸. همان، ص ۲۰۰؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۹. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۴ و ۲۰۵ و ص ۲۱۰.

۱۰. همان، ص ۲۱۶.

۳۰. آوردن امر جدید، کتاب و قضای جدید توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «چهار روایت».^۱
۳۱. تأویل آیه «لَيْسَتْ خَلْفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ» درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه و اصحابش.^۲
۳۲. تأویل آیه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» درباره حضرت و یارانش.^۳
۳۳. تأویل آیه «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ» درباره سیره حضرت در شناسایی مجرمان.^۴
۳۴. تفسیر و تأویل آیه «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» درباره حق و حقیقت بودن قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه.^۵
۳۵. بالا بردن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه «سه روایت».^۶
۳۶. لزوم آمادگی برای قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه ولو با یک تیر.^۷
۳۷. تفویض امامت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سنین طفولیت.^۸
۳۸. کسی که امام خود را بشناسد تقدم ظهور یا تاخر آن ضرری به او نمی زند.^۹
۳۹. شباهت داشتن غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام با غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه.^{۱۰}

۱. همان، ص ۲۲۳ و ص ۳۲۰ و ص ۳۲۱ و ص ۳۲۲.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰.

۳. همان، ص ۲۴۱.

۴. همان، ص ۲۴۱.

۵. همان، ص ۲۶۹.

۶. همان، ص ۳۰۷ و ص ۳۱۵.

۷. همان، ص ۳۲۰.

۸. همان، ص ۳۲۳.

۹. نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۰.

۱۰. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴۰. همانندی حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ در اسم و کنیه با حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.^۱
۴۱. تأویل آیه « قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ » درباره مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۲
۴۲. تکرار سنتی از سنت‌های خدا درباره امت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (غیبت ذی القرنین از مردم).^۳
۴۳. جمع نشدن امر امامت بعد از حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در دو برادر.^۴
۴۴. از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ بودن ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۵
۴۵. علت مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نبودن بیعت برگردن حضرت هنگام قیام. «دو روایت».^۶
۴۶. تعداد یاران امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگام خروج ۳۱۳ نفر است که صاحبان قدرندند.^۷
۴۷. تأویل آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» درباره هنگام قیام حضرت و کشتن کفار و مشرکین.^۸
۴۸. نیروی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ شدت اصحاب او (قدرت چهل مرد و...)^۹
۴۹. متحول شدن امور بعد از ظهور حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ.^{۱۰}

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۹۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۱۵ و ص ۴۱۷.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۱۵.

۶. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۹ و ص ۴۸۰.

۷. همان، ص ۶۵۴.

۸. همان، ص ۶۷۰.

۹. همان، ص ۶۷۳.

اهم عناوین موضوعات روایات منقول از ابی بصیر با توجه به احصاء همه روایات نقل شده (۱۰۲ روایت) از ابی بصیر در سه کتاب مورد نظر و مشخص کردن موضوعات آنها که ۴۹ موضوع را شامل است، موضوعاتی که ابی بصیر از ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده و حضرات معصومین به آنها اهتمام ویژه ای داشتند عبارتند از :

۱. غیبت و انواع آن (شش روایت)؛
۲. از نسل حسین علیه السلام بودن حضرت (هفت روایت)؛
۳. فرج بودن امر حضرت؛
۴. صفات و سیره حضرت (ده روایت)؛
۵. جاری بودن سنت پیامبران در او (یازده روایت)؛
۶. نشانه‌های قبل و بعد از ظهور (هجده روایت)؛
۷. خروج امام و ویژگی‌های آن (چهار روایت)؛
۸. منع توقیت (چهار روایت)؛
۹. فضیلت انتظار و وظیفه منتظران (سه روایت)؛
۱۰. تعداد ائمه ۱۲ و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام است (هفت روایت)؛
۱۱. خصوصیات دوران ظهور (پنج روایت)؛
۱۲. ویژگی‌های یاران حضرت (هفت روایت)؛
۱۳. لزوم آمادگی برای ظهور حضرت علیه السلام (سه روایت).

راوی دوم: مفضل بن عمر أبو عبد الله

معرفی راوی بر اساس کتب رجالی مفضل بن عمر ملقب به الجعفی^۱ و الکوفی^۲ و با کنیه‌های ابوعبدالله^۳ و ابومحمد^۴ از راویان اول روایات مهدویت است که درباره‌اش تعابیر امامی مذهب و ثقه به کار برده شده است. هر چند از نگاه نجاشی او مضطرب الروایه و فاسد المذهب است.^۵ او هم عصر امام جعفر صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بوده و از آن حضرات علیهم السلام روایاتی را نقل کرده است.

شیخ مفید درباره مفضل می‌نویسد: او از کسانی است که نص امامت موسی کاظم علیه السلام را از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام نقل کرده است. وی از یاران خاص و گرانقدر امام صادق علیه السلام و از فقیهان شایسته و مورد اعتماد شمرده می‌شود.^۸

شیخ طوسی در کتاب الغیبه درباره مفضل می‌نویسد: مفضل از اصحاب و یاران واقعی ائمه اطهار علیهم السلام و مورد وثوق و اعتماد آنان بود و همواره رهرو راه آنان شمرده می‌شد.^۹

موضوعات روایات نقل شده توسط مفضل بن عمر:

۱. غیبت امام زمان علیه السلام و دو گونه‌بودن آن؛^{۱۰}

۲. امام مستتر از ماست؛ آیه نقر فی الناقور؛^{۱۱}

-
۱. نجاشی، رجال النجاشی، ج ۱، ص ۴۱۶.
 ۲. طوسی، کتاب الرجال، ص ۳۰۷.
 ۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴۱۶.
 ۴. همان، ص ۴۱۶.
 ۵. همان.
 ۶. طوسی، کتاب الرجال، ص ۳۰۷.
 ۷. ابن غضائری، رجال ابن غضائری (الضعفاء)، ش ۱۱۷، ص ۸۷.
 ۸. مفید، الارشاد، ص ۲۰۸.
 ۹. عبدالکریم پاک‌نیا، «مفضل کوفی؛ امین امام»، کوثر، مرداد ۱۳۷۸، شماره ۲۹.
 ۱۰. طوسی، الغیبه، ص ۱۶۲.
 ۱۱. همان، ص ۱۶۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.

۳. غیبت امام زمان علیه السلام و طولانی بودن غیبت و به شک و شبهه افتادن شیعیان - گریه امام صادق علیه السلام سیدی غیبتک نفت رقادی: «دو روایت»؛^۱
۴. طولانی بودن غیبت و بحث تمحیص شیعیان؛^۲
۵. غیبت و لزوم انتظاری دائمی برای حضرت؛^۳
۶. مختار بودن منتظران بعد از مرگ و رجعت در ملحق شدن به امام پس از ظهور؛^۴
۷. تأویل آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَغْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا.» درباره تعداد ۱۲ محدث و مصداق الساعه بودن امیرالمومنین علیه السلام؛^۵
۸. مشرک بودن شک کننده در امامت ائمه علیهم السلام و کسانی که در مسیر آنان نباشند؛^۶
۹. زمین از حجت خدا خالی نیست و اینکه او مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند؛^۷
۱۰. نهی از اسم بردن حضرت «ایاکم و التنویه» سه روایت؛^۸
۱۱. بحث غیبت و قیام حضرت با سیف؛^۹
۱۲. بیان کیفیت غیبت های دو گانه حضرت؛^{۱۰}

۱. همان، ص ۱۶۷؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۲.

۲. همان، ص ۳۳۸؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. همان، ص ۴۵۷؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۱؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۹.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۸۵.

۵. همان.

۶. نعمانی، الغیبه، ص ۱۳۵.

۷. همان، ص ۱۴۲.

۸. همان، ص ۱۵۲.

۹. همان، ص ۱۵۴.

۱۰. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۳.

۱۳. تأویل آیه «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ» درباره تکرار سنت غیبت حضرت موسی برای امت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «سه روایت»؛^۱
۱۴. همراه بودن ظهور با سختی‌های فراوان «باب ما جاء فى الشدة التى تكون قبل ظهور صاحب الحق عَلَيْهِ السَّلَامُ» «لا يكون ذلك حتى تمسحوا العلق و العرق» «دو روایت»؛^۲
۱۵. معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و معرفی ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ از ناحیه خداوند متعال «نص الله تبارك و تعالى على القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ و أنه الثانى عشر من الأئمة عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»؛^۳
۱۶. تلاوت آیه «فررت منكم لما خفتكم فوهب لى ربهى حكما و جعلنى من المرسلين» توسط حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در هنگام ظهور؛^۴
۱۷. ظهور امام و کشتن دجال و پاک کردن زمین از ظلم و جور؛^۵
۱۸. فضیلت انتظار واقعی و مرگ در این راه؛^۶
۱۹. تداوم امامت از صلب امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ تا روز قیامت و مصداق اتم کلمات بودن حضرت مهدى عَلَيْهِ السَّلَامُ در آیه «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ»؛^۷
۲۰. تفسیر و تأویل آیه والعصر به زمان خروج القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۸
۲۱. اشاره آیه شریفه «قوله عز و جل أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» به اصحاب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و رسیدن آنها به مکه؛^۹

۱. همان، ص ۱۷۴.

۲. همان، ص ۲۸۶ و ص ۲۸۴.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۸.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۳۷.

۶. همان، ص ۳۲۸.

۷. همان، ص ۳۵۸.

۸. همان، ص ۶۵۶.

۲۲. تعداد اصحاب امام مهدی عجل الله فرجه «۳۱۳» و توصیف خصوصیات آنها؛^۲

۲۳. متحول شدن امور بعد از ظهور حضرت عجل الله فرجه؛^۳

اهم عناوین موضوعات روایات منقول از مفضل بن عمر

از میان ۳۶ روایتی که مفضل بن عمر از ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده، ۲۳ موضوع کلی در احادیث مطرح شده است که می‌توان اهم عناوین این موضوعات را این چنین بر شمرد:

۱. غیبت و انواع آن و تکرار سنت پیامبران قبلی در این امت (دوازده روایت)؛

۲. امتحان شیعه در دوران غیبت کبری (چهار روایت)؛

۳. رجعت (دو روایت)؛

۴. شک‌کننده در امامت ائمه علیهم السلام مشرک است (یک روایت)؛

۵. منع تسمیه (سه روایت)؛

۶. خالی نبودن زمین از حجت خدا (سه روایت)؛

۷. ظهور، ویژگی‌های آن و وقایع و حوادث هنگام ظهور (شش روایت)؛

۸. اصحاب و خصوصیات آنها (دو روایت)؛

۹. فضیلت انتظار (دو روایت)؛

۱. همان، ص ۶۷۲.

۲. همان، ص ۶۷۲ دو روایت با مضمون های متفاوت.

۳. همان، ص ۶۷۴.

راوی سوم: محمد بن مسلم

معرفی راوی بر اساس کتب رجالی محمد بن مسلم ثقفی که ملقب به القاب الثقفی، الطایفی، الاوقص و الاعور^۱ و با کنیه ابوجعفر^۲ از او در کتب رجالی یاد شده است هم عصر ائمه امام محمدباقر علیه السلام، امام جعفرصادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام^۳ بوده است. در کتب رجالی از او به عنوان امامی، ثقه، جلیل و من اصحاب الاجماع مورد تأیید قرار گرفته است.^۴

شیخ طوسی در کتاب رجالی خود درباره تعداد زیاد احادیثی که او از امام محمد باقر علیه السلام و امام جعفرصادق علیه السلام نقل کرده را از زبان محمد بن مسلم این گونه نقل می‌کند: «هر زمان که در مسئله‌ای شرعی، دچار مشکل می‌شدم که دانستن حکم آن ضروری بود، به حضرت امام باقر علیه السلام و حضرت امام صادق علیه السلام مراجعه می‌کردم و در سالیان متمادی که در مدینه اقامت داشتم و یا گاهی که از کوفه به مدینه می‌رفتم، حدود سی هزار حدیث از امام باقر علیه السلام شنیدم و شانزده هزار حدیث نیز از امام صادق علیه السلام فرا گرفتم.^۵

موضوعات روایات نقل شده توسط محمد بن مسلم:

۱. از بین رفتن دو سوم انسان‌ها در آستانه ظهور (سه روایت):^۶
۲. منع از توقیت در بحث ظهور:^۷
۳. خروج سید خراسانی قبل از سفیانی و یمانی؛^۸

۱. طوسی، الرجال، ص ۳۸۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۳۲۵ - ۳۲۶.

۳. طوسی، الرجال، ص ۱۴۴ و ص ۲۹۴ و ص ۳۴۲.

۴. همان، ص ۳۴۲.

۵. همان، ص ۳۸۶.

۶. نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۹؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵ و ص ۶۷۷.

۷. همان، ص ۴۲۶؛ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۹.

۸. نعمانی، الغیبه، ص ۴۴۷.

۴. خروج سفیانی و خصوصیات او؛^۱
۵. ندای آسمانی جبرئیل و شنیده شدن آن توسط مردم مشرق و مغرب؛^۲
۶. در باب شناخت امام و کسی که امامی نداشته باشد گمراه خواهد شد؛^۳
۷. کسی که امامی را انکار کند کافر است و باید از او براءت جست؛^۴
۸. نبودن امام در میان مردم و حیرت ایشان؛^۵
۹. برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دو غیبت خواهد بود که مردم در یکی گمراه می‌شوند؛^۶
۱۰. برای امام شما اگر غیبتی اتفاق افتاد او را انکار نکنید. «دو روایت مثل هم به دو طریق»؛^۷
۱۱. جنگ و خونریزی در زمان ظهور و اینکه مردم می‌گویند اگر او از آل محمد علیهم السلام بود رحم می‌کرد؛^۸
۱۲. نشانه‌های قبل از ظهور «پنج علامت حتمی»؛^۹
۱۳. ظهور سفیانی و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در یک سال اتفاق می‌افتد؛^{۱۰}
۱۴. منتظر شنیدن صوت از طرف دمشق باشید؛^{۱۱}

۱. طوسی، الغیبه، ص ۴۴۹؛ نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۰ و ص ۳۰۶.

۲. همان، ص ۴۵۴.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۷ و ص ۱۳۰.

۴- همان، ص ۱۲۹.

۵. همان، ص ۱۵۸.

۶. همان، ص ۱۷۳.

۷. همان، ص ۱۸۸.

۸. همان، ص ۲۳۳.

۹. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷ (نشانه‌های حتمی).

۱۰. نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۷.

۱۱. همان، ص ۲۷۹.

۱۵. نزول آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ» درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و اینکه اولین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل است و بعد از او ۳۱۳ نفر از یاران او؛^۱
۱۶. سابقه انتظار در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله (خبر قس بن ساعده الایادی)؛^۲
۱۷. زمین از حجت خدا خالی نخواهند ماند (دو روایت)؛^۳
۱۸. خبر دادن امیرالمؤمنین علیه السلام از غیبت امام و ناشناس بودن در میان مردم؛^۴
۱۹. شباهت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با پنج پیامبر علیهم السلام؛^۵
۲۰. فضیلت انتظار؛^۶
۲۱. نشانه‌های قبل از خروج امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛^۷
۲۲. تأویل آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» همه اقوام و در هر زمانی امامی هدایت کننده وجود دارد.^۸

اهم عناوین موضوعات روایات نقل شده از محمد بن مسلم از ۳۱ روایتی که محمد بن مسلم ثقفی راوی آنها در کتب مذکور بوده است، ۲۲ موضوع مطرح شده است که می‌توان اهم عناوین این موضوعات را این چنین بر شمرد:

۱. نشانه‌های قبل و هنگام ظهور (ده روایت)؛
۲. لزوم شناخت امام و پیامدهای شک و انکار آن (چهار روایت)؛

۱. همان، ص ۳۱۴.
 ۲. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۱۶۶.
 ۳. همان، ص ۲۲۳.
 ۴. همان، ص ۲۹۶.
 ۵. همان، ص ۳۲۷.
 ۶. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۵.
 ۷. همان، ج ۲، ص ۶۴۹.
 ۸. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷.

۳. غیبت و انواع آن (پنج روایت)؛
۴. ویژگی‌های دوران ظهور (سه روایت)؛
۵. علائم حتمی ظهور و بیان ویژگی‌های آن (پنج روایت)؛
۶. شباهت حضرت با پیامبران پیشین (دو روایت)؛
۷. خالی نبودن زمین از حجت خدا (سه روایت)؛
۸. سختی دوران غیبت و امتحان شیعیان در این باره و فضیلت انتظار (پنج روایت).

راوی چهارم: زیاد بن المنذر

معرفی راوی بر اساس کتب رجالی

زیاد بن المنذر یکی دیگر از راویان اول و از اصحاب معصومین علیهم‌السلام که احادیث فراوانی در موضوعات مهدوی علیهم‌السلام از او نقل شده است. از او با القابی همچون الهمدانی^۱، الاعمی، الحوفی^۲، الخارفی و الکوفی^۳ در کتب رجالی یاد شده است. کنیه او ابوالجارود است^۴. او هم عصر امام محمد باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام بوده است^۵. رجال نجاشی درباره او این‌گونه می‌نویسد: کان من أصحاب ابي جعفر و روی عن ابي عبد الله علیه‌السلام و تغیر لما خرج زید رضی الله عنه^۶.

علامه حلی درباره او در *الخلاصه* خود او را زیدی مذهب می‌داند و مانند رجال نجاشی تغییر او را مصادف با خروج زید می‌داند^۷.

۱. نجاشی، *رجال النجاشی*، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. طوسی، *رجال*، ص ۱۲۲ و ص ۱۹۷.

۳. همان.

۴. نجاشی، *رجال النجاشی*، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. همان.

۶. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۱۷۰.

۷. حلی، *الخلاصه*، ص ۲۲۳.

البته آیت‌الله خویی در معجم الرجال خود ابی الجارود را رجوع کننده به حق می‌داند و شاهد آن را روایت کردن حسن بن محبوب از او در نزدیکی وفات امام صادق علیه السلام می‌داند که او روایت لوح فاطمه علیه السلام را روایت کرده و در آن روایت به اسمای دوازده امام علیهم السلام اشاره شده است و همین روایت که او راوی آن می‌باشد دلیل بر این است که او از مذهب زیدیه برگشته و رجوع کرده است.^۱

موضوعات روایات نقل شده توسط ابی الجارود:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام اوتاد زمینند و بدون آنها زمین اهلس را فرو خواهد برد؛^۲
۲. مدت حکومت و سیره حضرت مهدی عجل الله فرجه همانند سیره و حکومت سلیمان نبی علیه السلام است؛^۳
۳. هنگام ظهور هنگامی که صدای او را شنیدید به دنبال او بروید ولو از روی یخ‌ها؛^۴
۴. صاحب این امر دور از مردم و تنهاست و اسم او اسم نبی صلی الله علیه و آله است؛^۵
۵. غیبت امام عجل الله فرجه و انذار ائمه به آن؛^۶
۶. وظایف شیعیان در دوران غیبت؛^۷
۷. سیره و صفات حضرت مهدی عجل الله فرجه در عصر ظهور؛^۸
۸. نشانه‌های قبل از ظهور؛^۹

۱. الخوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۶.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۴۷۴.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۴؛ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۶.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۹.

۶. همان، ص ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۹۳.

۷. همان، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۸. همان، ص ۲۳۸ و ۲۴۲؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳ و ۶۷۰.

۹. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۴.

۹. کمیت و کیفیت یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه له؛^۱

۱۰. سن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له؛^۲

۱۱. حدیث لوح فاطمه علیها السلام و خبر دادن از امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه له؛^۳

اهم عناوین موضوعات روایات منقول از زیاد بن المنذر از ۲۲ روایتی که زیاد بن المنذر (ابی الجارود) راوی آنها بوده است، یازده موضوع مورد اشاره ائمه معصومین علیهم السلام بوده است که از میان آنها موضوعات پر تکرار این روایات را می‌توان در هفت موضوع درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

۱. نابودی زمین بدون حجت الهی (یک روایت)؛

۲. غیبت و وظایف شیعیان در آن دوران (شش روایت)؛

۳. سیره و صفات حضرت در عصر ظهور (پنج روایت)؛

۴. نشانه‌های قبل و هنگام ظهور (سه روایت)؛

۵. یاران حضرت و ویژگی‌های آنها (یک روایت)؛

۶. تعداد ائمه دوازده و آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له است (سه روایت)؛

۷. سن حضرت در آغاز امامت (سه روایت)؛

۱. همان، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

۳. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۳۱۱ و ۳۱۳.

راوی پنجم: جابر بن عبدالله انصاری

معرفی راوی بر اساس کتب رجالی
 جابر بن عبدالله انصاری ملقب به الانصاری^۱، المدنی^۲، الخزرجی^۳ و مکنی به کنیه ابوعبدالله^۴ است. او صحابی حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده و تا زمان امام محمد باقر علیه السلام زنده بود و از ائمه عصر خویش روایت نقل کرده است.^۵ کتب رجالی او را دارای مذهبی امامی، ثقه، جلیل از اصحاب خالص پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام ذکر کرده اند.^۶ او در سال ۷۸ هجری قمری فوت کرد.^۷
 شیخ طوسی در رجال خود درباره جلالت او این گونه می نویسد: «او جنگ بدر و ۱۸ غزوه از غزوات را با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود.»^۸

از او در این سه کتاب، شانزده روایت نقل شده است که دو روایت مربوط به بحث امامت است و ربطی به بحث مهدویت ندارد. او راوی روایت مشهور شیعه بوده است، از جمله در نقل «حدیث غدیر»، «حدیث ثقلین»، حدیث «انامدینة العلم و علی باهها»، «حدیث منزلت»، «حدیث ردّ شمس» و «حدیث سدّ الابواب». همچنین وی راوی احادیثی بوده که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله امامان علیهم السلام پس از خود را نام برده^۹ و نیز ویژگی های حضرت مهدی عجل الله فرجه را شناسانده است.^{۱۰}
 حدیث لوح از جمله احادیث مشهور است که جابر آن را روایت کرده و نام های دوازده امام

۱. طوسی، رجال، ص ۵۹.

۲. البرقی، رجال البرقی، ص ۳، ۹۷.

۳. طوسی، رجال، ص ۵۹ و ۹۳ و ۹۹ و ۱۱۱ و ۱۲۹.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان.

۸. طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۲.

۹. رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۸ - ۵۲۷.

۱۰. رک: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳ و ۲۸۶ و ۲۸۸.

جانشین پیامبر در آن آمده است.^۱ با توجه به جایگاه ویژه او در نقل بسیاری از احادیث مشهور شیعه بررسی روایات نقل شده او در این کتابها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

موضوعات روایات نقل شده توسط جابر بن عبدالله انصاری

۱. حدیث لوح فاطمه عَلِیَّهَا و خبر دادن از امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام؛^۲

۲. خروج امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمان؛^۳

۳. امامت امام علی عَلِیَّ و جانشینی او بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «دو روایت»؛^۴

۴. حدیث ثقلین و معرفی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛^۵

۵. معرفی اسمای ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام و غیبت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و نشانه‌هایی از آن «دو روایت»؛^۶

۶. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از فرزندان من است، همنام و هم کنیه من است و غیبتی دارد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛^۷

۷. پرکردن زمین از عدل و داد، ثابتین در غیبتش کمیاب‌تر از کبریت احمر، امر من امر الله، تمحیص؛^۸

۸. ذی‌القرنین و جاری شدن سنت او درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام (بحث ظاهرشدن گنج‌های

۱. همان، ص ۳۱۳ - ۳۰۸.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۱۴۰؛ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۹ و ۳۰۶ و ۳۰۸ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳.

۳. طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.

۴. همان، ص ۳۳۴؛ نعمانی، الغیبه، ص ۴۰.

۵. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۲۴۵.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۹.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

۸. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۸.

زمین برای حضرت، نصرت با رعب).^۱

اهم عناوین موضوعات روایات منقول از جابر بن عبدالله انصاری از میان شانزده روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از معصومین علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له نقل کرده است می‌توان اهم عناوین این موضوعات را این چنین بر شمرد:

۱. تعداد ائمه علیهم السلام دوازده و آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له است (هفت روایت)؛

۲. ثقلین و معرفی ائمه علیهم السلام (سه روایت)؛

۳. غیبت و امتحان شیعیان و جاری شدن این سنت همانند جاری شدن آن در میان امت‌های قبل (دو روایت)؛

۴. پرشدن زمین از عدل و داد در زمان ظهور (یک روایت)؛

۵. همنام و هم کنیه بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله (یک روایت)؛

۶. خروج او در آخرالزمان (دو روایت).

نتیجه

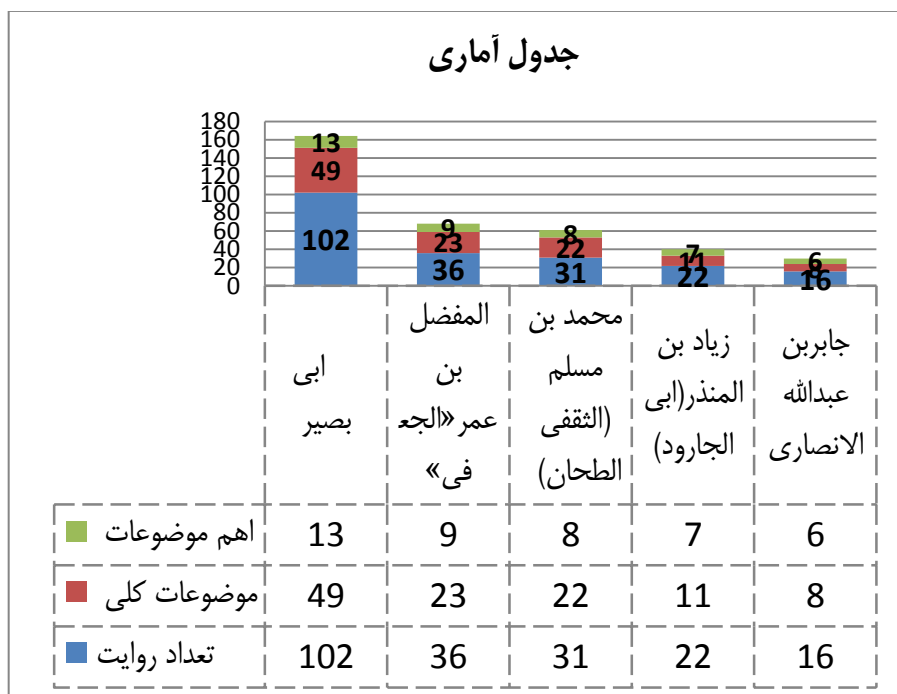
با توجه به حجم روایات نقل شده از راویان یاد شده در کتاب‌های کمال‌الدین شیخ صدوق، الغیبه نعمانی و الغیبه شیخ طوسی، می‌توان هر یک از این راویان اول را، بالنسبه به دیگر راویان موجود در این کتب، راویان کثیرالروایه مهدوی علیهم السلام که از اصحاب معصومین علیهم السلام بوده‌اند، در این کتب یاد کرد. نکته قابل دقت اینکه روایاتی که از آنها نقل شده بود برخی دارای یک موضوع واحد بودند، به همین علت از تعداد مثلاً ۱۰۲ روایتی که از ابی بصیر نقل شده تنها ۴۹ موضوع مهدوی را شامل می‌شد و از میان این ۴۹ موضوع کلی سیزده عنوان اهم موضوعات بودند و این روش در میان همه راویان وجود داشت. در نتیجه از میان تمام ۱۱۳ موضوع عام از همه راویان، تنها ۴۳ موضوع خاص از این راویان در این روایات از ناحیه معصومین علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له مطرح شده است که می‌توان این نکته را از مجموع آنها

۱. همان، ج ۲، ص ۳۹۴.

استفاده کرد که معصومین علیهم السلام هر یک در عصر خویش، به این موضوعات توجه ویژه‌ای داشته‌اند و اهتمام آنها برای رساندن این مضامین به شیعیان ویژه بوده است. چرا که نقل روایاتی با موضوعاتی این چنین، نشان از اهمیت آنها در مباحث مهدویت دارد. موضوعاتی را که در سه موضوع اصلی امام شناسی، عصر غیبت و عصر ظهور خلاصه می‌شوند و فصل مشترک همه موضوعات مطرح شده توسط این راویان که تاکید بیشتری روی آنها بوده است را می‌توان این چهار عنوان یاد کرد:

- ضرورت وجود حجت الهی در عالم وجود و نابودی زمین بدون حجت؛
- معرفی ائمه علیهم‌السلام و به ویژه حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه و ویژگی یاران حضرت؛
- غیبت، ویژگی‌ها و امتحان‌های شیعه در آن دوران؛
- نشانه‌های قبل و هنگام ظهور، اعم از حتمی و غیرحتمی.

جدول آماری



منابع

*قرآن کریم.

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، **رجال البرقی**، موسسه امام صادق علیه السلام، اول، قم، ۱۴۳۳ق.
۲. حلی (ابن فضال)، حسن بن علی بن داود، **کتاب الرجال**، دانشگاه تهران، اول، تهران، ۱۳۴۲ش.
۳. حلی علامه، حسن بن یوسف بن مطهر، **خُلاصَةُ الْأَقْوَالِ فِي مَعْرِفَةِ أَسْمَاءِ الرِّجَالِ**، دار الذخائر، دوم، نجف اشرف، ۱۴۱۱ق.
۴. خوئی، سید ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه**، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم، اول، قم، ۱۳۹۰ق.
۵. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، اسلامیه، دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۶. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، **رجال الطوسی**، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سوم، قم، ۱۳۷۳ش.
۷. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، **فهرست کتب الشیعہ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول**، مکتبه المحقق الطباطبائی، اول، قم، ۱۴۲۰ق.
۸. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن، **الغیبه للحجه**، دار المعارف الاسلامیه، اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۹. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، **اختیار المعرفه الرجال**، معروف به رجال کشی، مصحح، دانشگاه مشهد، اول، مشهد، ۱۳۴۸ش.
۱۰. غضائری، احمد بن حسین، **رجال ابن غضائری**، دارالحديث، اول، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۱. فصلنامه، **فرهنگ گوثر**، آستان موسسه حضرت معصومه سلام الله علیها، موسسه زائر، قم، مرداد ۱۳۷۸ش.
۱۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الارثاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، دارالمفید، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. النجاشی، احمد بن علی، **فهرست أسماء مصنفی الشیعہ رجال النجاشی**، انتشارات اسلامی جامعه، ششم، قم، ۱۳۶۵ش.
۱۴. نرم افزار درایه النور.
۱۵. نرم افزار نورجامع الاحادیث ۲.۵.
۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه للنعمانی**، مکتبه الصدوق، اول، تهران، ۱۳۹۷ق.

پیوست‌ها

پیوست ۱: معرفی موضوع پژوهشی

پیوست ۲: معرفی پایان نامه

پیوست ۳: معرفی کتاب

پیوست ۱: موضوع پژوهشی

۱. بررسی تطبیقی دیدگاه فریقین در روایات چالشی مهدویت (بررسی دیدگاههای فریقین در عرصه های مهم حدیثی مهدوی مانند نسب، نام پدر، ولادت، اوصاف، حکومت و جهان بعد از امام مهدی از طریق توصیف، تحلیل، مقایسه و ارزیابی و نقد آن)

۲. بررسی علل پیدایش احادیث مشکل مهدوی و قواعد و اصول علاج آن (بررسی و تحلیل عوامل ایجاد مشکل در احادیث مهدوی مانند: اشتراک لفظی، کنایه، مجاز، تعارض با عقل یا نقل و ...) و ارائه راه کارهای علاج این مشکلات در هر مورد)

۳. بررسی میزان نقش خبر واحد در مهدویت (با توجه به کلامی بودن مهدویت، چه مقدار می توان از خبر واحد در آن استفاده کرد کدام مباحث مهدوی قابل اثبات با خبر واحد است؟ اخبار واحد چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟)

۴. الزامات کار حدیثی مهدوی (تبیین نیازهای لازم در انجام پژوهش های مهدوی، سیر منطقی مراحل فهم ظاهری و مقصود جدی معصوم و نقادی آن)

۵. شناسایی معیارهای اعتبارشناسی داده های مهدوی (تبیین معیارهای مطالب درست در مهدویت با کمک قرآن و روایات و عقل و معیار مباحث نادرست در این حوزه)

۶. طراحی مدل شناخت اعتبار روایات در مهدویت (بررسی مبانی گوناگون در اعتبار روایات و مدل کارآمد در حوزه مهدویت)

۷. نقش فضای صدور در فهم درست روایات مهدوی (تحلیل و بررسی جایگاه قراین مختلف متصل و منفصل، داخلی و خارجی، از جمله مکان، زمان، سوال راوی و نقش آن در فهم روایات مهدوی)

۸. آسیب شناسی فعالیت های انجام شده در حوزه روایات مهدوی (شناسایی و توصیف و ارزیابی و نقادی فعالیت های حدیثی انجام شده در مهدویت و تبیین روشن نقایص و خلاء های در این عرصه)

۹. سبک‌شناسی روایات مهدوی (تحلیل و بررسی سبک روایات مهدوی بر اساس ساختار و قالب و محتوا و مضمون روایات در دوران‌های مختلف)
۱۰. تحلیل فهرستی روایات کتاب غیبت نعمانی (بررسی مصادر روایات کتاب غیبت نعمانی و نسخه‌شناسی آن و تعیین میزان ارزش و اعتبار و این مصادر)
۱۱. تحلیل فهرستی کتاب غیبت طوسی (بررسی مصادر روایات کتاب غیبت طوسی (ره) و نسخه‌شناسی آن و تعیین میزان ارزش و اعتبار و دقت این مصادر)
۱۲. تحلیل فهرستی کتاب کمال‌الدین (بررسی مصادر روایات کتاب کمال‌الدین و نسخه‌شناسی آن و تعیین میزان ارزش و اعتبار و دقت این مصادر)

پیوست ۲: معرفی پایان نامه

المهدی «عج» عند الفريقین (الشیعه والسنة)

نویسنده: حسین حاجی

چکیده

بحثنا هذا فی قضیة الامام المهدی (عج) یکون فی عدة فصول:

الفصل الأول: فی کلیات البحث.

الفصل الثاني: ما هو اعتقاد السنة و الشیعة فی الامام المهدی و حکم من ینکر وجوده؟

سوف نذكر ذلك فی محله ان الشیعة و السنة متفقون فی أصل الاعتقاد بالمهدی و یحکمون

على کل من أنکر ذلك فهو کافر بما جاء به محمد (ص) من عند ربه.

الفصل الثالث: فی اسم أبیه الشریف (ع) ، هل هو عبد الله على اسم والد النبی (ص) كما تقول به

السنة، ام اسم ابیه الشریف الحسن العسکری (ع) الذی تقول به الشیعة الامامية؟

سوف نثبت ان والد الإمام المهدی هو الحسن العسکری ؛ و ذلك لشهادة جمع من علماء أهل

السنة و الاستشهاد بجمع من الروایات المعتمدة عندهم.

الفصل الرابع: فی نسبه الشریف، هل هو حسنی (ع) أو حسینی (ع) ؟

فان السنة تذهب إلى ان المهدی (ع) من ذریة الامام الحسن المجتبی (ع)، و لكن الشیعة تقول ان

المهدی (ع) هو من ذریة الإمام الحسین (ع) و هو التاسع من ذریته. و سوف یأتی فی محله ان الإمام

المهدی هو حسینی النسب من جهة الأب ؛ و ذلك لوجود روايات تدل على ذلك أيضا.

الفصل الخامس: فی حیاته و ولادته، فان السنة ترى انه بعد لم یولد و لكن سوف یولد فی آخر

الزمان، بخلاف الشیعة بأنها تقول انه (ع) قد ولد، و لا یزال حیًا إلى ان یأذن الله تعالى بخروجه، و

مثله مثل عیسی و الخضر و إلیاس (ع). والرأى الصحیح هو ما قالته الشیعة فی ذلك.

الفصل السادس: فی الشبهات و ردود، و هی عدة شبهات:

۱- صغر السن.

۲- طول العمر.

۳- علل الغیبة

۴- فوائد الغیبة

٥- عدم الفائدة من خروج الأمام المهدي(ع)

الخاتمة: نذكر فيها مصادر الروايات التي استشهدنا بها في هذه الرسالة، مع ذكر اختلاف الفاظها و هي كالتالي:

١- حديث الثقلين، و ألفاظه الأخرى.

٢- حديث اثنان عشر أميرا او خليفة، على حسب اختلاف الألفاظ.

٣- حديث من مات و لم يعرف امامه زمانه مات ميتة جاهلية، و ألفاظه الأخرى.

٤- حديث: المهدي من أهل البيت و العترة الطاهر، و ألفاظه الأخرى.

٥- حديث: المهدي من ذرية الحسن و الحسين.

٦- حديث المهدي من ولد الحسين و التاسع من ذريته.

٧- حديث المهدي هو الخليفة في آخر الزمان، و ألفاظه الأخرى.

دانشگاه: مرکز جهانی علوم اسلامی

رشته: فقه و معارف اسلامی

استاد راهنما: حجة الاسلام حسين فقيه

استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر محمد جعفر حسينيان

بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی

نویسنده: رضا شجاعی مهر

چکیده

این پژوهش با عنوان بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تأکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی، درصدد بررسی نقش آموزه مهدویت در سپهر هویتی انقلاب اسلامی ایران بوده است.

سؤال اساسی این پژوهش این است که آموزه مهدویت، از چه طریقی در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایزران نقش آفرین بوده است؟

فرضیه علمی ما بیانگر این حقیقت است که آموزه های مهدویت از طریق تحول در باورها، رفتارها و نمادهای ایرانیان شیعه در تکوین هویت دینی انقلاب اسلامی ایران نقش آفرینی کرده است.

با استفاده از چارچوب نظری و بر اساس مدل فکری شهید صدر «نظریه محتوای باطنی» این تئوری، محتوای باطنی آدمی را مرکب از دو گوهر اندیشه و اراده می داند که در ساخت اجتماع و حرکت تاریخ تأثیر گذار است و تغییر در محتوای درونی انسانها (اندیشه و آرمان + اراده) به خلق تحولات تاریخی می انجامد.

از آنجا که جامعه ایران یک اجتماع شیعی مذهب ست و مذهب تشیع ایده آل ترین مدل حکومت بشری را حکومت امام مهدی (عج) میداند همواره شیعه، موضوع مهدویت را با هویت دینی - مذهبی خود یکی دانسته و به این مسأله نگاه عقیدتی - کلامی دارد این آموزه بن مایه اصلی نظام نامه تئوریک شیعه است و به نوعی با هویت تشیع گره خورده است.

در طول قرون متمادی از تاریخ تشیع با غلبه نگرش نقل محور بر فرهنگ مهدویت، خواسته یا ناخواسته، در جوامع شیعی جبرگرایی خاموشی رقم خورد که بار مسئولیت و تکلیف را از دوش منتظران برداشته و سبب گشته بود مکلفان، بی اعتناء به عمل به تکالیف عصر غیبت، در پس گفتمان سلبی انتظار، چهره در نقاب تقدیرگرایی افراطی کشیدند و سرنوشت اجتماعی خویش را به قضا و قدر سپردند.

ترویج فرهنگ اباحی گری، تعطیل حکومت مشروع، تمکین حکومت های جور و تشدید ادبیات تقيه محور از محصولات نگرش منفی به آموزه مهدویت و انتظار فرج بود.

اما امام خمینی که نقش رهبری و هدایت کشتی انقلاب را عهده دار بود، توانست مفهوم انتظار را در اجتهاد فقهی خود بازسازی کند و اصالت نقلی مهدویت را بر پایه های عقلانی و اجتماعی آن

استوار سازد. امام خمینی با قرائت ایدئولوژیک خود از گزاره های دین و آموزه مهدویت به ترمیم لایه های ذهنی اجتماع پرداخت و با تحولی که محصول تعمق ایشان از آموزه انتظار فرج بود توانست ادراک و اراده ایرانیان شیعه را در باورها، رفتارها و نمادها همسو کند. آموزه مهدویت، در قالب یک عنصر معنا بخش از مجموعه نظام مفاهیم دین، نوعی پیوند عاطفی و معنادار بین توده انقلابیون ایجاد نمود که با تعمیق باورها و زیرساختهای تئوریک توده توانست با ایجاد همسانی واژگان اعتقادی - رفتاری و زیبان نمادین و سمبلیک خود، با ایجاد همبستگی جمعی و انسجام منطقی، موجبات طرحی نو در باب هویت دینی این انقلاب فراهم آورد.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی، محتوای باطنی، تفکر شیعی، مهدویت،

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

رشته: مدرسی معارف اسلامی

سال: ۱۳۸۹

استاد راهنما: دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور: دکتر محسن مهاجرنیا

بررسی آموزه ظهور منجی در ادیان ابراهیمی

نویسنده: اسد الله آذیر

چکیده

نجات، غایت اساسی ادیان است که بسته به زمینه های فرهنگی مختلف از دینی تا دین دیگر معانی متفاوتی به خود میگیرد. در چارچوب هر یک از سنت های دینی نیز مفهوم نجات دچار تحول و تغییر میگردد. در تاریخ سه دین ابراهیمی و به خصوص در تاریخ سنت اسرائیلی، شاهد مراحل مختلف تحول مفاهیم دینی و از جمله مفهوم نجات می باشیم. یکی از مؤلفه های اصلی این مفهوم در سنت های مذکور، منجی^۱ محور بودن آن است، یعنی در قیاس با برخی ادیان شرقی، نه خود انسان بلکه خداوند عهده^۲ دار عمل نجات انسان و یا انسان و جهان، هر دو است. در اینجا نجات همچون پرسش توحیدی است.

باور به حضور یک عامل انسانی در نجات جمعی اینجهانی، باوری است که در مراحل سپس تر تاریخ این ادیان، بروز بیشتری دارد. و به موازات آخرالزمانی، فرجامین، کیهانی و معنوی تر شدن مفهوم نجات، چهره منجی مورد انتظار نیز آسمانی و فرجامین^۳ تر میشود. باور به نجات و منجی فرجامین در ادیان کهنتر خاورمیانه از جمله ادیان ابراهیمی، با مفهوم خدا و نجات در آن دین، دارای سازگاری بیشتری است، و لذا ظهور این باور نیز در سنت مزبور از پیشینه بیشتری برخوردار است. با توجه به تماس تاریخی فرهنگ^۴ های زرتشتی و اسرائیلی، تاثیر اولی بر دومی در مقوله فرجام^۵ شناسی و منجی^۶ باوری بسیار محتمل است.

اسامی، عناوین، ویژگیها و کارکردهای چهره^۷ های نجات بخش در سنت های ابراهیمی، متناسب با مفاهیم مختلف نجات در این سنت^۸ ها با یکدیگر تفاوت دارند. مسیحا، پادشاهی است که قوم اسرائیل را به سرزمینش بازمیگرداند و پادشاهی داوودی را احیا می نماید؛ مسیح، پسر خداوند است که بر گناه و مرگ غلبه می یابد، و در عین حال پادشاهی خداوند را برقرار میسازد؛ مهدی، امامی است که به مثابه جانشین پیامبر اسلام(ص)، رهبری سیاسی جامعه اسلامی را از حاکمان غاصب سلب می نماید و آن را همراه با رهبری دینی توأمان بر عهده می گیرد. در محافل مختلف دینی^۹ سیاسی و مراحل مختلف تاریخی، تصویر و تصور ناظر به این نجات بخشان دچار جرح و تعدیل می شود.

انتظار ظهور نجات بخش نیز در طول تاریخ هریک از سنت های مزبور همواره یکسان نبوده است. معمولاً در دوره ی نخست شکل گیری انتظارات منجی باورانه، توقع بر آن است که چهره

نجات‌بخش در آینده‌ی نزدیک ظهور خواهد نمود. تاخیر در ظهور، از طرفی موجب یأس در باورمندان می‌گردد، و از طرف دیگر سنت پیشگوئی زمان و علائم ظهور شکل می‌گیرد. با فرارسیدن زمان پیشگوئی شده و عدم تحقق آن، موعد ظهور به آینده‌ی دور تر و یا به آخرالزمان به تعویق می‌افتد. وجود سنت مزبور باعث میشود که به خصوص در دوره‌های رنج و سختی، برخی چهره‌ها گروه‌ها به عملگرایی روی آورند، و خود را نجات‌بخش یا پیشاهنگ و زمینه‌ساز او معرفی نمایند

نهادهای رسمی در تاریخ سنت‌های ابراهیمی، پیروان را از عملگرایی و تعجیل در امری که خداوند برای آن زمان معینی را مقرر داشته است، بر حذر داشته اند، چرا که این کار دخالت در امر خدا محسوب می‌شود.

دانشگاه قم، تربیت مدرس

استاد راهنما: آقای دکتر مجتبابی

استادان مشاوران: حجت الاسلام آقای حسین توفیقی - آقای دکتر شهرام پازوکی

بررسی بداء در آموزه های مهدویت

نویسنده: حسین رضایی شریف آبادی

چکیده

بداء به عنوان یک اصل مهم اعتقادی در نزد شیعه مطرح می باشد که از زمان پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است و بدلیل عدم تبیین صحیح آن در نزد گروهی از فرق اسلامی منجر به انکار آن شده و قائلان به این اصل اعتقادی را کافر و مشرک خطاب کرده اند.

در این تحقیق بر آن شدیم تا با تبیین صحیح این اعتقاد مهم در آیات و روایات، اولاً رد اتهام کرده و ثانیاً ارتباط این اصل اعتقادی را در مورد آموزه های مهدویت مورد بررسی قرار داده و در سه بخش ۱. اصل ظهور منجی ۲. علائم ظهور ۳. وقت ظهور مورد بررسی و تحلیل آن پرداخته و با بررسی اقوال و دلائل مطرح شده قطعیت ظهور منجی را بعنوان یک وعده و سنت الهی اثبات کرده و بداء در علائم حتمی ظهور، امکان عقلی بداء در آنها وجود دارد و در صورت بودن مقتضی و علت تامه وقوع پیدا می کنند، وقت ظهور نیز نزد خداوند متعال است و دست قدرت الهی در رخداد آن در هر موقع باز می باشد و در نهایت گریزی هم به توقیت و پی آمدهای آن در جوامع اسلامی داشته و در آخر ارتباط اعتقاد به این اصل در جامعه منتظر و انتظار موعود مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه: بداء، مهدویت، منجی، علائم حتی، وقت ظهور، توقیت، جامعه منتظر

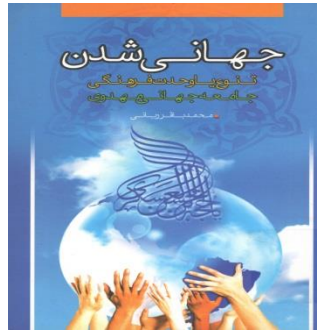
سال: ۱۳۹۳

حوزه علمیه قم - سطح ۳

استاد راهنما: حجت الاسلام کلباسی

استاد مشاور: حجت الاسلام کارگر

پیوست ۳: معرفی کتاب



جهانی شدن و تنوع یا وحدت فرهنگی؛ جامعه جهانی مهدوی

چکیده

نویسنده در این پژوهش با رویکرد آینده نگر اسلامی _ روایی به تحلیل وضعیت فرهنگ در عرصه جهانی و جامعه شناسی حکومت مهدوی پرداخته و کوشیده تا از این رهگذر، روشن سازد که آیا در جامعه جهانی حضرت مهدی(ع) تمام مردم به آداب و رسوم و هنجارهای واحدی پایبند خواهند شد و یا این که هر گروه از فرهنگی مخصوص به خود پیروی خواهد کرد؟ در ابتدای این اثر، نخست، از میان نظریات مختلف جهانی شدن از جمله افراط گرایی، شک گرایی و مبانی انتقادی، نظریه آخر برای بررسی مسأله جهانی شدن، مناسب انگاشته شده و سپس جهانی شدن فرهنگی و ویژگی های بعد سخت افزاری جهانی شدن بیان گردیده است. در گام بعدی، رشد علم و آگاهی، رشد صنعت و تکنولوژی، فراگیر شدن جهان بینی توحیدی و فراگیری هنجارهای اسلامی و دینی به عنوان ویژگی های جهانی شدن مهدوی قلمداد شده است. در قسمت پایانی نیز، جهانی شدن و تکثر فرهنگی در جامعه مهدوی تبیین گردیده و به سه استراتژی فرهنگی از قبیل کثرت گرایی فرهنگی، یکسان سازی فرهنگی و استراتژی وحدت در عین کثرت اشاره شده و در نهایت، به کمک استراتژی سوم، جامعه مهدوی تشریح گردیده است.

کلیدواژه ها: مهدویت، فرهنگ، جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگی، نظریات جهانی شدن، جهانی شدن مهدوی، جامعه مهدوی، تکثر فرهنگی، وحدت

نویسنده: محمد باقر ربانی

ناشر: انتشارات موسسه پژوهشی امام خمینی (ره)

تعداد صفحات: ۲۲۴

سال چاپ: ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع کتاب: رقعی

شابک: ۹-۳۹۵-۴۱۱-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال



خواهد آمد

نگاشته حاضر، مشتمل بر یادداشت ها و حکایت هایی پیرامون حضرت مهدی(ع) است. نویسنده در این اثر تلاش کرده تا اطلاعات پراکنده ای را درباره آخرین حجت الهی در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. ویژگی های امام مهدی(ع)، دلایل عقلی و نقلی بر امامت آن حضرت، اشاره به بشارت های قرآن و پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) درباره امامت ایشان، غیبت طولانی و فواید آن، نشانه های ظهور، نحوه قیام و اوصاف حکومت امام عصر(ع) و بیان دیدگاه علمای اهل سنت درباره آن امام همام برخی از مطالبی هستند که در این کتاب به آن ها پرداخته شده.

کلیدواژه ها: حضرت مهدی(ع)، غیبت، بشارت، ظهور، نشانه های ظهور، قیام، حکومت، اهل سنت، حکایت

نویسنده: محمد علی محمدی نیا

ناشر: پرتو خورشید

تعداد صفحات: ۱۴۵

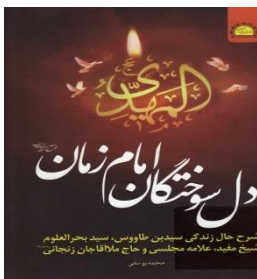
سال چاپ: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۲۰۰

قطع کتاب: رقعی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۴۳-۶۵-۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال



دلسوختگان امام زمان (ع)

در این کتاب پیرامون ملاقات‌های پنج تن از عالمان شیعه با امام زمان (ع) سخن گفته شده است. شیخ مفید، سید ابن طاووس، بحر العلوم، علامه مجلسی و حاج ملاآقا جان زنجانی، افرادی هستند که یادمان هر کدام از آنان، یک فصل جداگانه از این اثر را به خود اختصاص داده است. نگارنده در نظر داشته تا با ارایه شرح حالی مختصر از زندگی نامه و حکایت نمودن داستان‌هایی از تشرفات، ملاقات‌ها و توسل‌های آن بزرگان علم و معنویت به محضر امام عصر (ع) و همچنین گزارش‌هایی از عنایات و توقیعات امام به ایشان، علاوه بر معرفی آنان، شوق دیدار آن حضرت را در دل مخاطبان خود صدجندان کند.

کلیدواژه‌ها: امام زمان (ع)، تشریف، توقیع، شیخ مفید، سید ابن طاووس، بحر العلوم، علامه مجلسی و حاج

ملاآقا جان زنجانی.

نویسنده: محمد یوسفی

ناشر: خورشید هدایت

تعداد صفحات: ۲۰۸

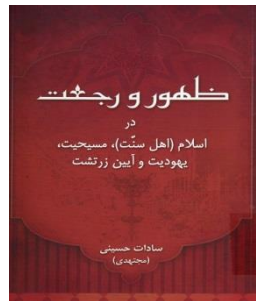
سال چاپ: ۱۳۸۹

تیراژ: ۵۰۰۰

قطع کتاب: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۶-۲۳-۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال



ظهور و رجعت در اسلام (اهل سنت)، یهودیت، و آیین زرتشت

در این اثر تلاش شده تا نگرش های مشترک اهل سنت، یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان به باورهای چون ظهور امام زمان(ع) و رجعت تبیین گردد. به بیان نگارنده، عالمان اهل سنت از تواتر احادیث مهدوی و قطعی بودن ظهور و همچنین، تنها از رجعت حضرت عیسی(ع) و افضلیت مهدی(ع) بر ایشان سخن گفته اند. وی در بخش مربوط به یهودیت و مسیحیت، نخست، نگاهی گذرا بر منابع عهدین انداخته و سپس علائم ظهور را در تورات و اناجیل بررسی کرده و در ادامه ظهور موعود و رجعت را در عهدین کاویده است. در مبحث پایانی کتاب نیز، ابتدا مختصری از آیین زرتشت و به دنبال آن، دو موضوع موعود و رجعت در اندیشه آنان کنکاش شده است.

کلیدواژه ها: ظهور، رجعت، مهدی(ع)، موعود، اهل سنت، امام، اهل بیت(ع)، عیسی(ع)، یهودیت، مسیحیت، عهدین، علائم ظهور، تورات، انجیل، زرتشت، سوشیانس.

نویسنده: سادات حسین(مجتهدی)

ناشر: دانشیاران ایران

تعداد صفحات: ۲۶۷

سال چاپ: ۱۳۸۶

تیراژ: ۵۰۰۰

قطع کتاب: وزیری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۳۵۷-۶-۲

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال